



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



گزیده‌های از رهنمودهای  
حضرت آیت‌الله العظمی  
سیدعلی خامنه‌ای مدظله العالی  
رهبر معظم انقلاب اسلامی  
به زوج‌های جوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطلع عشق: گزیده‌ای از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان

نویسنده:

محمد جواد حاج علی اکبری

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	مطلع عشق: گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۹	سخن ناشر
۲۳	فهرست مطالب
۳۴	دیبچه
۳۸	کلام اول ازدواج: ناموس طبیعت، دستور شریعت
۳۸	اشاره
۴۰	اشاره
۴۲	هدف زندگی
۴۳	ازدواج، یک ارزش اسلامی
۴۴	خدواند اصرار دارد
۴۵	خدواند از زن و مرد تنها خوشش نمی آید
۴۶	سنت پیامبر: ازدواج به موقع
۴۷	ازدواج در حال شور و شوق
۴۸	ازدواج در آغاز احساس نیاز
۴۹	برکات و فواید ازدواج
۵۰	شرایط کمالی ازدواج
۵۱	کفو بودن از نظر اسلام
۵۲	هشیارِ عاقل یا مسّتِ غافل
۵۳	شکر نعمت ازدواج
۵۴	مال و جمال، یا کمال؟ کدام انگیزه؟
۵۵	روش اسلام بهتر است

- ۵۶ ..... به همین آسانی!
- ۵۷ ..... مهم ترین فایده
- ۶۰ ..... کلام دوّم: کانون گرم خانواده
- ۶۰ ..... اشاره
- ۶۲ ..... اشاره
- ۶۴ ..... کلمه طّیبه یا نهاد پاک
- ۶۵ ..... سؤل اصلی پیکره اجتماع
- ۶۶ ..... خانواده سالم، جامعه سالم
- ۶۷ ..... جامعه بی خانواده، خاستگاه مشکلات روانی
- ۶۸ ..... نسلهای بی حفاظ
- ۷۰ ..... مختصات خانواده خوب
- ۷۱ ..... خانواده سالم، انتقال فرهنگ
- ۷۲ ..... خانواده سالم، آرامش افراد
- ۷۴ ..... انسان که ماشین نیست!
- ۷۶ ..... خانواده آرامتر با بهره وری بیشتر
- ۷۷ ..... فرصتی برای تجدید قوا
- ۷۸ ..... احترام به قرارداد زناشویی
- ۷۹ ..... غریزه جنسی، نیاز متقابل
- ۸۰ ..... تدین؛ رمز مانایی خانواده
- ۸۱ ..... نقش زن و شوهر
- ۸۲ ..... خانواده در جوامع اسلامی
- ۸۳ ..... خانواده ایرانی، الگوی جهانی
- ۸۴ ..... کلام سوّم: غروب عشق و قحطی عاطفه در غرب
- ۸۴ ..... اشاره
- ۸۶ ..... اشاره
- ۸۸ ..... نسل بی هویت

- ۸۹ ..... گناه كبرى غرب
- ۹۰ ..... نه أنسى، نه همسرى،... ..
- ۹۱ ..... آزادى جنسى، فروپاشى خانواده
- ۹۲ ..... عشق مصنوعى
- ۹۳ ..... پيامدهاى ازدواج به سبب غربى
- ۹۴ ..... غرب، در سراسيى سقوط
- ۹۵ ..... دربه در به دنبال آرامش
- ۹۶ ..... گوش شنوا كو؟! ..
- ۹۷ ..... هدف شوم؛ راهكار شيطانى
- ۹۸ ..... فقط يك كلمه درباره خانواده
- ۱۰۰ ..... كلام چهارم: حقوق متقابل زن و شوهر
- ۱۰۰ ..... اشاره
- ۱۰۲ ..... اشاره
- ۱۰۴ ..... مثل دو نفر شريك، مثل دو نفر رفيق
- ۱۰۵ ..... مرد قوام است و زن ريحان
- ۱۰۶ ..... جابه جابى نقشها ممنوع!
- ۱۰۷ ..... زن، گُل است نه كارپرداز شما
- ۱۰۸ ..... مرد بايد برود كار كند
- ۱۰۹ ..... نه مردسالارى و نه زن سالارى
- ۱۱۰ ..... تفاوت طبيعى زن و مرد
- ۱۱۱ ..... دو نگاه متفاوت، هر دو زيبا
- ۱۱۲ ..... حَقّ واقعى، حَقّ خيالى
- ۱۱۳ ..... بازى غرب
- ۱۱۴ ..... مرد بايد ضرورتهائى زن را درك كند
- ۱۱۶ ..... زن هوشمند، مرد را اداره مى كند
- ۱۱۸ ..... رهنمود اول: همسفر تا بهشت

- ۱۱۸ ..... اشاره
- ۱۲۰ ..... اشاره
- ۱۲۲ ..... مفهوم خوشبختی
- ۱۲۳ ..... همدیگر را بهشتی کنید!
- ۱۲۵ ..... همدیگر را خوشبخت کنید!
- ۱۲۶ ..... تواضوا بالحقّ و تواضوا بالصبر
- ۱۲۷ ..... مثل یک پرستار نه آقا بالاسر
- ۱۲۸ ..... مراقبت اخلاقی
- ۱۳۰ ..... رهنمود دوّم: بالاتر از واقعیت
- ۱۳۰ ..... اشاره
- ۱۳۲ ..... اشاره
- ۱۳۴ ..... بالاتر از واقعیات زندگی...
- ۱۳۵ ..... اصل قضیه، عشق است
- ۱۳۶ ..... هر چقدر بیشتر، بهتر
- ۱۳۷ ..... از محبت خارها گل می شود
- ۱۳۸ ..... محبت، دستوری و سفارشی نیست
- ۱۳۹ ..... عشق بازی دیگر و نفس پرستی دیگر است
- ۱۴۰ ..... گام اول: احترام متقابل
- ۱۴۱ ..... گام دوّم: اعتمادسازی
- ۱۴۲ ..... وفاداری کن تا جلب اعتماد کنی!
- ۱۴۳ ..... اعتماد، قراردادی نیست
- ۱۴۴ ..... ذوب کدورتها در لابه لای محبتها
- ۱۴۵ ..... بزرگ ترها هم کمک کنند
- ۱۴۶ ..... رهنمود سوّم: هنر تقسیم کار
- ۱۴۶ ..... اشاره
- ۱۴۸ ..... اشاره



- ۱۵۰ - تقسیم کارها -
- ۱۵۱ - به هم روحیه بدهید -
- ۱۵۲ - زمینه سازی برای موفقیت -
- ۱۵۳ - شرط مهم فعالیت اجتماعی خانمها -
- ۱۵۴ - تشویق یکدیگر در میدان مسابقه خیرات -
- ۱۵۶ - غمخواری، کمک واقعی -
- ۱۵۷ - اهمیت فراوان مدیریت کدبانو -
- ۱۵۸ - بچه داری، هنر بزرگ -
- ۱۵۹ - جمع بین کار و زندگی -
- ۱۶۰ - زن، قوی تر از مرد است!
- ۱۶۱ - به حضرت زهرا (علیها السلام) بنگرید -
- ۱۶۲ - رهنمود چهارم: سازش و سازگاری -
- ۱۶۲ - اشاره -
- ۱۶۴ - اشاره -
- ۱۶۶ - امام (ره) فرمودند: بروید با هم بسازید -
- ۱۶۷ - سازگاری یعنی چه ؟ -
- ۱۶۹ - یک تعبیر خوب اروپایی -
- ۱۷۰ - هیچ انسانی بی عیب نیست!
- ۱۷۱ - علت متلاشی شدن بنیان خانواده -
- ۱۷۲ - سازگاری دوطرفه -
- ۱۷۴ - رهنمود پنجم: زندگی شیرین -
- ۱۷۴ - اشاره -
- ۱۷۶ - اشاره -
- ۱۷۸ - شکر عملی مهم است -
- ۱۷۹ - اسرار زندگی را محکم نگهدارید -
- ۱۸۰ - غمخوار هم باشید -

- ۱۸۱ ..... ساده زیستی و میانه روی
- ۱۸۲ ..... مسابقه بدون برنده
- ۱۸۴ ..... قناعت برای همه مفید است
- ۱۸۶ ..... از مراسم عروسی آغاز کنید
- ۱۸۷ ..... حال پدر و مادر را رعایت کنید
- ۱۸۸ ..... حجاب و عفاف
- ۱۹۰ ..... رهنمود ششم: هشدارها و یادآوریه‌ها
- ۱۹۰ ..... اشاره
- ۱۹۲ ..... اشاره
- ۱۹۴ ..... حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید!
- ۱۹۵ ..... تحقیر همسر،
- ۱۹۵ ..... آغاز فروپاشی خانواده
- ۱۹۶ ..... ایده آل خواهی افراطی
- ۱۹۷ ..... معاشرتهای غیرشرعی
- ۱۹۸ ..... حریم داری و عفاف، سپهر خانواده
- ۲۰۰ ..... رهنمود هفتم: آسان گیری
- ۲۰۰ ..... اشاره
- ۲۰۲ ..... اشاره
- ۲۰۶ ..... الف: مراسم (تشریفات)
- ۲۰۶ ..... تشریفات ساده ازدواج اسلامی
- ۲۰۷ ..... عقد اسلامی یا عقد جاهلی
- ۲۰۸ ..... آسان بگیرید، خداوند کفایت می کند
- ۲۰۹ ..... با شادی و میهمانی موافقیم، با اسراف نه
- ۲۱۰ ..... این هتله‌ها و سالنهای پرخرج، عروسی را شیرین نمی کند
- ۲۱۲ ..... اشتباه بعضی از مسئولین
- ۲۱۳ ..... این، آبرو و عزت نیست

- ۲۱۴ ..... اهل تجمل حسابشان خیلی سخت است
- ۲۱۵ ..... زحمت بیخودی
- ۲۱۶ ..... از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تقلید کنید
- ۲۱۷ ..... لباس عروس کرایه ای
- ۲۱۸ ..... ب: مهریه، نشان ارادت یا قیمت گذاری؟
- ۲۱۸ ..... پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سنت مهریه جاهلی را شکست
- ۲۲۰ ..... چرا اصرار بر ۱۴ سکه
- ۲۲۱ ..... مهریه بالا بی احترامی به دختر است
- ۲۲۲ ..... مهمرم حلال، جانم خلاص
- ۲۲۳ ..... مهریه بالا، سدّ راه ازدواج جوانان
- ۲۲۴ ..... ج: جهیزیه، توشه زندگی یا بهانه فخرفروشی؟
- ۲۲۴ ..... عزّت دختر به اخلاق است نه جهیزیه
- ۲۲۵ ..... چشم و هم چشمی و معضل جهیزیه
- ۲۲۷ ..... به فکر دیگران هم باشید
- ۲۲۸ ..... جهیزیه بهترین عروس عالم
- ۲۳۰ ..... عروس خانمها شما نگذارید
- ۲۳۲ ..... سخن آخر
- ۲۳۲ ..... اشاره
- ۲۳۴ ..... جلسه عقد به پایان می رسد!
- ۲۳۶ ..... درباره مرکز

# مطلع عشق: گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان

## مشخصات کتاب

سرشناسه : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

عنوان و نام پدیدآور : مطلع عشق: گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان / گردآورنده محمدجواد حاج علی اکبری.

مشخصات نشر : تهران : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی، 1392.

مشخصات ظاهری : 218ص.

شابک : 100000 ریال : 8-75-2951-964-978 ؛ 100000 ریال (چاپ دوم) ؛ 100000ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم و سوم: 1392.

یادداشت : این کتاب در سال های 1392-1399 تجدید چاپ شده است .

یادداشت : چاپ شانزدهم: 1399.

یادداشت : چاپ چهاردهم: 1399.

یادداشت : چاپ هفدهم و هجدهم: 1400.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- نظریه درباره زناشویی

شناسه افزوده : حاج علی اکبری ، محمدجواد، 1345 - ، گردآورنده

شناسه افزوده : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره : DSR1692 / از 93 م 1392

رده بندی دیویی : 955/0843

شماره کتابشناسی ملی : 3228926

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

ص: 1

**اشاره**

گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان

گردآورنده محمدجواد حاج علی اکبری.

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

انتشارات انقلاب اسلامی ، 1392

ص: 2

## بسم الله الرحمن الرحيم

همسر جوانان عزیزه که پرند و با جسمها در دستهاست  
 چنانچه به همسر تا فرزندان عزیزم تبریک می‌دهم . ترهه می‌کنم  
 به همسر خود هر روز ، به آنان وفادار باشید و خلاقیت  
 در دستها بیدار شوید بدین . از زوره قادن در دست  
 زندگی مشترک بر خیزد باشید و کارها را هر چه بدی ایت  
 نادرید بپذیرید . خداوند بر شما خوشبختی و سلامی در  
 عمده و روحی عفو فرماید و کانون زندگیتان را با فرزندان  
 ندرت و حال ، گرمی و دوستی بخشد . ایشا به  
 سعید صبا





گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان

گردآورنده محمدجواد حاج علی اکبری.

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

انتشارات انقلاب اسلامی ، 1392

ص: 5

سرشناسه : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -

عنوان و نام پدیدآور : مطلع عشق: گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی به زوجهای جوان / گردآورنده محمدجواد حاج علی اکبری.

مشخصات نشر : تهران : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی ، 1392.

مشخصات ظاهری : 218ص.

شابک : 100000 ریال : 8-75-2951-964-978 ؛ 100000 ریال (چاپ دوم) ؛ 100000ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم و سوم: 1392.

یادداشت : این کتاب در سال های 1392-1399 تجدید چاپ شده است .

یادداشت : چاپ شانزدهم: 1399.

یادداشت : چاپ چهاردهم: 1399.

یادداشت : چاپ هفدهم و هجدهم: 1400.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - -- نظریه درباره زناشویی

شناسه افزوده : حاج علی اکبری ، محمدجواد، 1345 - ، گردآورنده

شناسه افزوده : موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مد ظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره : DSR1692 / 93 م 1392

رده بندی دیویی : 955/0843

شماره کتابشناسی ملی : 3228926

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

نیاز انسان به زندگی اجتماعی و تشکیل خانواده، نیازی فطری است؛ و تطابق نیازهای درونی و امکانات بیرونی - که از مصادیق تام حکمت الهی است - این امکان را فراهم آورده تا انسانها با روی آوردن به ازدواج، به این میل باطنی و خواسته طبیعی خویش پاسخ دهند. تعلیمات دینی، از جمله آیات قرآنی، در تبیین فلسفه ازدواج به همین اصل توجه داشته و پیوند زناشویی را که از زیباترین لحظات زندگی زنان و مردان است، از آیات الهی و منشأ آرامش و آسایش می داند:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا... (1)

و بقای نسل را نتیجه این امر مبارك و میمون می شمارد:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً... (2)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز ازدواج را سنت خویش خوانده تا با انتساب این کار به خود، بر ارزش آن بیفزاید و اهمیت آن را بر پیروان خویش بیشتر بنماید و بر انجام دادن به موقع آن تأکید ورزد؛ و این سنت طبیعی را با سنت الهی به هم آمیزد تا مسلمانان به انگیزه پاداش و ثواب نیز به این کار رغبت مضاعف ورزند و با تشکیل خانواده، در تربیت انسانهای بافضیلت، متدین، سالم و عاطفی بکوشند.

دینی شدن ازدواج در مکتب اسلام، پیوند زناشویی زن و مرد را از سایر اقوام و ملل ممتاز گردانیده است؛ خواندن صیغه عقد اگرچه از سوی مرد و زن می تواند جاری شود، اما اعتقاد عموم مؤمنین بر آن است که برای تحکیم پیوند و افزایش

ص: 7

1- .سوره روم، آیه 21.

2- .سوره نحل، آیه 72.

برکت زندگی، این کار را به وکالت به عالمی آشنای با شریعت و صاحب‌بنفسی اهل حقیقت بسپارند تا به برکات آنفاسِ قدسی آن وجود الهی، خاطره ای خوش از آغاز زندگانی در دل نگاه دارند و نصایح و پندهای او را آویزه گوش جان نمایند.

این کتاب، مجموعه ای است از پندها و نصایح مقام معظم رهبری به زوجهای جوانی که توفیق یافته اند پیوند زناشویی خود را با آهنگ کلام ایشان، هماهنگ کنند و در آغاز زندگی از سرچشمه فیض و حکمت آن عالم عارف بهره گیرند.

ایشان در مقام پدری مهربان، مرادی دستگیر، اندیشمندی دورنگر و ژرف اندیش و رهبر و راهنمایی فرزانه، در پس و پیش خواندن خطبه عقد، آمیخته ای از حکمتهای نظری و عملی را با زبانی ساده و صمیمانه به هم آمیخته و شربتی به شیرینی زندگی اهل ایمان برایشان تدارک دیده و حکیمانه در کام تشنه آنها فرو ریخته است.

به منظور بهره مندی همگان از این جاری زلال، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی مصمم گردید تا نسبت به تدوین و تنظیم، چاپ و انتشار سخنان معظمله در این گونه «مراسم» اقدام نماید، که این تصمیم با همت والای حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدجواد حاج علی اکبری، عملی گردید و اینک آن مجموعه با عنوان «مطلع عشق» به نسل جوان و خواهندگان زندگی بانشاط تقدیم می گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله اقراراً بنعمه و لاله الا الله اخلاصاً لوحديته و الصّـلموّه والسّـلام على اشرف بريته و على الأصفياء من عترته. و بعد فقد كان من فضل الله على الأنام أن أغناهم بالحلال عن الحرام فقال و انكحوا الايتامى منكم و الصّـالحين من عبادكم و امانكم إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم. و قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

من تزوّج احرز نصف دينه، فليتق الله فى النّصف الآخر.

و قال (صلى الله عليه و آله):

النّكاح سنّتى فمن رغب عن سنّتى فليس منّى.

ص: 9



دیباچه 17

کلام اول: ازدواج؛ ناموس طبیعت، دستور شریعت 21

اشاره 23

هدف زندگی 25

ازدواج، يك ارزش اسلامی 26

خداوند اصرار دارد 27

خداوند از زن و مرد تنها خوشش نمی آید 28

سنت پیامبر: ازدواج به موقع 29

ازدواج در حال شور و شوق 30

ازدواج در آغاز احساس نیاز 31

برکات و فواید ازدواج 32

شرایط کمالی ازدواج 33

کفو بودن از نظر اسلام 34

هشیارِ عاقل یا مستِ غافل 35

شکر نعمت ازدواج 36

مال و جمال، یا کمال؟ کدام انگیزه؟ 37

روش اسلام بهتر است 38

به همین آسانی! 39

مهم ترین فایده 40

کلام دوم: کانون گرم خانواده 43

اشاره 45

كلمة طيبة يا نهاد پاك 47

سلول اصلى پيكره اجتماع 48

ص: 11



خانواده سالم، جامعه سالم 49

جامعه بی خانواده، خاستگاه مشکلات روانی 50

نسلهای بی حفاظ 51

مختصات خانواده خوب 53

خانواده سالم، انتقال فرهنگ 54

خانواده سالم، آرامش افراد 55

انسان که ماشین نیست! 57

خانواده آرامتر با بهره وری بیشتر 59

فرصتی برای تجدید قوا 60

احترام به قرارداد زناشویی 61

غریزه جنسی، نیاز متقابل 62

تدین؛ رمز مانایی خانواده 63

نقش زن و شوهر 64

خانواده در جوامع اسلامی 65

خانواده ایرانی، الگوی جهانی 66

کلام سوم: غروب عشق و قحطی عاطفه در غرب 67

اشاره 69

نسل بی هویت 71

گناه کبیره غرب 72

نه انسی، نه همسری، ... 73

آزادی جنسی، فروپاشی خانواده 74

عشق مصنوعی 75

پیامدهای ازدواج به سبک غربی 76

غرب، در سرایشی سقوط 77

در به در به دنبال آرامش 78

گوش شنوا کو؟! 79

هدف شوم؛ راهکار شیطانی 80

فقط يك كلمه درباره خانواده 81

کلام چهارم: حقوق متقابل زن و شوهر 83

اشاره 85

مثل دو نفر شريك، مثل دو نفر رفیق 87

مرد قوام است وزن ريحان 88

ص: 12

جابه جایی نقشها ممنوع! 89

زن، گُل است نه کاربرد از شما 90

مرد باید برود کار کند 91

نه مردسالاری و نه زن سالاری 92

تفاوت طبیعی زن و مرد 93

دو نگاه متفاوت، هر دو زیبا 94

حقّ واقعی، حقّ خیالی 95

بازی غرب 96

مرد باید ضرورتهای زن را درك کند 97

زن هوشمند، مرد را اداره می کند 99

رهنمود اول: همسفر تا بهشت 101

اشاره 103

مفهوم خوشبختی 105

همدیگر را بهشتی کنید! 106

همدیگر را خوشبخت کنید! 108

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر 109

مثل يك پرستار نه آقا بالاسر 110

مراقبت اخلاقی 111

رهنمود دوّم: بالاتر از واقعیت 113

اشاره 115

بالاتر از واقعیات زندگی... 117

اصل قضیه، عشق است 118

هر چقدر بیشتر، بهتر 119

از محبت خارها گل می شود 120

محبت، دستوری و سفارشی نیست 121

عشق بازی دگر و نفس پرستی دگر است 122

گام اول: احترام متقابل 123

گام دوم: اعتمادسازی 124

وفاداری کن تا جلب اعتماد کنی! 125

اعتماد، قراردادی نیست 126

ذوب کدورتها در لابه لای محبتها 127

بزرگ ترها هم کمک کنند 128

ص: 13

رهنمود سوّم: هنر تقسیم کار 129

اشاره 131

تقسیم کارها 133

به هم روحیه بدهید 134

زمینه سازی برای موفقیت 135

شرط مهمّ فعالیت اجتماعی خانمها 136

تشویق یکدیگر در میدان مسابقه خیرات 137

غمخواری، کمک واقعی 139

اهمیت فراوان مدیریت کدبانو 140

بچه داری، هنر بزرگ 141

جمع بین کار و زندگی 142

زن، قوی تر از مرد است! 143

به حضرت زهرا (علیها السلام) بنگرید 144

رهنمود چهارم: سازش و سازگاری 145

اشاره 147

امام (ره) فرمودند: بروید با هم بسازید 149

سازگاری یعنی چه؟ 150

یک تعبیر خوب اروپایی 152

هیچ انسانی بی عیب نیست! 153

علّت متلاشی شدن بنیان خانواده 154

سازگاری دوطرفه 155

رهنمود پنجم: زندگی شیرین 157

اشاره 159

شکر عملی مهم است 161

اسرار زندگی را محکم نگهدارید 162

غمخوار هم باشید 163

ساده زیستی و میانه روی 164

مسابقه بدون برنده 165

قناعت برای همه مفید است 167

از مراسم عروسی آغاز کنید 169

حال پدر و مادر را رعایت کنید 170

حجاب و عفاف 171

ص: 14

رهنمود ششم: هشدارها و یادآوریها 173

اشاره 175

حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید! 177

تحقیق همسر، آغاز فروپاشی خانواده 178

ایده آل خواهی افراطی 179

معاشرتهای غیرشرعی 180

حریم داری و عفاف، سپر خانواده 181

رهنمود هفتم: آسان گیری 183

اشاره 185

الف: مراسم (تشریفات) 189

تشریفات ساده ازدواج اسلامی 189

عقد اسلامی یا عقد جاهلی 190

آسان بگیرید، خداوند کفایت می کند 191

با شادی و میهمانی موافقیم، با اسراف نه 192

این هتلهای و سالنهای پرخرج، عروسی را شیرین نمی کند 193

اشتباه بعضی از مسئولین 195

این، آبرو و عزت نیست 196

اهل تجمل حسابشان خیلی سخت است 197

زحمت بیخودی 198

از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تقلید کنید 199

لباس عروس کرایه ای 200

ب: مهریه، نشان ارادت یا قیمت گذاری؟ 201

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سنت مهریه جاهلی را شکست 201

چرا اصرار بر 14 سکه 203

مهریه بالا بی احترامی به دختر است 204

مهرم حلال، جانم خلاص 205

مهریه بالا، سدّ راه ازدواج جوانان 206

ج: جهیزیه، توشه زندگی یا بهانه فخرفروشی؟ 207

عزت دختر به اخلاق است نه جهیزیه 207

چشم و هم چشمی و معضل جهیزیه 208

به فکر دیگران هم باشید 210

جهیزیه بهترین عروس عالم 211

ص: 15



عروس خانمها شما نگذارید 213

سخن آخر 215

جلسه عقد به پایان می رسد! 217

پی نوشتها 219

ص: 16

لحظات سخت انتظار رو به پایان است، انتظاری شیرین در آستانه دو رؤیای شورانگیز که يك جا تعبیر خواهد شد.

جوانانی مؤمن و نورانی که در آستانه پیوند الهی و آسمانی خود قرار دارند. میثاقی که همه فرادهای آنان را به هم پیوند خواهد زد. گرهی که دو سرنوشت را به هم درمی آمیزد. در يك سو، جمعی از عروسهای جوان، لبریز از عاطفه و احساس و پُر از ناز و حیا، چشم به جاده زندگی با آرزوهای رنگارنگ، در يك سو دامادهای جوان، مصمم و پرامید، غرق عشق و شیدایی، چشم به هدفهای دور و دغدغه مند فراز و نشیبهای زندگی و در سوی دیگر چشمان پر از مهر و آکنده از اشک شوق و دلهای غرق شادمانی و سرور پدران و مادرانی که لحظه پیوند گلهای بوستان زندگی شان را انتظار می کشند.

و همه منتظر و چشم به راه آمدن «او» هستند. «او» که با سرانگشت کلام آسمانی خود دلهای این دلبران را برای همیشه به هم پیوند خواهد زد.

چه میثاق پرفروغی! انجام فرمان الهی(1) و تماشای یکی از زیباترین نشانه های خالق زیباییها(2)، هماهنگ با سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) و شیوه علوی (علیه السلام)(3).

دلهای لبریز از مودت خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در روزهای میمون و مبارک، برای فلاح و خوشبختی با یکدیگر پیمان می بندند. دو پرستو که بال در بال هم، پروازی را تا آشیان قدس

ص: 17

- 
- 1- . وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ... سورة نور، آیه 23
  - 2- . وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ... سورة روم، آیه 21
  - 3- . النكاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی. بحار الانوار، ج 100، ص 220.

و بهشت رضوان آغاز می کنند.

همچنان که در شریعت مصطفوی (صلی الله علیه و آله)، بنای «ازدواج» بر آسان گرفتن است، در عقد نیز تکلفی وجود ندارد. عروس و داماد هم می توانند با رعایت شرایط، صیغه عقد را بخوانند؛ اما همه معتقدند که برای تحکیم پیوند و افزایش برکت و شگون زندگی چه خوب است این مرحله را به کسی بسپارند که هم عارف به آداب شریعت باشد و هم صاحب جانی پاک و نفسی مقدس، تا میمنت وجود او چراغ عشقشان را روشن تر و حلاوت حضور «او» صحنه زندگی شان را شیرین تر نماید.

و چه سعادت! اگر مؤسس این بنیان، ولی فقیه زمان، محبوب دلهای مؤمنان و نایب امام عصر - عجل الله تعالی فرجه شریف - باشد.

سالهاست که این افتخار بزرگ شامل حال جماعتی از زوجهای جوان می شود. و بدینسان برای آنها که این توفیق شامل حالشان می شود، به يك کرشمه دو کار بر می آید و به يك غمزه دو شکار!

شخص باصفایی جلوی جماعت قرار می گیرد. همه عقدنامه ها همراه با يك دفتر همراه اوست. يك به يك نام همه عروسها و دامادها را می خواند و تذکرات لازم را می دهد. وجه مشترك همه عقدنامه ها در میزان مهریه است. «14 سکه» فقط. و البته برخی به همراه آن، سفر به خانه خدا و عتبات عالیات و یا هدیه ای معنوی را نیز مطابق سلیقه و توافق آورده اند. این، شرط حضور در چنین مجلسی است. او به تذکرات خود ادامه می دهد: «آقا، وکیل عقد از سوی عروس خانمها هستند و جناب آقای محمدی گلپایگانی، از دامادها وکالت خواهند گرفت.» عروسها از این موهبت الهی احساس کرامت و سرافرازی می کنند و زیر چشم به دامادها فخر می فروشند. دامادها اندکی دلخور می شوند، ولی بعد با توجه به اینکه اصل قضیه همان «آنکحت» است که «آقا» می گوید، خودشان را آرام می کنند. به هر حال معلوم می شود از همین اول باید هوای خانم را داشت!

همه چیز مهیاست...!

و لحظاتی بعد... پرده کنار زده می شود و سیمای پرنور نایب مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با هاله ای زهرایی (علیها السلام) و لبخندی آسمانی بر جمع طلوع می کند. سرود جاودانی صلوات

بر لبها و جاری اشك شوق در چشمها حکایت دل‌های شیدایی است که شاکرانه لحظه‌های شیرین وصال را جشن گرفته اند. «آقا» با چشمان مهربانشان همه جمع را سیر می‌کنند و به حاضران خوش آمد می‌گویند.

مطابق با شیوه این محافل، ابتدا رهبر حکیم در جملاتی کوتاه و نغز، پدران و مُشَفِقانه، گوهرهایی پراج از حکمت‌های ناب و درس‌های زندگی را به رهروان جاده خوشبختی هدیه می‌دهند.

و من، سرخوش از جام‌های حکمت و شادکام از توفیق حضور در این محفل عرشی، با خود می‌گویم، کاش همه عروسها و دامادهای سرزمین ایمان - که فرزندان معنوی این پدر مهربان و حکیم اند - در آغاز راه زندگی از این حکمتها بهره می‌بردند و برای سفر طولانی و پرمخاطره خود از این خوان کرم توشه ای بر می‌گرفتند.

بعد از بیان نکته‌ها، محبوب دلها، از يك يك عروس خانمها وکالت می‌گیرند. این جا دیگر کسی برای «بله» گفتن ناز نمی‌کند. بعد از چند نفر، آقا نام عروس دیگری را می‌خوانند و با ذکر مهریه و یادآوری شروط، از او وکالت می‌خواهند... برخلاف رویه دختر سکوت می‌کند. جمع در حیرتی سنگین فرومی‌رود. آقا اندکی درنگ می‌کند؛ «اگر وکالت ندهید عبور می‌کنم...» دختر در حالی که بغض گلویش را می‌فشارد، لب باز می‌کند: «آقا جون شرط داره!» تعجب حاضران بیشتر می‌شود. «چه شرطی دخترم؟» «به شرط اینکه شما من و پدرم را در روز قیامت شفاعت کنید.» و کسی از کنار جلسه ادامه می‌دهد: «آقا! ایشان دختر سردار رشید سپاه اسلام، شهید... هستند.» جمع منقلب می‌شود. آقا متواضعانه می‌فرمایند: «دخترم! پدر عزیز شهید شماست که باید از همه ما شفاعت کند!» مجلس با یاد لاله‌های زهرایی (علیها السلام) حال و هوای دیگری می‌گیرد. بهتر از همیشه می‌توان حضور آن عرشیان را احساس کرد. اکنون آقای محمّدی هم از دامادها وکالت گرفته اند و همه چیز برای اجرای صیغه عقد آماده است.

بسم الله و بالله و علی سنّة رسول الله و علی منہاج امیرالمؤمنین...

اینک خداوند مهربان را شاکرم که آرزوی مرا در آن محفل

شیرین به فضل و کرمش برآورده ساخت و با همت دوستان عزیزم «مطلع عشق» برای همه طالبان نیک بختی مهیا و در دسترس قرار گرفت. و اما چند نکته درباره این مجموعه:

اول: این «مجموعه» شامل چهار کلام و هفت رهنمود است. کلامها در حقیقت ره توشه نظری به شمار می روند. در کلامها، با دانستیهای ضروری درباره ازدواج و خانواده آشنا می شویم. و در رهنمودها، مهارتهای زندگی شیرین در پرتو آموزه های اسلامی را فرا می گیریم. در آغاز هر کلام و رهنمود، پنجره ای (اشاره) گشوده ایم تا به تماشای بهتر این بوستان معانی کمک کند. در انتخاب عنوان برای فرازهای گوناگون نیز کوشیده ایم تا در حد امکان منعکس کننده مقصود اصلی متن باشد، و در همه حال سعی بر این بوده است تا حال و هوای صمیمی جلسات حفظ و منتقل شود.

دوم: نکته های حاضر از مجموعه سخنان رهبر عالی قدر در جلسات عقد، طی یک دهه گذشته، فراهم آمده است و گزارشی از این خطبه ها به حساب می آید. رهبر عزیز ما در این مجالس در مقام بیان همه دیدگاههای خود درباره ازدواج و خانواده نبوده اند، بلکه به مناسبت آغاز زندگی جمعی از فرزندانمان، آنچه را که اسرار کامیابی آنان می دانسته اند، صمیمانه تذکر داده اند.

اگرچه مخاطب این نکته ها در اکثر موارد جوانان آغازگر راه زندگی مشترک هستند، در عین حال، برای آنان که سالهایی از شروع زندگی شان می گذرد نیز سودمند و راهگشاست. در این مجموعه پدران و مادران نیز با نگاه ناب اسلامی درباره ازدواج، بیشتر آشنا می شوند و به ویژه مخاطب رهنمود هفتم، آنان هستند.

سوم: در پایان از همه عزیزانی که اینجانب را در تدوین این مجموعه گران بها یاری رساندند، به ویژه از مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که منابع اصلی را در اختیار نهادند، تشکر می کنم. تلاش خالصانه این عزیزان را ارج می نهم و برایشان آرزوی موفقیت می کنم.

محمدجواد حاج علی اکبری

كلام اوّل از دواج: ناموس طبيعت، دستور شريعت

اشاره

ص: 21



اینک لحظهٔ پرشکوه یک پیوند آسمانی از راه رسیده است.

دور رهرو جوان می خواهند بر اساس خواست و رضای خداوند، دست در دست هم، راه زندگی را به سوی هدف والای آن سیر کنند.

راستی! این چه میثاق عمیق و مهمی است!

طبع و غریزه، «زوج» می خواهد. روانِ پرتلاطم «همسر» می طلبد. روح بی قرار، بدون «او» احساس نقصان و کمبود می کند. خداوند هر یک را بدون دیگری نمی پسندد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) «ازدواج» را سنت خویش و راه رسیدن به رضای الهی و صیانت بخشیدن به نیمی از دین معرفی می کند.

می خواهند بیشتر بدانند تا با هشیاری «بله» بگویند.

شنیدن از این «سید» چقدر مغتنم است.

خوشا به حالشان!





زندگی يك کاروان طولانی است که منازل و مراحل دارد، هدف والایی نیز دارد. هدف انسان در زندگی باید این باشد که از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی استفاده نماید.

اصلاً ما برای این به دنیا آمده ایم. ما در حالی وارد این دنیا می شویم که از خود اختیاری نداریم. کودکان و تحت تأثیر هستیم، اما تدریجاً عقل ما رشد می کند و قدرت اختیار و انتخاب پیدا می کنیم. این جا، آن جایی است که لازم است انسان درست بیندیشد و درست انتخاب کند و براساس این انتخاب حرکت کند و به جلو برود.

اگر انسان این فرصت را مغتنم بشمرد و از این چند صبحی که در این دنیا هست خوب استفاده کند و بتواند خودش را به کمال برساند، آن روزی که از دنیا خارج می شود، مثل کسی است که از زندان خارج شده و از این جا زندگی حقیقی آغاز می شود. (1)

ص: 25

مطلب اصلی و اول، این است که این ازدواجی که خدای متعال سنت قرار داده و آفرینش هم آن را اقتضا می کند، یکی از نعمتها و اسرار الهی و یکی از پدیده های اجتناب ناپذیر زندگی بشری است.

می شد که خداوند در قوانین آسمانی، این موضوع را لازم، واجب و حتمی و یا مجاز کند و مردم را رها کند تا یکی یکی بروند و با هم ازدواج کنند، اما این کار را نکرده است. بلکه ازدواج را يك ارزش قرار داده، یعنی کسی که ازدواج نمی کند خود را از این ارزش محروم نموده است. (1)

ص: 26

از نظر اسلام، تشکیل خانواده يك فریضه است. عملی است که مرد و زن باید آن را به عنوان يك کار الهی و يك وظیفه انجام بدهند. اگرچه شرعاً در زمره واجبات ذکر نشده، اما به قدری تحریص و ترغیب شده است که انسان می فهمد خدای متعال بر این امر اصرار دارد، آن هم نه به عنوان يك کارگزاری، بلکه به عنوان يك حادثه ماندگار و دارای تأثیر در زندگی و جامعه. لذا این همه بر پیوند میان زن و شوهر تحریص کرده و جدایی را مذمت نموده است. (1)

ص: 27

## خداوند از زن و مرد تنها خوشش نمی آید

خداوند متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی آید، مخصوصاً آنهایی که جوانند و بار اولشان است. مخصوص جوانها هم نیست. خدای متعال از زندگی مشترك و مزدوج خوشش می آید. (1)

آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه عمر را به تنهایی می گذرانند، از دید اسلام يك چیز مطلوبی نیست. مثل يك موجود بیگانه است در مجموعه پیکره انسانی. اسلام این طور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه پیکره جامعه باشد نه فرد تنها. (2)

ص: 28

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/11/20

2- خطبه عقد مورخه 1375/10/5

روایت معروفی داریم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: نکاح سنت من است. البته این سنت آفرینش است، سنت میان انسانها و همه اقوام و ادیان است. پس چرا فرموده اند سنت من؟ چه اختصاصی وجود دارد؟ شاید از این جهت باشد که اسلام بر این امر تأکید بیشتری ورزیده و این تأکید در ادیان الهی دیگر کمتر است. شما ملاحظه می کنید این تأکیدی که اسلام بر ازدواج کرده در این مکاتب اجتماعی و فلسفه های رایج اجتماعی و سیاستهای معمولی دنیا، وجود ندارد. اسلام اصرار دارد که پسرها و دخترها در همان سنینی که برای ازدواج آماده اند ازدواج نمایند. (1)

نکاح، علاوه بر يك تقاضای طبیعی، يك سنت دینی و اسلامی نیز هست. بنابراین خیلی آسان است که کسی از طریق این اقدام و عمل که طبیعت و نیاز او آن را ایجاب می کند، ثواب هم ببرد؛ چون سنت است و به قصد ادای سنت پیامبر و اطاعت امر ایشان به این کار اقدام نماید. (2)

ازدواج يك سنت طبیعی و الهی است. این را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به سنت خودشان تعبیر می کنند. معنایش این است که در اسلام بر روی این مسأله تأکید ویژه ای شده. چرا؟ به خاطر اهمیت این مسأله، به خاطر تأثیر عمیق تشکیل خانواده در تربیت انسان، در رشد فضایل، در ساخت و ساز انسان سالم از لحاظ عاطفی، روحی و تربیتهای بعدی. (3)

ص: 29

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/6/28

2- خطبه عقد مورخه 1376/11/9

3- خطبه عقد مورخه 1379/4/29

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اصرار داشتند جوانها زود ازدواج کنند - چه دخترها و چه پسرها - البتّه با میل خودشان و با اختیار خودشان، نه اینکه دیگران برایشان تصمیم بگیرند. ما هم باید در جامعه خودمان این را رواج دهیم. جوانها در سنین مناسب، وقتی از دوران جوانی خارج نشده اند، در همان حال گرمی و شور و شوق، باید ازدواج کنند. این برخلاف برداشت و تلقی خیلی از افراد است که خیال می کنند ازدواجهای دوران جوانی، ازدواجهای زودرس است و ماندگار نیست. درست برعکس است، این طور نیست. اگر درست صورت بگیرد، ازدواجهای بسیار ماندگار و خوبی هم خواهد بود و زن و شوهر در چنین خانواده ای کاملاً با هم صمیمی خواهند بود. (1)

ص: 30

اسلام اصرار دارد بر اینکه این پدیده در اوان خود، هرچه زودتر از آغاز احساس نیاز انجام گیرد. این هم از اختصاصات اسلام است، هرچه زودتر بهتر. زود که می‌گوییم یعنی از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز می‌کنند به داشتن همسر؛ هرچه این کار زودتر انجام بگیرد، بهتر است. علت چیست؟ علت این است که اولاً- برکات و خیراتی که در امر ازدواج وجود دارد در وقت خود و زودتر از اینکه زمان بگذرد و عمر تلف بشود، برای انسان حاصل خواهد شد. ثانیاً جلوی طغیانهای جنسی را می‌گیرد. لذا می‌فرماید: من تزوج احرز نصف دینه(1). طبق این روایت معلوم می‌شود که نصف تهدیدی که انسان درباره دین خود می‌بیند از طرف طغیانهای جنسی است که خیلی رقم بالایی است. (2)

ص: 31

---

1- . بحارالانوار، ج 100، ص 219

2- خطبه عقد مورخه 1380/12/9



فرصت ازدواج و آرام گرفتن در يك مجموعه خانواده، یکی از فرصتهای مهم زندگی است. برای زن و مرد - هر دو - این يك وسیله آرامش و آسایش روحی و وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است. وسیله تسلی، وسیله پیدا کردن يك غمخوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است. قطع نظر از نیازهای طبیعی انسان که نیازهای غریزی و جنسی می باشد، مسأله تولید نسل و داشتن فرزند هم خود از دلخوشیهای بزرگ زندگی است.

پس می بینید از هر دو طرف که انسان نگاه می کند، ازدواج يك امر مبارك و يك پدیده بسیار مفید است. البته مهم ترین فایده ازدواج، همان تشکیل خانواده است و بقیه مسائل، فرعی و درجه دو و یا پشتوانه این مسأله است؛ مثل تولید نسل یا ارضای غرایز بشری، اینها همه درجه دو است، درجه اول همان تشکیل خانواده است. (1)

بنای نسل بشری به ازدواج است. قوام عالم به ازدواج است. انتقال تمدن‌ها و فرهنگها به ازدواج است. بقای استقلال جوامع - چه از لحاظ سیاسی و چه از جهات دیگر - به ازدواج است. برکات فراوانی بر ازدواج وارد است. (2)

ص: 32

---

1- خطبه عقد مورخه 1380/12/9

2- خطبه عقد مورخه 1377/1/26

در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگه دارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه زمینها معین کرده است. در زمینه اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، اینها همه اش احکام شرع است، اینها همه اش دستورات است. [\(1\)](#)

و البته از لحاظ شرایط مادی سهل ترین است. آنچه که در ازدواج مهم است، رعایتهای بشری و انسانی است. رعایتهای اخلاقی است که دختر و پسر باید با همدیگر تا آخر عمرشان رعایت کنند و رعایت اصلی حفظ این پیوند است. [\(2\)](#)

شرع مقدس اسلام در روابط اجتماعی، این امر انسانی را امضا کرده، اما شرایطی برای آن قرار داده است. یکی از این شروط این است که این امر انسانی از حالت رابطه انسانی به یک معامله تجاری و بده بستان مالی تبدیل نشود. این را شرع مقدس دوست نمی دارد. البته این شرایط، شرایط کمالند نه صحت، اما واقعاً شرطاند. [\(3\)](#)

ص: 33

---

1- خطبه عقد مورخه 1372/10/6

2- خطبه عقد مورخه 1372/10/6

3- خطبه عقد مورخه 1375/9/4

در شرع مقدّس اسلام، آنچه که معین شده است این است که دختر و پسر باید کفو یکدیگر باشند. و عمده مسأله در باب کفو، عبارتست از ایمان؛ یعنی هر دو مؤمن، هر دو دارای تقوا و پرهیزگاری و هر دو معتقد به مبانی الهی و اسلامی و عامل به آنها باشند، اینکه تأمین شد، بقیه چیزها اهمیتی ندارد... وقتی تقوا و پاکدامنی و طهارت دختر و پسر معلوم شد، سایر چیزها را خدای متعال تأمین می فرماید.

در اسلام، ملاک این همکاری که اسمش زوجیت است، عبارتست از دین و تقوا که: المؤمن کفو المؤمنه و المسلم کفو المسلمه (1). این ملاک دینی است.

البته در این زمینه، هر کس در راه خدا جلوتر، پیشقدم تر، فداکارتر، آگاه تر و به دردخورتر و برای بندگان خدا نافع تر باشد، این بالاتر و بهتر است؛ ممکن است زن در آن حد نباشد، ایرادی ندارد. زن، خودش را به سمت او بکشد. یا زن ممکن است بالا باشد، مرد بقدر او نباشد، پس مرد باید خود را به سمت او بکشد. (2)

ص: 34

---

1- . وسائل الشیعه، ج 20، ص 67

2- خطبه عقد مورخه 1372/6/11

يك وقت انسان ازدواج می کند و می گوید: پروردگارا من ازدواج می کنم - یا روحیه اش این است، حالا ولو به زبان هم نیاورد یا به ذهن هم نگذراند، با این روحیه - يك نیاز طبیعی خودم را برآورده می کنم. این نیاز طبیعی هم فقط نیاز جنسی نیست، بلکه زن و مرد هر دو به این ازدواج، به این با هم زندگی کردن، با هم تشکیل خانواده دادن و يك جمع به وجود آوردن، احتیاج دارند. این هم يك نیاز است مثل نیازهای دیگری که وجود دارد. می گوید: پروردگارا من این نیاز را برآورده می کنم، از تو هم متشکرم که این امکان را در اختیار من گذاشتی، این اجازه را دادی، و این وسیله را فراهم کردی، همسر خوبی برای من پیدا شد و بعد از این هم در زندگی جدید، در این وضع جدید، سعی می کنم که آن طور که تو می خواهی عمل کنم. این يك جور ازدواج کردن است. يك وقت هم نه، کسی که ازدواج می کند نه قدر خدا را می داند، نه قدر آن همسر را می داند، نه قدر این فرصتی که برایشان پیش آمده می داند. مثل آدم مست و غافل. این جور زندگی اگر هم پایدار بماند، شیرین نخواهد بود، همراه با انجام وظیفه نخواهد بود. (1)

ص: 35

این مرحله از زندگی را که وارد زندگی مزدوج می شوید و تشکیل خانواده می دهید، یکی از نعمتهای بزرگ الهی به حساب بیاورید و آن را شکر بگذارید. همه آنچه که ما داریم از خداست ما بنا من نعمه فمّن الله (1)، اما توجه به این نعمت خیلی اهمیت دارد. خیلی از نعم را انسان توجه ندارد. بعضیها ازدواج می کنند همه نوع خوبی هم گیرشان می آید، زندگی شیرین و خوبی را هم می گذرانند ولی نمی فهمند که این چه نعمت بزرگی است، چه حادثه تعیین کننده و مهمی در زندگی است. وقتی نفهمیدند، شکر آن را هم به جا نمی آورند و از رحمت الهی که با شکر متوجه انسان می شود، محروم می مانند. لذا باید انسان توجه کند به اینکه چه نعمت بزرگی است و شکر این نعمت چگونه است؟ يك وقت انسان در شکر، فقط به زبان می گوید که خدایا شکر و در دل او هم خبری نمی شود. این لقلقه زبان است و ارزشی ندارد... اما يك وقت هست که انسان در دلش حقیقتاً از خدای متعال، سپاسگزار و متشکر است. این خیلی ارزش دارد. می فهمد که خدای متعال نعمتی به او داده و حقیقتاً ابراز تشکر می کند. این همان شکر خوب است. منتها وقتی ما از خدای متعالی متشکر شدیم، يك عملی، يك حرکتی، يك موضع گیری هم براساس این تشکر لازم می آید که انجام دهیم. خیلی خوب، حالا که خدای متعال این نعمت را به شما داده است، شما باید چکار کنید؟ هیچ توقع زیادی از ما نکرده اند... توقعی که از ما در مقابل این نعمت دارند این است که با این نعمت خوب رفتار کنیم... این رفتار خوب را در اسلام معین کرده اند، که همان اخلاق خانواده و حکمت خانواده است. اینکه در درون زندگی باید چگونه رفتار کرد که این زندگی خوب باشد. (2)

ص: 36

1- . بحار الانوار، ج 49، ص 269

2- خطبه عقد مورخه 1381/3/29

اگر چنانچه کسی به خاطر مال و جمال ازدواج کند، طبق روایت ممکن است خدای متعال مال و جمال را به او بدهد و ممکن هم هست ندهد. اما اگر چنانچه برای تقوا و عفاف قدم بگذارد و ازدواج بکند، خدای متعال به او مال هم خواهد داد، جمال هم خواهد داد. ممکن است کسی بگوید جمال که اعطا کردنی نیست؛ یک کسی یا جمال دارد یا ندارد! معنایش این است که چون جمال در چشم شما و در دل شما و در نگاه شماست، اگر انسان کسی را که خیلی جمیل هم نباشد، دوست داشت او را جمیل می بیند. وقتی کسی را دوست نداشت هر چقدر هم جمیل باشد به نظر او جمیل نمی آید. (1)

ص: 37

هم در مسیحیت و هم در یهودیت و هم در ادیان دیگر، این انضباط [ازدواج] به شکلی دیگر البتّه هست. اسلام آنها را هم معتبر دانسته است. آنها را زن و شوهر دانسته است و فرزندان آنها را حلال زاده دانسته است. (1)

نحوه و نوع ازدواج در اسلام، بهتر از ازدواج بقیه ادیان و بقیه ملل است. هم مقدّماتش، هم اصلش و هم ادامه و استمرارش طبق مصلحت انسان گذاشته شده است. البتّه ازدواجهای بقیه ادیان هم از نظر ما معتبر و محترم است، یعنی، همان عقدی که یک مسیحی در کلیسا یا یک یهودی در کنیسه انجام می دهد یا در هر قوم و ملّتی، هر طوری انجام می شود از نظر ما معتبر است و ما آن را برای خودشان باطل نمی دانیم ولیکن این روشی که اسلام معین کرده، بهتر است. برای مرد حقوقی، برای زن حقوقی، برای زندگی آدابی، برای ازدواج روش و شیوه ای معین کرده است. اصل هم این است که خانواده بماند و خوشبخت باشد. (2)

ص: 38

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/5/11

2- خطبه عقد مورخه 1377/1/19

در این عقدی که ما می خوانیم، در حقیقت دو طرف بیگانه از هم را با همین چند کلمه، با یکدیگر متصل و مرتبط می کنیم، بطوری که از همه عالم به هم، محرم تر و نزدیک تر و مهربان تر می شوند.

ثانیاً؛ با این عقد یک سلول جدیدی در پیکره اجتماع، ایجاد می کنیم که این پیکره اجتماع از سلولهای خانواده ها تشکیل شده است.

ثالثاً؛ شما دو نفر هستید، یکی خانم و دیگری آقا که هرکدام نیازهایی دارید به جنس مخالف. آن نیازها را با این چند کلمه «عقد» برطرف می کنیم.

این سه کار را ما انجام می دهیم. این اول کار است و پایه کار.

از این جا به بعدش به عهده خود شماست. (1)

ص: 39



مسأله ازدواج و تشکیل خانواده در شرع مقدّس امر بسیار مهمّی است و فواید بسیاری هم دارد اما، مهم ترین فایده و هدف ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. نفس این علقه زوجیت و تشکیل يك واحد جدید، مایه آرامش زن و مرد و مایه کمال و اتمام شخصیت آنهاست. بدون آن هم زن و هم مرد ناقصند. همه مسائل دیگر فرع این است. اگر این کانون سالم و پایدار شد، بر روی آینده و بر روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت. (1)

ازدواج، در حقیقت دروازه ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده اساس همه تربیتهای اجتماعی و انسانی است (2)

اصل در ازدواج عبارتست از پیوند زناشویی دختر و پسر و تشکیل خانواده. همین قدر که دختر و پسر همدیگر را ببینند و عقد شرعی جاری بشود و اینها با هم زن و شوهر بشوند، يك کانون خانواده بوجود آمده و يك خانواده جدیدی تشکیل شده است. شارع مقدّس خانواده مسلمان و سالم را دوست دارد. وقتی خانواده تشکیل شد، برکات زیادی در آن هست، نیازهای زن و شوهر تأمین می شود، نسل بشری ادامه پیدا می کند... اما اصل قضیه، فرزند، زیبایی و ثروت نیست. اصل قضیه این است که دو نفر با هم زندگی مشترکی را تشکیل می دهند و این محیط باید يك محیط سالمی باشد. (3)

نفس ایجاد کانون خانوادگی و يك کانون جدید، از همه چیز مهمتر است. اساس خلقت بشر چه زن و چه مرد، این طوری

ص: 40

---

1- خطبه عقد مورخه 1376/2/10

2- خطبه عقد مورخه 1374/5/18

3- خطبه عقد مورخه 1373/9/23

است که باید يك زن و مرد مجتمعاً يك واحدی را تشكيل بدهند، تا زندگی راحت، بی دغدغه و آماده برای جوابگویی به نیازهای بشر پیش  
برود. اگر این نشد، يك پایه مهم از زندگی لنگ است. (1)

ص: 41

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/5/16



کلام دوّم: کانون گرم خانواده

اشاره

ص: 43



اینک دختر و پسر عزیز جوان ما خوب می دانند که هدف اصلی در «ازدواج» و نتیجه عالی این پیوند مقدّس «تشکیل خانواده» است.

در روزگار ما همه از خانواده می گویند و دغدغه خانواده را دارند. جامعه شناسان اولین حلقه شکل گیری بنیان جامعه را خانواده می دانند. روانشناسان ریشه حالات روانی انسانها را در خانواده جستجو می کنند. دانشمندان تربیت، نقطه عزیمت تربیت را خانواده می دانند و مصلحان اجتماعی هر نوع تحوّل صلاح گرایانه را منوط به خانواده می دانند و...

به راستی خانواده چقدر اهمیت دارد؟

نظر اسلام در این باره چیست؟

چگونه می توان شالوده خانواده را محکم کرد؟

...

شنیدن سخنان رهبر عزیز به عنوان يك دانشمند برجسته اسلامی و متفکر زمان شناس در ترسیم جایگاه خانواده و نقشهای گوناگون آن برای جوانانی که در آغاز تشکیل این نهاد پُراج هستند، راهگشاست:

ص: 45



خانواده، کلمه ای طيبه (1) است. کلمه طيبه هم خاصيتش اين است که وقتی يك جایی بوجود آمد، مرتب از خود برکت و نيکی می تراود و به پيرامون خودش نفوذ می دهد. کلمه طيبه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحيح به بشر اهدا کرده. اينها همه کلمه طيبه است؛ چه معنویات و چه مادّيات. (2)

ص: 47

---

1- . اشاره به آیه کریمه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ ... سورة ابراهيم، آیه 24

2- خطبه عقد مورخه 1379/12/15



همچنان که بدن انسان از سلولها تشکیل شده که نابودی و فساد و بیماری سلولها بطور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به جاهای خطرناکی برای کل بدن انسان منتهی می شود، همین طور جامعه هم از سلولهایی تشکیل شده، که این سلولها خانواده اند. هر خانواده ای یکی از سلولهای پیکرهُ اجتماع و بدنهُ اجتماع است. وقتی اینها سالم بودند، وقتی اینها رفتار درست داشتند، بدنهُ جامعه، یعنی آن پیکرهُ جامعه سالم خواهد بود. (1)

ص: 48

اگر در جامعه ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه ای که این طور خانواده ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحی در جامعه باشد می تواند این طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده ای نبود، بزرگترین مصلحین هم بیایند نمی توانند جامعه را اصلاح کنند. (1)

هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور، بخصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده سالم و مستحکم برطرف می شود یا اصلاً بوجود نمی آید. (2)

این پیوند ازدواج و زناشویی، یکی از نعمات بزرگ الهی و یکی از اسرار آفرینش است و یکی از موجبات بقا و ماندگاری و صحت و صلاح جوامع است. (3)

تشکیل خانواده اگر به شکل سالمی صورت بگیرد و اخلاق حاکم بر زوجین، صحیح و منطقی و منطبق با اصول شرع، با آنچه که خداوند معین فرموده باشد، این پایه اصلاح جامعه است و پایه سعادت همه افراد جامعه است. (4)

تشکیل بنای خانواده، یک نیاز اجتماعی است، اگر چنانچه در یک جامعه ای، خانواده ها درست بودند، سالم بودند، استحکام داشتند، تزلزل نداشتند، حدود و ثغور خانواده محفوظ بود، این جامعه می تواند به خوبی اصلاح بشود. افرادش می توانند رشد فکری پیدا کنند و از لحاظ روحی کاملاً سالم باشند، می توانند انسانهایی بدون عقده باشند. (5)

ص: 49

---

1- خطبه عقد مورخه 1372/6/14

2- خطبه عقد مورخه 1376/9/2

3- خطبه عقد مورخه 1379/12/23

4- خطبه عقد مورخه 1381/3/8

5- خطبه عقد مورخه 1374/5/11

جامعه بی خانواده جامعه آشفته ای است، جامعه نامطمئن است. جامعه ای است که در آن موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسلها به یکدیگر آسان منتقل نمی شود. جامعه ای که در آن تربیت انسان به راحتی و روانی صورت نمی گیرد. اگر جامعه ای خانواده نداشته باشد یا خانواده در آن متزلزل باشد، انسان در بهترین پرورشگاههای خود پرورش پیدا نخواهد کرد. (1)

خانواده که نبود، نوجوان نیست، کودک نیست، انسان نیست، مرد و زن صالح نیست، اخلاق نیست، انتقال تجربیات مثبت و خوب و باارزش نسل گذشته به نسل بعد نیست. (2)

خانواده که نبود، مرکز تولید ایمان و دین باوری دیگر نیست. (3)

جوامعی که در آن خانواده سست و بی بنیاد است یا خانواده ای اصلاً تشکیل نمی شود یا کم تشکیل می شود، یا اگر تشکیل شد متزلزل است و در معرض نابودی و فناست. در این جوامع مشکلات روانی و عصبی بسیار بیشتر از آن جوامعی است که در آنها خانواده هایی مستقر هستند و زن و مرد به یک نقطه و کانونی متصلند. (4)

ص: 50

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/10/29

2- خطبه عقد مورخه 1379/3/30

3- خطبه عقد مورخه 1372/11/12

4- خطبه عقد مورخه 1379/12/21

خانواده بنیاد بسیار مهم و حائز اهمیتی است. فایده خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسان‌های سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی يك فایده منحصر به فردی است. هیچ چیز جای خانواده را نمی‌گیرد... وقتی نظام خانواده وجود داشته باشد، این میلیاردها انسان، هر کدامشان دو موگُل و دو پرستار ویژه دارند که هیچ چیز جای آن دو پرستار را نمی‌گیرد. (1)

خانواده يك محیط امنی است که در آن چه فرزندان و چه خود پدر و مادر می‌توانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگهدارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسل‌هایی که همین طور پشت سر هم می‌آیند، بی حفاظاند. (2)

انسان برای تربیت است؛ انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمی‌شود مگر در يك محیط امن؛ محیطی که در آن عقده به وجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی يك انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلم که نسبت به او از همه انسان‌های عالم مهربان‌ترند یعنی پدر و مادر قرار بگیرد. (3)

اگر خانواده ای در جامعه نباشد، همه تربیتهای بشری و همه نیازهای روحی انسانها ناکام خواهد ماند زیرا طبیعت و ساخت بشری این گونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و کامل و بی عیب و بی عقده و آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم فرما باشد، می‌توان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و

ص: 51

---

1- خطبه عقد مورخه 1381/10/4

2- خطبه عقد مورخه 1376/12/18

3- خطبه عقد مورخه 1376/5/20

روانی سالم هستند. (1)

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح می شوند، یکی مردها که پدران این خانواده هستند، یکی زنها که مادران این خانواده اند و دیگر کودکان که نسل بعدی این جامعه هستند. (2)

ص: 52

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/5/11

2- خطبه عقد مورخه 1374/2/19

خانواده خوب یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، باوفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدانند، این در درجه اول.

بعد، اولادی که در آن خانواده بوجود می آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده ای اساس همه اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسانها در چنین خانواده ای خوب تربیت می شوند، با صفات خوب بزرگ می شوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسئولیت، با احساس محبت، با جرأت، جرأت تصمیم گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه ای این خصوصیات را داشته باشند، یعنی خیرخواه و نجیب و شجاع و عاقل و متفکر باشند و قدرت اقدام داشته باشند، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید. (1)

ص: 53

انتقال فرهنگها و تمدن‌ها و حفظ اصول و عناصر اصلی يك تمدن و يك فرهنگ در يك جامعه و انتقالش به نسلهای پی در پی، به برکت خانواده انجام می‌گیرد. (1)

اساس ازدواج و مهم‌ترین مصلحت ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده سالمی در يك جامعه ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خودش را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت می‌پذیرد. لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال می‌شود معمولاً اختلالات فرهنگی - اخلاقی بوجود می‌آید. (2)

اگر نسلهای بخواهند فرآورده های ذهنی و فکری خود را به نسلهای بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اول بار، همه هویت و شخصیت يك انسان براساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که بطور غیرمستقیم و بدون اینکه تحمیلی باشد، بدون اینکه خود آنها تصنعی به کار ببرند، بطور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند. (3)

ص: 54

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/1/26

2- خطبه عقد مورخه 1378/1/16

3- خطبه عقد مورخه 1379/10/15

نگرش اسلام به خانواده، نگرشی درست، نگرشی اصیل و يك نگاه همراه با اهتمام است که خانواده اصل قرار داده شده و به هم زدن بنیان خانواده یا آشفته نمودن آن جزو بدترین کارهاست. (1)

خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان با یکدیگر، محل تکامل يك نفر به وسیله يك نفر دیگر، آن جایی که انسان در آن صفا می یابد، راحتی روانی می یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد. (2)

اسلام در بیان قرآن، در چندجا، این آفرینش زن و مرد و همزیستی اینها و در نهایت زوجیت آنها را برای آرامش و سکن برای زن و مرد شناخته است. (3)

در قرآن، آیه وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (4) آمده است. دو جا در قرآن، تعبیر سکن - تا آن جایی که من یادم هست - وجود دارد. (5) خدای متعال، زوج آدمی را از جنس او قرار داد، زوج زن را، زوج مرد را از جنس خود او قرار داده، «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» تا اینکه آدمی بتواند - چه زن و چه مرد - در کنار شوهر یا همسر، احساس آرامش کند. (6)

این آرامش، سکونت و نجابت از تلاطمهای روحی و اضطرابهای زندگی است. میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان در او دائماً در معرض نوعی اضطراب است، این بسیار چیز مهمی است. اگر این آرامش و سکونت به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه می شود، زن خوشبخت

ص: 55

1- خطبه عقد مورخه 1379/10/15

2- خطبه عقد مورخه 1374/10/4

3- خطبه عقد مورخه 1376/9/6

4- .سوره اعراف، آیه 189

5- . وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا... سورة روم، آیه 21

6- خطبه عقد مورخه 1375/10/5



می شود، مرد خوشبخت می شود، بچه هایی که در این خانه متولد می شوند و پرورش می یابند، بدون عقده رشد خواهند یافت و خوشبخت خواهند شد. یعنی از این جهت، زمینه برای خوشبختی همه آنها فراهم است. (1)

ص: 56

---

1- خطبه عقد مورخه 1376/4/31

## انسان که ماشین نیست!

وقتی که زن و شوهر در پایان کار روزانه یا در وسط روز بهم می‌رسند، و همدیگر را می‌بینند، هر دو از هم توقع دارند که توانسته باشند محیط را شاد، سرزنده، قابل زیست و رفع‌کننده خستگی ساخته باشند. این توقع بجایی است. اگر چنانچه بتوانید این کار را بکنید، زندگی شیرین می‌شود. (1)

انسان در تلاطمهای زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال يك فرصت می‌گردد تا به آن پناه برد. اگر يك زوج باشند، در این تلاطمها به یکدیگر پناه می‌برند، زن به شوهرش پناه می‌برد و شوهر هم به زنش پناه می‌برد. مرد در کشاکش زندگی مردانه خود، احتیاج به يك لحظه آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطوفت خانوادگی خودش قرار می‌گیرد. با همسر خودش که به او عشق می‌ورزد، با اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی می‌کند. وقتی با همسر خود مواجه می‌شود، این همان لحظه آسایش و آرامش است. (2)

زن هم در کشاکش زندگی زنانه خود، با بحرانها و با تلاطمهایی مواجه می‌شود. چه در محیط بیرون از خانه مشغول تلاش و فعالیت و کارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی و... باشد یا در داخل خانه مشغول باشد که زحمت و اهمیتش کمتر از کار بیرون نیست. حالا زن در این کشاکش به تلاطمهایی برخورد می‌کند و چون روح او ظریفتر است، بیشتر به آرامش، به آسایش، به تکیه کردن به يك شخص مطمئن احتیاج دارد. او کیست؟ او شوهر است. (3)

انسان که ماشین نیست، انسان روح است، انسان معنویت است، انسان عواطف و احساسات است. حالا می‌خواهد آرامش

ص: 57

---

1- خطبه عقد مورخه 1378/1/24

2- خطبه عقد مورخه 1381/6/6

3- خطبه عقد مورخه 1381/6/6

پیدا کند. این آرامش کجاست؟ محیط خانواده است. (1)

محیط خانواده، محیط آرامش است. باید محیط آرامش باشد. این عاطفه ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به این آرامش درونی کمک می کند. این سکونت، این آرامش، به معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است؛ این به معنای آرامش در مقابل تلاطم است.

انسان گاهی در زندگی اش دچار تلاطم می شود. همسر، یک آرامشی به انسان می دهد که متلاطم نباشد. این در صورتی است که فضای خانه، فضای متلاطمی نباشد. (2)

ص: 58

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/11/16

2- خطبه عقد مورخه 1381/3/8

## خانواده آرامتر با بهره‌وری بیشتر

هر انسانی - هم زن و هم مرد - در طول زندگی، در شبانه روز مشکلاتی دارد و با پیش آمدها و حوادثی مواجه است. این حوادث اعصاب را می‌کوبد و خسته می‌کند. انسانها را دچار ناآرامی و سراسیمگی می‌کند. وقتی وارد محیط خانواده شد، این محیط امن و امان به او تجدید قوا می‌بخشد. او را آماده یک روز دیگر و یک شبانه روز دیگر می‌کند. خانواده برای تنظیم زندگی انسان خیلی مهم است. البته خانواده باید خوب اداره بشود، باید سالم اداره بشود. (1)

این بهره‌ای که مرد و زن از این خانواده آرام می‌برند، بهره‌کاری آنها را در بیرون خانواده بالا می‌برد، به آن اهمیت و ارزش می‌دهد، آن را باارزش و باکیفیت می‌کند. (2)

فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه خانواده، یکی از فرصتهای مهم زندگی برای مرد و زن است. این یک وسیله آسایش، آرامش روحی، وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است، وسیله تسلی، وسیله پیدا کردن یک غمخوار نزدیک است، که برای انسان در طول زندگی بسیار لازم است (3)

ص: 59

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/10/29

2- خطبه عقد مورخه 1379/12/15

3- خطبه عقد مورخه 1380/12/9

در داخل خانواده است که مرد و زن - که زوجین هستند - می توانند تجدید قوا کنند، می توانند همّت خودشان را برای ادامه راه آماده کنند. می دانید که زندگی يك مبارزه است، کل زندگی عبارتست از يك مبارزه بلندمدت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان هم در حال مبارزه است. جسم انسان هم دائم دارد با عوامل مضر مبارزه می کند، قدرت این مبارزه وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان، این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و با ابزارهای درست باشد.

این مبارزه گاهی يك استراحت و يك باراندازی لازم دارد. این يك سفر و يك حرکت است. این نقطه استراحت، داخل خانواده است. (1)

ص: 60

خانواده يك قرارداد است، يك امر طبیعی نیست که دو چیز را به هم وصل کرده باشند. نه! يك قرارداد است. يك امر اعتباری است. ماندن او بسته به این است که طرفین قضیه و جامعه و قانون آن را محترم بشمارند. اگر به آن بی اعتنایی کردند، باقی نمی ماند. [\(1\)](#)

ص: 61

## غریزه جنسی، نیاز متقابل

اسلام همین غریزه جنسی را پشتوانه بنای خانواده قرار داده است، یعنی، وسیله استحکام خانواده قرار داده است. یعنی چه؟ یعنی وقتی زن و مرد عقیف اند و متدین و خداترس اند و طبق دستور اسلام از گناه در باب غریزه جنسی اجتناب می کنند، طبعاً نیاز زن و مرد به یکدیگر در این مورد بیشتر خواهد شد. وقتی به هم زیادتیر احتیاج داشتند، این بنای خانواده که پایه اصلی اش زن و مرد است، مستحکم تر خواهد شد. (1)

اسلام می خواهد این پشتوانه را از خانواده نگیرد. اسلام می خواهد این انسانها بیرون از محیط خانواده این غریزه را اشباع نکنند، تا نسبت به خانواده بی قید و بی اعتنا و لایالی بشوند، لذاست که جلوی راه را سد می کند. (2)

ص: 62

---

1- خطبه عقد مورخه 1380/12/9

2- خطبه عقد مورخه 1376/12/18

در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده، باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. لذا شما در خانواده های متدین که زن و شوهر به این حدود اهمیت می دهند، می بینید که سالهای متمادی با هم زندگی می کنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی می ماند و جدایشان از هم سخت است و دل در گرو محبت یکدیگر دارند. این حسن و این محبتهاست که بنای خانواده را ماندگار می کند و لذا اسلام به این چیزها اهمیت داده است. (1)

اگر روشهای اسلامی رواج پیدا کند، خانواده ها مستحکم خواهد شد. همچنان که در گذشته های ما - نه در دوران منحوس پهلوی - آن وقتهایی که هنوز ایمان مردم سالمتر و کاملتر و دست نخورده تر بود، در زمان قدیم، خانواده مستحکمتر بود. زن و شوهر به هم علاقه مندتر بودند، فرزندان در محیطهای امن و امان بیشتری پرورش پیدا می کردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده هایی که جهات اسلامی را رعایت می کنند، اینها غالباً خانواده هایی محکم تر، بهتر، قوی تر و محیط امن تری برای فرزندان و کودکان خواهند بود. (2)

ص: 63

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/12/23

2- خطبه عقد مورخه 1378/1/15



دختر و پسر باید سعی کنند این پیوند را پاسداری کنند. وظیفه یکی از آنها هم نیست که بگوییم هر کاری یکی کرد دیگری تحمل کند. نه، باید هر دو به هم کمک کنند تا این کار صورت گیرد. (1)

نمی شود بگوییم شوهر سهم بیشتری دارد یا زن سهم بیشتری دارد، نه، هر دو در حفظ این بنیان و در حفظ این اجتماع دو نفره، که بعدها به تدریج زیاد می شود، نقش دارند (2)

از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجانهای بی مورد نماید، اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و همزیستی و همراهی بگذارند. آنچه در خانواده خیرات وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهایت مال فرزندان است، مال یک طرف نیست. اگر خدای ناکرده در محیط خانواده بی محبتی و عدم اطمینان و صمیمیت باشد، رنجش مال هر دو طرف است. (3)

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش را دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان - که از همه مهمتر هم محبت است - می توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند. (4)

ص: 64

1- خطبه عقد مورخه 1376/7/30

2- خطبه عقد مورخه 1379/5/16

3- خطبه عقد مورخه 1376/9/6

4- خطبه عقد مورخه 1379/11/17

در محیط اسلامی، زن و شوهر با هم اند، متعلق به هم اند، در مقابل هم مسئول اند، در مقابل فرزندان مسئول اند، در مقابل محیط خانواده مسئول اند. ببینید از نظر اسلام خانواده این قدر مهم است. (1)

در محیطهای اسلامی، خانواده آنچنان مستحکم است که گاهی دو نسل هم می گذرد و می بینید پدر بزرگ و پدر و نوه در یک خانه دارند با هم زندگی می کنند. این چقدر ارزش دارد؟ نه اینها از آنها سیر می شوند، نه آنها با اینها بد می شوند. همه به کمک هم می آیند. (2)

در جوامع اسلامی، یعنی جوامع متدین و مذهبی، مشاهده می کنیم که دو نفر آدم مدت طولانی با هم زندگی می کنند و اصلاً از هم سیر نمی شوند، بلکه دلبستگی شان به هم بیشتر می شود، انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می شود، این همان خاصیت تدین و دینداری و مذهبی بودن و جهات خدایی را رعایت کردن است. (3)

در اسلام و در فرهنگ اسلامی، خانواده با دوام است. توی خانواده پدر بزرگها و مادر بزرگها و پدر و مادر هستند، نوه ها و نتیجه هایشان را می بینند... سنتها را به هم منتقل می کنند. نسل گذشته مواریث خودش را به نسل بعد تحویل می دهد. بریده و بی ریشه و تنها و بی عاطفه بار نمی آیند. (4)

ص: 65

---

1- خطبه عقد مورخه 1376/6/18

2- خطبه عقد مورخه 1372/10/20

3- خطبه عقد مورخه 1380/1/2

4- خطبه عقد مورخه 1374/5/24

بحمدالله، در کشور ما و در بسیاری از جوامع شرقی، بخصوص جوامع اسلامی، هنوز کمربند خانواده محفوظ است. آن پیوند خانوادگی، بحمدالله هست. آن صمیمیت و صفا و محبت هست. زن دلش برای مرد خود می تپد، مرد هم دلش برای زن خودش می تپد، یکدیگر را از اعماق دل دوست دارند و زندگی صمیمی دارند. در جاهای دیگر این چیزها خیلی کم است. در کشورهای ما بخصوص در ایران، این زیاد است. این را تأمین کنید. (1)

ص: 66

کلام سوّم: غروب عشق و قحطی عاطفه در غرب

اشاره

ص: 67



برای تقویت حسّ قدرشناسی و سپاسگزاری نسبت به آنچه داریم، يك راه میان بُر وجود دارد و آن دیدن حال و روز کسانی است که از آن بی بهره و یا کم بهره اند.

برای پاسداشت نعمت بزرگی که هنوز از آن بهره مندیم، خوب است نیم نگاهی داشته باشیم به جوامعی که به این نعمت ممتاز خداوندی با عناوینی گوش نواز و دل فریب چوب حراج زدند و امروز تازیانه عذاب این گناه کبیره بر سر و روی افسرده شان نواخته می شود. «غرب» را می گویم! یعنی همان سرزمین تاریکی که مدتهاست خورشید عشق از آسمان زندگی مردمانش غروب کرده است، و تمتای يك جرعه عاطفه را در چشمان کم فروغشان می توان دید. بحران خانواده، طوفان خشم الهی است که طومار خوشبختی مردمان این غربتکده را درهم می پیچد. دلمان برایشان می سوزد. کاش می شد برایشان کاری کرد. اما خیلی دیر شده است. بهتر است به فکر خودمان باشیم و از حال کسانی که حرمت خانواده را شکستند و با طوفان شیطانی شهوت مهار نشده تار و پود سعادت خود را گسستند، عبرت بگیریم. آنها به ما حسودی می کنند. از حسود باید ترسید. از حسود باید به خداوند پناهنده شد: **وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (1)**.

دیدن عمق فاجعه آسان نیست. هنر غربیان در بَرَك کردن و سانسور و پوشش نامرئی پشت صحنه زندگی تباهشان زبازد است.

نگاهی عمیق می خواهد و دیده وری ژرف نگر تا از عمق فاجعه پرده بردارد! چه کسی بهتر از «آقا» ی عزیزمان!

ص: 69



امروز آنچه در کشورهای غربی مشاهده می شود عبارتست از نسلهای بی هویت، نسلهای در مانده و سرگشته، پدر و مادرهایی که از فرزندانشان سالها خبر ندارند؛ در يك شهر هم زندگی می کنند چه برسد به اینکه در شهر دیگری باشند. خانواده های متلاشی شده، انسانهای تنها... (1)

در کشورهای اروپایی و آمریکایی... از زنهای بی شوهر، مردهای بی زن، آمارهای بسیار بالا وجود دارد که تبعاً بچه های بی پدر و مادر، بچه های ولگرد، بچه های جنایتکار حاصل آن است، در آن جا فضا، فضای جنایت است. همین حرفهایی که در خبرها می شنوید: يك بچه ناگهان در مدرسه، خیابان، توی قطار قتل انجام می دهد، تعدادی را می کشد. یکبار و دوبار و یکی دو تا هم نیست. همین طور سطح جنایتکارها از لحاظ سنّی دارد پایین می آید. جوانهای بیست ساله بودند، شدند جوانهای شانزده - هفده ساله، حالا بچه های سیزده - چهارده ساله در آمریکا جنایت می کنند. راحت آدم می کشند. این جامعه وقتی به این جا می رسد، دیگر تقریباً غیرقابل جمع کردن است. (2)

ص: 71

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/2/28

2- خطبه عقد مورخه 1376/11/9



یکی از مشکلات دنیای غرب که به تدریج پایه های تمدن غرب را مثل موریانه می خورد و علیرغم پیشرفتهای صنعتی و علمی اش مشرف به سقوط و هلاکت است - البته در بلندمدت - همین قضیه بی توجهی به خانواده است. نتوانستند خانواده را حفظ کنند. در غرب، خانواده، غریب، مورد بی اعتنایی و تحقیر شده است. (1)

یکی از گناهان کبیره تمدن غرب نسبت به بشریت، این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرد. تشکیل خانواده را کوچک کرد، مثل لباس که عوض می کنند... قضیه زن و شوهری را این طور کردند. (2)

آن کشورهایی که در آن خانواده دارد ضایع می شود، در واقع پایه های مدنیت آنها دارد می لرزد و نهایتاً فرو خواهد ریخت. (3)

ص: 72

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/12/1

2- خطبه عقد مورخه 1378/1/24

3- خطبه عقد مورخه 1376/11/9

در دنیای غرب با اینکه بسیاری از آنها از علم و ثروت و سیاستهای قوی در صدر حکومتها برخوردار هستند، لیکن زندگی آحاد مردم در مقیاس خانواده، زندگی بسیار رقت باری است. این اجتماعات فامیلی، اینکه بزرگترهای فامیل و کوچکترهای فامیل دور هم جمع شوند، به هم محبت و رزند، با هم تبادل عاطفی داشته باشند، به هم کمک کنند، به هم برسند، همدیگر را از خود بدانند، برادر با برادر، خانواده ها با هم یگانه و یکی باشند، این طور چیزهایی که الآن بین ماها رایج و معمولی است، در غرب از این چیزها خبری نیست. چقدر زنها تنها زندگی می کنند. زنی که تنهاست، از خانواده بریده و توی يك آپارتمان زندگی می کند. شب برمی گردد توی خانه تنهاست، صبح برمی خیزد تنهاست. نه اُنسی، نه همسری، نه فرزندی، نه نوه ای، نه خویشاوندی که با او گرم بگیرد. انسانها در آن محیط اجتماعی، تک زندگی می کنند. غالباً تنها هستند. چرا؟ چون محیط خانوادگی در آن جوامع فراموش شده است. (1)

امروز متأسفانه در غرب، انسان مشاهده می کند که کم کم کانونهای خانواده یکی پس از دیگری دارد از هم می پاشد و از بین می رود. آثارش هم همین بی هویتی فرهنگی و فساد است که امروز دچارش شده اند. روزه روز هم دارد بیشتر می شود و بقایای آنچه را که داشته اند دارد از بین می رود. (2)

ص: 73

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/8/5

2- خطبه عقد مورخه 1377/4/18

در دنیای غرب و بخصوص در آمریکا و بعضی از کشورهای اروپای شمالی معروف است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است. چرا؟ علت این است که در آن جاها آزادی جنسی و بی بند و باری جنسی زیادتر است. وقتی بی عفتی رایج شد، یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده، غیر از کانون خانواده، تأمین کردند، این کانون خانواده در واقع یک چیز بی معناست: یک چیز تحمیلی و تشریفاتی است. لذا از نظر عاطفی از هم جدا می شوند. حالا ظاهراً جدایی بینشان نیست اما به هم علاقه و دلبستگی ندارند. (1)

اگر انسانها رها بودند که گزینه جنسی را هر طور می خواهند اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی شد یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی پذیری می شد و هر نسیمی آن را به هم می زد. لذا در هر جای دنیا که می بینید آزادیهای جنسی هست، به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این گزینه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، همه چیز برای مرد و زن هست، لذا این کانون خانواده حفظ و نگهداشته می شود. (2)

ص: 74

---

1- خطبه عقد مورخه 1380/12/9

2- خطبه عقد مورخه 1370/4/20

در بعضی از کشورهای دنیا که پیشرفت علم و تمدن هم خیلی سریع است، زندگی بر آنها این طور تحمیل کرده که اعضای خانواده به هم چندان کاری ندارند. پدر يك جا مشغول، مادر يك جا مشغول؛ نه همدیگر را می بینند، نه برای هم غذا می پزند، نه برای هم محبتی و عاطفه ای نثار می کنند، نه از هم دلجویی می کنند، نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روان شناسان امور کودکان عمل کرده باشند، با هم قرار می گذارند يك ساعت معینی را، پدر و مادر بیایند خانه و يك محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع خانوادگی را که در يك خانواده سالم بطور طبیعی وجود دارد، اینها به صورت تصنعی برای خود بوجود بیاورند. آن وقت این خانم یا آقا مرتب ساعتش را نگاه می کند که ببیند این ساعت کی تمام می شود، چون مثلاً ساعت 6 يك جای دیگر قرار دارد. این طوری محفل خانوادگی درست نمی شود و بچه ها هم احساس انس نمی کنند. (1)

خانواده ها، آن جا گرم نیستند. خانواده اصلاً آن جا واقعیت ندارد. يك مرد و زن با هم توی يك فضایی زندگی می کنند اما از هم جدایند. آن نشست و برخاستهای خانوادگی، آن محبتهای خانوادگی، آن انسهای فراوان به هم، اینکه مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند، اینها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قراردادی که فقط در يك خانه ای زندگی می کنند. اسمش هم هست که با عشق شروع می شود! (2)

ص: 75

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/4/22

2- خطبه عقد مورخه 1373/9/2

در جوامع غربی جوانها، دورهٔ نشاط جوانی و تنیدی احساسات و غرایز را آزادانه می‌گذرانند و وقتی به خانواده و به ازدواج می‌رسند که در واقع بخش زیادی از میل طبیعی آنها و غرایز آنها فرونشسته است. آن شوق و محبت و عشقی که باید در اعماق روح زن و شوهر جایگزین شود، در اینها نیست یا کم است. (1)

اینکه بعضی سن ازدواج را برای سالهای میانی عمر که در غرب و تمدن غرب معمول است، می‌گذارند مثل اغلب چیزهایشان، غلط و برخلاف فطرت و مصلحت بشر و ناشی از این است که به شهوترانی و بی بند و باری اقبال دارند. می‌خواهند جوانی خود را به اصطلاح خودشان، با خوشی سپری کنند، هوسرانیهایشان را بکنند، بعد که از کار افتاده شدند و آتشیهایشان فرونشست، حالا سراغ خانواده بروند. ملاحظه می‌کنید که در غرب زندگی خانوادگی این طوری است. طلاقهای زیاد، ازدواجهای ناموفق، مرد و زنهای بی وفا، تخطیهای جنسی فراوان، غیرت کم، زندگی خانوادگی به این معناست. (2)

ص: 76

---

1- خطبهٔ عقد مورخهٔ 1379/11/17

2- خطبهٔ عقد مورخهٔ 1377/1/26

اگر شما امروز به بعضی از جوامع غربی نگاه کنید، بخصوص آنهایی که بیشتر آمیخته به مسائل صنعت و ارتباطات صنعتی و ماشینی هستند، خواهید دید که روزه روز آلودگیها در آن جا زیاد خواهد شد. آلودگی اخلاقی و فساد هم که در جامعه ای رایج شود، آن جامعه را از هم خواهد پاشاند. حالا اینها مثل زلزله و سیل، بلایای دفعی نیست. بلکه اینها بلایای تدریجی است؛ منتها بی علاج. بلایایی است که وقتی بر جامعه ای نازل شد، به زودی نمی فهمند، به تدریج می فهمند.

آن وقتی که بیماری ضربه خودش را تا اعماق فرود آورد، آن وقت می فهمند. آن وقت هم دیگر هیچ علاجی نخواهد داشت. الآن، جوامع غربی دارند به این سمت حرکت می کنند، آن هم به سرعت. یعنی، حقیقتاً به نقطه های بسیار خطرناک سرایشی رسیده اند... این همه اش به این خاطر است که دخترها و پسرها در سنین مناسب، ازدواجهای کامیاب و ماندگار انجام نمی دهند. بعد هم محیطهای خانوادگی که آن جا تشکیل می شود، محیطهای محبت نیست. (1)

در دنیای غرب، بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده ها دیر تشکیل می شوند، زود هم منهدم می شوند. فساد و فحشا روزه روز بیشتر می شود، اگر این اتفاق بطور کامل بیفتد، آن جامعه به بلیات عظیمی دچار خواهد شد، البته این طور بیماریها و گرفتاریها، چیزهایی نیست که ظرف 5 سال یا 10 سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سالهای متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را به کلی منهدم و نابود می کند، ثروتهای علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین می برد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است. (2)

ص: 77

1- خطبه عقد مورخه 1379/12/23

2- خطبه عقد مورخه 1379/8/3

الآن دنیای اروپا و آمریکا را نگاه کنید، ببینید اینها چقدر دچار اضطرابند. چقدر ناآرامی دارند. چقدر دنبال آرامش می گردند. چقدر مصرف قرصهای مسکن و خواب آور زیاد است، چقدر جوانها به کارهای بی قاعده دست می زنند، موها را بلند می کنند، لباسهای تنگ می پوشند. برای این است که از وضع جامعه ناراحتند. عصبانی و خشمگین اند. می خواهند خودشان را به آرامش برسانند؛ آخرش هم با ناکامی می میرند. پیرمردها و پیرزنها در خانه سالمندان می میرند. بچه هایشان همراهشان نیستند. زنهایشان از آنها خبر ندارند. زن و شوهر از هم دورند (1)

در غرب فرزندی که نمی دانند پدر و مادرهایشان چه کسانی هستند، زیادند. زنان و مردانی که با هم اسماً زن و شوهرند ولی سالهای متمادی از همدیگر هیچ اطلاعی ندارند، فراوانند. زنانی که خاطرشان جمع باشد تا آخر عمرشان، تا دوران پیری آنها، سایه این مرد بر سرشان هست و با هم زندگی خواهند کرد، کم اند. مردانی که خاطرشان جمع باشد که این همسرشان که مورد علاقه شان هم هست، فردا نمی گذارد برود سراغ يك زندگی مستقل، کم هستند. (2)

ص: 78

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/1/22

2- خطبه عقد مورخه 1375/5/11

در خود آمریکا، نسبت رشد فساد، (انواع فسادهای اخلاقی و جنسی و جنایت و قتل و...) در بین مردم و حتی کودکان زیاد است. مطبوعات و هوشمندان جوامع غربی، دارند فریاد می زنند، مقاله ها می نویسند، حرفها می زنند، هشدارها می دهند، اما به گوش کسی فرو نمی رود؛ یعنی علاج ندارد. وقتی که وضعیت را از پایه و بنیان خراب کردند و سی، چهل یا پنجاه سال بر همین وضع گذشت، با هشدار و فریاد و فلان سیاست این مشکلات حل نخواهد شد. (1)

جوامع غربی خوشبختی ندارند. این حرفی نیست که من بزنم. حرفی است که حالا- دیگر متفکرانشان، دلسوزانشان و کسانی که صاحب درایت اند، صاحب عقل اند - نه سیاستمدارها - آنهایی که در متن جامعه هستند، الآن صدایشان بلند شده است. چرا؟ چون در آن جامعه وسایل خوشبخت زندگی کردن نیست. خوشبختی که عبارتست از آرامش و احساس سعادت و امنیت. (2)

الآن هم کسانی که با معارف جهانی آشنا هستند، می دانند که بخصوص بیشتر از همه جا آمریکا - البته کشورهای اروپایی هم هستند - فریاد خیرخواهان و مصلحان و چیزفهمهایشان بلند شده که بیایم يك فکری بکنیم. البته به این آسانی هم نه می توانند فکر کنند و نه اگر فکر کنند به این آسانی به علاج می رسند. (3)

ص: 79

---

1- خطبة عقد مورخه 1375/6/3

2- خطبة عقد مورخه 1379/3/30

3- خطبة عقد مورخه 1376/11/9



آن کسانی که می خواهند در يك کشور یا جامعه ای نفوذ پیدا کنند فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بنیان خانواده است. کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده اند. مردها را بی مسئولیت و زنها را بد اخلاق کرده اند. (1)

انتقال فرهنگها و تمدن‌ها و حفظ اصول و عناصر اصلی يك تمدن و يك فرهنگ در جامعه و انتقالش به نسل‌های بعد، به برکت خانواده انجام می پذیرد. خانواده که نبود، همه چیز متلاشی می شود. اینکه می بینید غربیها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی می کنند شهوترانی و فساد را رواج دهند، برای چیست؟ یکی از علل آن همین است که می خواهند با این کار خانواده ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود؛ تا بتوانند سوار اینها شوند. چون تا فرهنگ يك ملتی تضعیف نشود، کسی نمی تواند او را مهار کند، به دهان او دهنه بزند و سوار دوش او بشود. آن چیزی که ملتها را بی دفاع کرده است و در دست اجانب اسیر می کند، از دست دادن هویت فرهنگی است. این کار هم با برهم خوردن بنیان خانواده ها در جامعه آسان می شود.

اسلام می خواهد این را حفظ کند. این خانواده را نگهدارد. زیرا در اسلام یکی از مهم ترین کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است. (2)

ص: 80

---

1- خطبه عقد مورخه 1376/12/18

2- خطبه عقد مورخه 1377/1/26

## فقط يك كلمه درباره خانواده

من در يك سخنرانی در سازمان ملل، حدود يك ساعت و اندی راجع به خانواده صحبت کردم. بعد به من اطلاع دادند که تلویزیونهای آمریکا با اصراری که در سانسور کردن و خراب کردن حرفهای ما دارند، روی این صحبتها تکیه کرده و آن را چند بار پخش کرده و تفسیر هم گذاشته اند. فقط به خاطر گفتن يك كلمه درباره خانواده.

یعنی پیام متضمن مسأله خانواده، امروز برای غرب يك پیامی است مثل آب خنك گوارا. چون کمبود آن را حس می کنند.

چقدر زنهایی که تا آخر عمر تنها زندگی می کنند. مردهایی که تا آخر عمر تنها زندگی می کنند. غریب و بی انس زندگی می کنند. چقدر جوانانی که به خاطر نبود خانواده، ولگرد می شوند. در آن جا یا خانواده نیست یا اگر باشد، مثل نبودن است! (1)

ص: 81



کلام چهارم: حقوق متقابل زن و شوهر

اشاره

ص: 83



با اجرای صیغه عقد و قبول پیمان ازدواج، دختر و پسر دیروز، زن و شوهر امروز می شوند. خانواده جدیدی شکل می گیرد و سلول تازه ای در پیکر جامعه می روید. گرچه در نگاه خالق حکیم، زن و مرد در گوهر انسانی و روح آسمانی همتا و همسان اند، و سهم هر يك از حقیقت آدمیت به يك اندازه است، ولی حکمت الهی این گوهر ملکوتی را در دو صدف زمینی با پیکره های متفاوت و ساختی ممتاز و البته نیازمند به یکدیگر جای داده است.

این «زوجیت» همان قانون فرازمند و سنت جامع و زیبایی است که بر سراسر آفرینش این جهان حکم فرما است، و یکی از پرشکوه ترین نشانه های جمال معمار هستی به شمار می رود.

«ازدواج» یعنی به هم رسیدن دو ستون برای برافراشتن بنای خانواده و به هم پیوستن این دو کفه برای فراهم آمدن ترازوی زندگی انسانی!

حکمت تفاوت های طبیعی و این جهانی در ساخت جسم و روان زن و مرد را در نقش مکمل هر يك برای تشکیل این واحد نوین - یعنی خانواده - می توان یافت.

به راستی نقش هر يك از زوجین در ساختن خانواده چیست؟ نقش کدامیک مهم تر است؟ آیا جای هر يك را می شود با دیگری عوض کرد؟ حقوق متقابل آنان چگونه است؟ و سهم هر يك از مواهب زندگی چه میزان است؟ و بالاخره... زن سالاری خوب است یا مردسالاری یا هیچ کدام؟

و سؤالاتی از این دست که جز پاسخی استادانه، ذهن نگران عروس و داماد جوان ما را آرام و آسوده نمی کند. در آغاز راه زندگی چشم امیدشان به کلمات راهگشای «استاد» ی است که آشنای راه است و محرم دل!



## مثل دو نفر شريك، مثل دو نفر رفيق

ما ديده بوديم كه گاهي مرد، زن را موجود درجه دو حساب مي كرد! اما موجود درجه دو نداريم. هر دو مثل هم هستند، هر دو از حقوق برابري در زمينه امور زندگي - مگر در جاهايي كه خدای متعال بين زن و مرد فرقي گذاشته كه آن هم روي مصلحتي است و به نفع مرد و به ضرر زن هم نيست - برخوردارند. بايد مثل دو نفر شريك، مثل دو نفر رفيق، در خانه با هم زندگي كنند... (1)

ص: 87



اسلام مرد را قوام (1) و زن را ریحان (2) می داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه، درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در يك کفه می گذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محلّ اعتماد و اتکا بودن و تکیه گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می گذاریم، این دو کفه با هم برابر می شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن. (3)

ص: 88

---

1- . اشاره به آیه کریمه: الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... سورة نساء، آیه 34

2- . اشاره به حدیث معروف امیرالمؤمنین (علیه السلام): الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ ، بحارالانوار، ج 100، ص 253

3- خطبه عقد مورخه 1378/12/22

بعضی از مسلکهای غلط که مخصوص زنها هم نیست - مردها هم گاهی همان مسلکها را دنبال می کنند - دنبال این هستند که بگویند: نه! بیاییم اجناس این ترازو (نقشهای زن و مرد) را جابه جا کنیم. حالا اگر این کار را بکنیم چه می شود؟ جز اینکه اشتباه می کنید و جز اینکه بوستان به زیبایی و نیکی پرداخته شده را خراب می کنید؟ غیر از این، کار دیگری نمی کنید. فواید همدیگر را می برید، محیط خانواده را هم بی اعتنا می کنید. زن و مرد را نسبت به هم دچار تردید و دودلی می کنید. آن محبت و عشقی را که مایه اصلی کار است، از دست می دهید.

گاهی اتفاق می افتد مرد در خانه نقش زن را پیدا می کند. زن حاکم مطلق می شود و به مرد دستور می دهد این کار را بکن، آن کار را نکن. مرد هم دست بسته تسلیم است. خب چنین مردی دیگر نمی تواند تکیه گاه زن باشد. زن يك تکیه گاه خوب را دوست می دارد.

گاهی اوقات از این طرف مرد چیزهایی را به زن تحمیل می کند؛ فرض کنید که تمام خرید و کار و سر و کله زدن با مراجعان با خانم است. چرا؟ چون من کار دارم، وقت ندارم. مینا وقت نداشتن است! می گوید باید بروم اداره، کارها را باید آن خانم انجام دهد. یعنی کارهای بی جاذبه و سنگین برای زن. البته ممکن است چند صباحی سرگرمش کند، اما کار او نیست. (1)

ص: 89

## زن، گل است نه کاربرد از شما

در روایات داریم المرأة ریحانة<sup>(1)</sup>، زن گل است. حالا شما ببینید، اگر مردی با يك گُلی با خشونت و بی‌اعتنایی رفتار کند و پاسِ گل بودن او را ندارد، چقدر ظالم و بد است. مثل تحمیل کردن، زیاده روی کردن، زیاده خواهی کردنِ مردها از زنها، توقّعات بی جا و زیادی.

المرأة ریحانةٌ و لیست بقهر مائه قهرمان، یعنی همین کاربرد از امروز زندگی... این زن، کاربرد از شما نیست که همه کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این يك گُلی است در دست شما... حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است. [\(2\)](#)

ص: 90

---

1- . کافی، ج 5، ص 510

2- خطبة عقد مورخه 1379/6/28

## مرد باید برود کار کند

قرآن می فرماید: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ (1) یعنی سرپرستی امور خانواده به عهده مرد است. مرد باید برود کار کند. معیشت خانواده به عهده اوست. زن هرچه ثروت دارد مال خودش است. اما معیشت خانواده بر دوش او نیست. (2)

ص: 91

---

1- . سورة نساء، آیه 34

2- خطبه عقد مورخه 1379/6/28

این طور هم نیست که بگوییم همه جا خانم باید از آقا تبعیت کند؛ نخیر. چنین چیزی نه در اسلام داریم و نه در شرع *الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ* معنایش این نیست که زن بایستی در همه امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپاندریده های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوییم که زن بایستی همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تا رفیق هستید. یک جا مرد کوتاه بیاید، یک جا زن کوتاه بیاید. یکی این جا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید.

(1)

ص: 92

خدای متعال طبیعت زن را ظریف قرار داده است. بعضی از انگشتها خیلی درشت و گنده هستند و برای کندن يك سنگ از زمین خیلی خوبند، اما اگر بخواهند يك جواهر خیلی ریز را لمس کنند، معلوم نیست بتوانند بردارند.

اما بعضی انگشتها ظریف و باریک اند، آن سنگ را نمی توانند بردارند اما آن خرده جواهر و خرده طلا را می توانند از روی زمین جمع کنند. زن و مرد این طورند. هر کدام يك مسئولیتی دارند. نمی شود هم گفت کدام يك مسئولیتش سنگین تر است. مسئولیت هر دو سنگین است. هر دو لازم است.

روح زن چون لطیف تر است، احتیاج به آرامش بیشتری دارد. او نیاز به آسایش و تکیه کردن به يك جای مطمئن دارد. این تکیه گاه کیست؟ او شوهر است. خدا اینها را این طور کنار هم قرار داده است. [\(1\)](#)

ص: 93

نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت يك الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حساسیت نگاه می کند. او را لطیف می بیند. اسلام هم همین را تأکید کرده: «المرأة ریحانه» یعنی زن گُل است. در این نگرش، زن، يك موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت و مرد به این چشم به او می نگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می کند.

مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه اتکا و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می کند.

این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه می کند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش يك تکیه گاه می بیند که می تواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل يك موتور. مرد وقتی به زن نگاه می کند، به چشم مظهر انس و آرامش می نگرد که می تواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه اتکا در زمینه مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه خود نقطه اتکا است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت. می تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه غصه ها و غمهای خودش خارج کند. اینها تواناییهای مرد و زن است. تواناییهای روحی آنهاست (1)

ص: 94

حق، يك منشأ طبیعی دارد. حق واقعی آن است که منشأ طبیعی داشته باشد. این حقوقی که در بعضی محافل تعریف می شود، بر اساس توهمات و خیالات است. آن حقوقی که برای زن و مرد وجود دارد، باید متکی باشد به طبیعت زن و مرد، به قواره و ساخت زن و مرد. (1)

این فمینیستهای امروز دنیا که همه جور مرد و زن در آنها هست و با ادعای دفاع از حقوق زن وارد می شوند، اصلاً به نظر من حقوق زن را نمی شناسند. چون حق، يك امر انتزاعی نیست. حق يك منشأ طبیعی دارد... (2)

ص: 95

---

1- خطبه عقد مورخه 1378/12/22

2- خطبه عقد مورخه 1378/12/22



این غریبهایی که می بینید این قدر جنجال می کنند و سر مسأله زن این قدر بازی درمی آورند، همین جا گرفتارند. می گویند ما احترام زن را نگه می داریم. بله، احترام زن را توی مجالس رسمی و توی فروشگاهها و خیابانها نگه می دارند آن هم به معنای تلذذ از او. اما توی خانواده هم شوهر با زنش همین طور است؟ چقدر زن آزاری، چقدر کتک زدنِ زنها به دست مردها، چقدر فاجعه آفرینی در داخل خانه، قُدرمآبی و... (1)

ص: 96

## مرد باید ضرورت‌های زن را درک کند

از طرف مرد وظیفه این طور است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد، نسبت به حال او غافل نباشد و خود را صاحب اختیار مطلق العنان او در خانه نداند.

زن و شوهر دو نفرند، دو شریک اند، دورفیق اند، هر کدام يك وسعی از لحاظ فکری و روحی دارند.

مرد باید به زن کمک کند تا عقب ماندگی‌هایی را که در جامعه ما دارند، جبران کند. البته مراد از این عقب ماندگی‌ها، آن چیزهایی نیست که امروز به تقلید از فرنگی‌ها در جامعه ما مطرح می شود. بلکه مراد معرفت است. مراد تحصیلات است. مراد پیدا شدن روح اندیشه و تأمل و فکر در زن است. مراد اینهاست که هرچه مرد بتواند باید در این زمینه به همسرش کمک کند. اگر زن می خواهد کاری انجام بدهد یا در فعالیتهای اجتماعی سهیم باشد، در حد اقتضای وضع زندگی خانوادگی، مانع او نشود. (1)

مرد نباید خیال کند چون می رود توی کوچه و بازار و با این و آن سر و کله می زند و يك شاهی - صنّار پول می آورد خانه، همه چیز دیگر مال اوست، نه! آنچه او می آورد نصف موجودی همه این خانواده است. نصف دیگر این خانم است. اختیارات خانم، کدبانویی خانم، رأی و نظر و نیازهای روحی خانم، اینها را باید رعایت کند.

این طور نباشد که مرد چون در دوران مجردی، ساعت ده شب می آمده خانه پدر و مادرش، حالا هم که زن گرفته این طور ادامه بدهد، نه! حالا باید ملاحظه همسرش را بکند. (2)

در قدیم، بعضی مردها خود را مالک زن می دانستند... نه! همان قدری که شما در محیط خانواده ذی حق هستید او هم

ص: 97

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

2- خطبه عقد مورخه 1373/9/2

ذی حق است. نباید به زن زور بگویید و تحمیل کنید، چون به حسب جسم، او ضعیف تر است، بعضیها خیال می کنند که بله، حالا باید زور بگویند، صدایشان را کلفت کنند و دعوا کنند و تحمیل کنند... (1)

ص: 98

---

1- خطبه عقد مورخه 1373/12/11

زن باید ضرورت‌های مرد را درک کند و بر او فشار روحی و اخلاقی وارد نسازد. کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای ناکرده متوسل به راه‌های خلاف و نادرست شود. باید او را به ایستادگی و مقاومت در میادین زندگی تشویق کند و اگر چنانچه کار او مستلزم این است که مثلاً نمی تواند يك مقداری به وضع خانواده رسیدگی کند، این را مرتب به رخ او نکشد. (1)

اگر مرد خانه، فعالیتی چه علمی و چه جهادی و سازندگی و چه برای کسب روزی و چه برای کارهای عمومی دارد، زن سعی کند فضای خانه را برای او مساعد کند که او بتواند با روحیه خوب سر کار برود و با شوق به خانه برگردد. (2)

همه مردها دوست دارند وقتی وارد خانه شدند، خانه به آنها آرامش و امنیت بدهد و احساس راحتی و آسودگی کنند. این وظیفه زن است. (3)

زن يك وظایفی دارد که عاقلانه باید آن وظایف را تشخیص دهد. زنها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی تر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است که البته با زرنگی به خرج دادن و رندی کردن و تحکم و زورگویی نمی توان به آن رسید. بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوشرویی، يك مقدار تحمل کردن - البته اندکی؛ خیلی هم لازم نیست تحمل کند - که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمل را قرار داده است... زن باید با شوهر خود این طور برخورد کند... (4)

بعضی از زنها نسبت به مردها سخت گیری می کنند. مثلاً باید این را حتماً بخری! باید این جور خانه ای حتماً فراهم کنی!

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

2- خطبه عقد مورخه 1373/9/2

3- خطبه عقد مورخه 1378/1/24

4- خطبه عقد مورخه 1372/3/19

فلان كس اين طور خريده، من اكر نخرم مايه سرشكستگي مي شود. با اين حرفها شوهر خود را اذيت مي كنند كه اين درست نيست. (1)

ص: 100

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/5/18

رهنمود اول: همسفر تا بهشت

اشاره

ص: 101



چند روزی از آغاز زندگی مشترك علی و فاطمه (علیها السلام) می گذشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نظر علی (علیه السلام) را درباره همسرش جو یا شد: علی جان! فاطمه را چگونه همسری یافتی؟

علی (علیه السلام) هم با کلامی که حکایت از اوج شکر و سپاس او داشت، نظر خود را درباره عشق جاودانی اش این گونه خلاصه کرد که: نعم العون علی طاعة الله. (1)

سرورم، او بهترین یار در انجام طاعت پروردگار است.

و بدین سان بهترین داماد عالم از سر عشق الهی خویش پرده برمی دارد و راه سعادت ابدی را در زندگی مشترك به همه عروسها و دامادها نشان می دهد. یعنی ای دامادهای علوی و ای عروسهای فاطمی! دست یکدیگر را به خاطر خداوند و برای انجام طاعت او بگیرید و تا بهشت رضوان خدای مهربان همسفر هم باشید! وقت کم است و دنیا برای همه زود می گذرد. به همین مجلس عقد نگاه کنید. پدران و مادران عزیز شما، دامادها و عروسهای «دیروز» ی نه چندان دور هستند. و «فردا» یی نزدیک، شما هستید که در مجلس عقد و ازدواج فرزندانان شرکت می کنید و این یعنی عبور سریع ابر فرصتها از آسمان زندگی.

آنچه زندگی و پیوند دنیایی شما را به زندگی همیشگی در پرتو خورشید مهر الهی متصل می کند، تنها و تنها «تقوا» و «طاعت حق» است. در تقویت ایمان هم بکوشید و از دست یکدیگر جام ذکر بنوشید و در برابر حملات شیطان سپر هم باشید و در انجام وظایف دینی مشوق و یار یکدیگر! می پرسید چگونه؟

ص: 103



می گویم از کسی پرسید که پیر راه است و واقف سرّ عشق. از «او» که چهره آسمانی اش یاد حق را میهمان دلهایمان می کند:

ص: 104

خوشبختی عبارتست از آرامش، احساس سعادت و احساس امنیت. [\(1\)](#) جشن و اسراف و زیاده روی، کسی را خوشبخت نمی کند. مهریه و جهیزیه هم کسی را خوشبخت نمی کند. پایبندی به روش شرع است که انسان را خوشبخت و سعادتمند می کند. [\(2\)](#)

ص: 105

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/3/30

2- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زنها هستند که شوهرانشان را بهشتی می کنند. خیلی از مردها هم هستند که زنهایشان را بهشتی می کنند. عکس آن هم هست. اگر زن و شوهر این کانون خانوادگی را قدر بدانند و برای آن اهمیت قائل باشند، زندگی، امن و آسوده خواهد شد و کمال بشری برای زن و شوهر در سایه ازدواج خوب ممکن خواهد شد. (1)

گاهی هست که مرد در فعالیتهای زندگی سر دوراهی می رسد. انتخاب باید بکند یا دنیا را و یا راه صحیح و امانت و صداقت را، یکی از این دو تا را باید انتخاب کند؛ این جاست که زن می تواند او را به راه اول یا به راه دوم بکشانند. متقابلاً طرف عکس آن هم هست. شوهرها هم در مورد همسرانشان می توانند این طور تأثیرات را داشته باشند. سعی کنید با هم این طور باشید. هر دو کوشش کنید که یکدیگر را متدین، در راه خدا، در راه اسلام، در راه حقیقت، در راه امانت و صداقت، نگه دارید و مانع از انحراف و لغزش شوید. (2)

در دوران بسیار دشوار سالهای مبارزات و همچنین سالهای انقلاب، خیلی از زنها شوهران خود را با صبر و همکاری شان بهشتی کردند. مردها رفتند در جبهه های گوناگون و خطرات را متحمل شدند. این زنها در خانه ها لرزیدند و دچار تنهایی و غربت گشتند. اما زبان به شکوه باز نکردند، شوهران خود را تشویق هم کردند. اینها شوهران خود را بهشتی کردند و آلا می توانستند طوری عمل کنند که شوهرهایشان از رفتن به جبهه و از ورود در میدان مبارزه، از ادامه مبارزه پشیمان شوند. می توانستند این طوری عمل کنند ولی نکردند. بی صبری نشان ندادند. شوهرانی هم بودند که همسرانشان را بهشتی کردند،

ص: 106

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

2- خطبه عقد مورخه 1379/12/21

هدایت آنها، همکاری آنها، دستگیری و کمک آنها موجب شد که این زن‌ها بتوانند در راه خدا حرکت کنند. عکس آن را هم داشته ایم. زن‌هایی بوده اند که شوهران خود را اهل جهنم کرده اند و مردهایی هم بوده اند که زن‌های خود را جهنمی کرده اند. می‌توانید با هم همکاری کنید، همدیگر را اهل بهشت کنید، همدیگر را سعادت‌مند کنید، همدیگر را در راه تحصیل علم، تحصیل کمال، پرهیزگاری، تقوی و ساده زیستی کمک کنید. (1)

ص: 107

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/12/23

خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زنهایشان آنها را اهل جهنم کنند و زنهای خوبی باشند که مردهایشان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه های خوب، با همکاریهای خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی - این طور یکدیگر را کمک می کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد. (1)

انسان با راهنمایی و دلسوزی و تذکر بجا، با مانع شدن از زیاده رویها و بعضی از کج رفتاریهای همسرش، می تواند او را اهل بهشت کند. البته عکس آن هم هست. با افزون طلبیها، با توقعات و با روشهای غلطی که وجود دارد، می تواند همسر خود را جهنمی کند... (2)

ص: 108

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/12/11

2- خطبه عقد مورخه 1378/4/9

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. اگر خانم خانه می بیند شوهرش دارد دچار يك انحرافی می شود، فرضاً در يك معامله نامشروعی دارد قرار می گیرد، توی يك جریان غلطی دارد می افتد، توی رفیق بازیهای ناسالم دارد می افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست، اگر متقابلاً مرد این احساسها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می شود نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند. (1)

با هم همکاری کنید، به هم کمک کنید خصوصاً در امر دین. اگر می بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم اهمیّت می دهد، به راستگویی کم اهمیّت می دهد، به مال مردم کم اهمیّت می دهد، به شغل دولتی کم اهمیّت می دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند یا اگر می بینید که در امر محرم و نامحرم، در امر پاکی و نجسی، در امر حلال و حرام آدم بی اعتنا و بی مبالاتی است، به او توجّه بدهید، او را آگاه کنید، کمک کنید که خوب شود. دروغ گوست، غیبت کن است، به او تفهیم کنید، نه اینکه دعوا کنید، نه اینکه اوقات تلخی کنید، نه اینکه مثل يك منتقد بداخلاق بنشینید يك کناری هی نق بزنید. (2)

ص: 109

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/8/21

2- خطبه عقد مورخه 1374/6/13

زن و شوهر بايد همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از اینها مشاهده می کنند يك عمل خیر و يك كار شایسته ای از همسرشان سر می زند، آن را تشویق کنند و اگر برعکس، احساس کردند که خطایی، يك انحرافی - خدای نخواستہ - وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند. (1)

زن و شوهر باید سعی کنند که یکدیگر را اصلاح کنند. نه مثل يك آقا بالاسر که مرتب به دیگری نیش بزند؛ نه! مثل يك پرستار، يك مادر و پدر دلسوز. (2)

وجه مشترك زوجین در زندگی باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید همدیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن می بیند که شوهر او بی اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر می بیند زنش بی اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی در زندگی است. (3)

ص: 110

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/6/4

2- خطبه عقد مورخه 1372/12/22

3- خطبه عقد مورخه 1372/2/13

مهم ترین کمک به همسر، این است که سعی کنید همدیگر را دین دار نگه دارید. مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است، مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. اگر چنانچه خطایی از همسرتان دیدید، آن را باید با شیوه بسیار لطیف و عاقلانه ای در او از بین ببرید و برطرف کنید. یا با تذکر و یا با بعضی از مراعاتها نسبت به هم مسئولیت دارید.

زن اگر می بیند شوهرش در معاملات بد افتاده، در رفیق بازیهای بد و معاشرتهای بد افتاده، یا مرد می بیند زنش افتاده در بعضی تجمل پرستیهای غلط یا ولنگاریهای غلط، نباید بگوید: حالا او خودش است. نه، شما هر کدام نسبت به هم وظیفه دارید. باید همت خود را متمرکز کنید. زن و مرد می توانند بر روی هم اثر بگذارند... (1)

ص: 111









تشکیل خانواده در نگاه خداوند، یعنی خیمه زدن در کنار چشمه «مودت» و مودت یعنی محبت عمیق، باطراوت، آشکار و پرسروصدا.

وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (1)

سرمنشأ این چشمه جوشان، اقیانوس بی ساحل مهر الهی است. خدای رحمن رحیم و رؤف لطیف، به اراده حکیمانه خود، جذبه ای از این شعله آسمانی را میان زوج جوان قرار می دهد تا از آینه ای نزدیک و به مدد اندیشه ای بادوام، هر يك به تماشای نشانه ای برجسته از آیات جمال و لطف الهی بنشینند. و از دست یار خویش جام مهر الهی بگیرند و کامیاب شوند.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (2)

این محبت، گرهی است که خداوند به دست لطف خویش بین دو قلب جوان می اندازد و مهریه عرشی يك پیوند ماندگار و باطراوت است. سرمایه ای است که اگر حفظ شود، زندگی را حفظ می کند و اگر به کار افتد، آن را رونق می بخشد. تلخها را شیرین و سختها را آسان می کند و اگر به شایستگی سپاس این نعمت بزرگ گذارده شود، راه دست یابی به کیمیای محبت الهی را هموار می سازد.

زن و شوهر با این دستمایه پُراج می توانند به همه آرزوهای دیگر خود برسند و بهشت آسمانی را در زمین به تجربه بنشینند. به شرط آن که قدرش را بدانند و با هنرمندی از آسیبها نگهداری اش کنند. چگونه؟ رهنمود «پیر مهر» بهترین راهنما برای عاشقان جوان است:

ص: 115

1- . سورة روم، آیه 21

2- . سورة روم، آیه 21



بالتر از واقعیات زندگی، آرزوها و عشقها و احساسات انسانی در زندگی نقش دارند. نقششان هم نقش تبعی و درجه دوم نیست، بلکه نقش اصلی است و می تواند ملات این بنای فخیم و بسیار مستحکم قرار بگیرد.

این را چگونه باید تنظیم کرد؟ زن و مرد باید هر کدام جایگاه خودشان را بشناسند. مرد نسبت به زن و زن نسبت به مرد، نگاهی محبت آمیز و همراه با يك عشق پاك داشته باشند و این عشق را حفظ کنند؛ چرا که زایل شدنی است، مثل همه چیزهای دیگر. باید نگهش دارند و حفظ کنند که زایل نشود... (1)

ص: 117

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختیهای بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختیهای داخل خانه آسان خواهد شد. (1)

در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید. (2)

این رابطه انسانی، براساس محبت و رابطه عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، همزیستی آنها را آسان خواهد کرد. عامل محبت هم به پول و تشریفات و این چیزها بستگی ندارد. (3)

محبت، خانواده را پایدار می کند. محبت مایه آبادی زندگی است. کارهای سخت به برکت محبت برای انسان آسان می شود. در راه خدا هم اگر انسان با محبت وارد شود، همه کارها آسان خواهد شد. مشکلات آسان خواهد شد. (4)

دختر و پسر، عروس و داماد به هم محبت بورزند؛ چون محبت آن ملاطی است که اینها را برای هم حفظ می کند، در کنار هم نگه می دارد و نمی گذارد از هم جدا شوند. محبت خیلی چیز خوبی است. محبت که بود، وفاداری هم هست.

بی وفایی و بی صفایی و خیانت به یکدیگر، دیگر نخواهد بود. محبت که بود، فضا، فضای انس می شود. فضای قابل تحمل و مورد استفاده و شیرین ایجاد می گردد. (5)

ص: 118

1- خطبه عقد مورخه 1377/8/11

2- خطبه عقد مورخه 1374/10/17

3- خطبه عقد مورخه 1375/9/4

4- خطبه عقد مورخه 1376/7/30

5- خطبه عقد مورخه 1376/9/24

زن و شوهر هرچه بیشتر به هم محبت کنند، زیادی نیست. آن جایی که محبت هرچه زیاد شود، ایرادی ندارد، محبت زن و شوهر است. هرچه به هم محبت کنید، خوب است و خود محبت هم اعتماد می آورد.

این محبت زن و شوهر هم جزو محبت‌های خدایی است. این از آن محبت‌های خوب است. هرچه بیشتر شود بهتر است. 146



## از محبت خارها گل می شود

زن و شوهر باید به هم محبت بورزند. این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند. [\(1\)](#)

وقتی محبت باشد، از محبت خارها گل می شود. اگر چیز ناخوشایندی هم در همسر وجود داشته باشد، وقتی محبت بود، آن چیزهای ناخوشایند، به کلی رنگ می بازد و محبت همه چاله ها را صاف می کند. [\(2\)](#)

ص: 120

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/1/19

2- خطبه عقد مورخه 1378/1/15

محبت، دستوری و فرمایشی و سفارشی نیست. دست خود شماست. شما می توانید محبت خودتان را روزه روز در دل همسران زیاد کنید. چطوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او، با وفاداری. (1)

اگر زن بخواهد شوهرش به او محبت بورزد، باید حرکت و تلاش کند. اگر مرد بخواهد زنش او را دوست داشته باشد، باید يك تلاشی انجام بدهد. محبت محتاج تلاش و ابتکار است. (2)

محبت در صورتی خواهد ماند که طرفین حقوق یکدیگر و حدود خود را رعایت کنند و از آن تخطی و تجاوز نکنند. یعنی در واقع هر کدام از این دو طرف که دو شریک هستند و با هم زندگی را بنا می کنند، سعی کنند که جایگاه خود را در دل و ذهن و فکر طرف مقابل، جایگاه راسخ و نافذی قرار دهند. یعنی همان نفوذ معنوی؛ همان ارتباط و پیوند قلبی زن و شوهر. حقوق اسلامی برای این است. (3)

اگر بخواهید این محبت باقی بماند، به جای اینکه از طرف مقابلتان توقع کنید که او مرتب به شما محبت کند از دل خودتان بخواهید که تراوش محبت او روزه روز بیشتر شود. محبت بطور طبیعی، محبت می آفریند. (4)

ص: 121

---

1- خطبه عقد مورخه 1376/7/30

2- خطبه عقد مورخه 1377/1/19

3- خطبه عقد مورخه 1377/12/11

4- خطبه عقد مورخه 1379/7/19

امروز در دنیا تعبیر بدی از محبت می کنند، این عشقی که تعبیر می کنند، اینها، آن محبت واقعی نیست. این، همان حالت هیجان جنسی است که به يك شکل خاصی آن را ظاهر می کنند. این ممکن است در خیلی از موارد پیش بیاید، ارزشی هم ندارد. آن چیزی که با ارزش است، آن محبت عمیق و صمیمی و خدایی و همراه با احساس مسئولیت متقابل بین دختر و پسر است که بدانند حالا بعد از این، يك واحدند و يك هدف را دنبال می کنند. این، آن محبتی است که خانواده براساس آن شکل می گیرد. (1)

آن محبتها و عشقهایی که براساس مبانی انسانی نیست و از روی مسائل ظاهری و شهوات زودگذر است، اینها خیلی پایه و بنیادی ندارد. اما محبتی که براساس آن اصل انسانی است که خدای متعال آن را قرار داده، بخصوص اگر چنانچه با شرایطی که در همین ازدواج اسلامی رعایت شده و توصیه شده است، اگر با اینها همراه باشد، این محبت روزبه روز بیشتر می شود. (2)

ص: 122

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/10/15

2- خطبه عقد مورخه 1380/1/2

## گام اول: احترام متقابل

زن و شوهر باید به یکدیگر احترام بگذارند، نه احترام ظاهری و تشریفاتی، بلکه احترامی واقعی. (1)

احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند. بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند.

احترام را در قلب خود نگهدارید، برای هم حرمت قائل باشید. این در اداره زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد. (2)

ص: 123

---

1- خطبه عقد مورخه 1380/1/2

2- خطبه عقد مورخه 1371/9/19

نگه داشتن محبت به این است که زن و شوهر اعتماد یکدیگر را جلب کنند. اطمینان که پیدا شد، محبت، پایدار می شود و انس به وجود می آید. (1)

اساس محبت، اطمینان است. اگر اعتماد بین زن و شوهر از بین رفت، محبت آرام آرام از بین خواهد رفت. باید به هم اعتماد داشته باشید. (2)

اگر می خواهید محبت طرف مقابلتان به شما زیاد باشد، وفاداری کنید، حس اعتماد او را جلب کنید. یکی از چیزهایی که محبت را در خانواده به کلی به هم می ریزد، بی اعتمادی زن و شوهر به همدیگر است... (3)

محبت يك امری است که باید زمینه آن را فراهم کرد و زمینه اش این است که دختر سعی کند اعتماد شوهرش را به خود جلب کند، پسر هم سعی کند اعتماد زنش را به خود جلب کند. وقتی اعتماد طرفین وجود داشت، هر دو به وفاداری هم اطمینان پیدا کردند، محبت زیاد می شود... (4)

وفاداری، خیلی مهم است. اگر زن احساس کند شوهرش به او وفادار است و شوهر احساس کند زنش به او وفادار است، این خود بوجود آورنده محبت است. محبت که به وجود آمد، آن وقت خانواده پایدار خواهد شد. يك بنای مستحکم و پایداری که سالهای متمادی ادامه پیدا می کند... (5)

اگر زن یا شوهر احساس کند که دل همسرش در گروی جای دیگر است، اگر احساس کند به او راست نمی گوید، اگر احساس کند با دورویی برخورد می کند، اگر احساس کند صمیمیتی در بین نیست، هرچه هم محبت داشته باشد این محبت ضعیف خواهد شد... (6)

ص: 124

- 1- خطبه عقد مورخه 1374/9/28
- 2- خطبه عقد مورخه 1377/1/19
- 3- خطبه عقد مورخه 1379/7/19
- 4- خطبه عقد مورخه 1379/9/22
- 5- خطبه عقد مورخه 1376/7/30
- 6- خطبه عقد مورخه 1379/12/21

## وفاداری کن تا جلب اعتماد کنی!

محبت ورزیدن، يك امری است که در اول کار خدای متعال این را به شما می دهد، سرمایه ای است که در اول ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می کند. به یکدیگر محبت پیدا می کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید همسرتان به شما آن محبتش محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. بایستی وفاداری کنید، امانت نشان بدهید، صفا نشان بدهید. توقعات خود را خیلی بالا نبرید، باید همکاری کنید، باید اظهار محبت کنید، اینها محبت ایجاد می کند. هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند. محبت در زندگی باید باشد. همکاری باشد، ایرادگیری و زیاده طلبی نباشد. (1)

ص: 125

اعتماد، يك امر قراردادی نیست که بیا من به تو اعتماد کنم، تو به من اعتماد کن. این طوری نیست. اعتماد را باید جلب کرد. با خوبی عمل، با رعایت اخلاق، با رعایت آداب، با رعایت حدود و ثغور و موازین شرعی... (1)

بی اعتمادی پایه محبت را از بین می برد. نگذارید این بی اعتمادی به وجود بیاید. احساس بی وفایی محبت را مثل خوره می خورد و از بین می برد. (2)

اگر زن احساس کرد شوهرش به او دروغ می گوید یا مرد احساس کرد که زنش به او دروغ می گوید و هر کدام احساس کردند دیگری در اظهار محبت صادق نیست، این دیگر پایه های محبت را سست خواهد نمود. اگر می خواهید محبت باقی بماند، اعتماد را حفظ کنید و اگر می خواهید زندگی پایدار بماند باید محبت را نگه دارید. (3)

ص: 126

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

2- خطبه عقد مورخه 1379/11/16

3- خطبه عقد مورخه 1381/6/6

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم می کند، انجام ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله مند و بیزار می کند، از شما سر نزنند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آنها اجتناب کنید. بعضیها بی اعتنایی می کنند. مثلاً فرض بفرمایید که زن از يك عادتى که مرد دارد بدش می آید، این مرد هم بی اعتناست و آن عادت را باز تکرار می کند. این بد است. همین طور زنها. فرض بفرمایید زنهایی هستند که هوسهای شخصی خود را (فلان چیز را بخیریم، فلان جا برویم و...) بر راحتی و آسایش شوهر ترجیح می دهند. چه لزومی دارد؟ اصل کار، شما دو نفر هستید. همه دنیا فرع شمايند. همدیگر را داشته باشید، با همدیگر مهربان باشید. (1)

اگر يك وقتى خدای نکرده يك کدورتى پیش آمد، باید لابه لای محبت ذوبش کنید و از بین ببرید. نباید يك حرف کوچکی را بزرگ کنند و مرتب کث بدهند، اینها نباید باشد... (2)

اگر زن و شوهرها نسبت به احساسات یکدیگر بی اعتنایی و بی توجهی کنند و به تدریج حالت بی محبتی از يك طرف به وجود بیاید، چون بی محبتی مرضی مسری است، حتماً به آن طرف دیگر هم سرایت می کند. این طوری است. نباید بگذارید، هر دو باید تلاش و کوشش کنید. این پایه اصلی است. (3)

ص: 127

1- خطبه عقد مورخه 1371/9/24

2- خطبه عقد مورخه 1376/9/24

3- خطبه عقد مورخه 1379/5/16



باید جوانها را هدایت کرد، اما در جزئیات امور آنها نباید خیلی دخالت کرد که زندگی برای آنها مشکل شود. (1)

مبادا بعضیها با دخالتهای خودشان، بعضیها با کم ظرفیتی و خوی بچگی خودشان، این بنای مستحکم را به اندک چیزی متزلزل کنند. اگر دیدند دخالتهای آنها دارد این زن و شوهر را نسبت به هم دل چرکین می کند، دیگر اجازه ندارند دخالت کنند. (2)

بزرگترها اگر می خواهند این جوانها راحت زندگی کنند، باید آنها را نصیحت کنند و هدایت نمایند. اما دخالت نباید بکنند. بگذارند زندگی شان را بکنند. (3)

مبادا خدای نکرده بزرگترها بیایند پیش یکی از زوجین، از آن دیگری بدگویی کنند، یک چیزی بگویند دلخوری درست کنند، بلکه باید بزرگترها سعی کنند بیشتر اینها را به هم نزدیک نمایند و دلهايشان را به هم متصل تر کنند. (4)

والدین نقش زیادی در ایجاد محبت دارند. والدین دختر و پسر باید دائماً همّتشان این باشد که این را نسبت به دیگری بامحبت کنند. اگر هم چنانچه یک چیزی دیدند از طرف مقابل که برایشان خوشایند نبود، آن را برای فرزند خودشان ذکر نکنند. بگذارند این دو با یکدیگر روزه روز مانوس تر و بامحبت تر باشند... (5)

پدر و مادرها باید سعی کنند محبت زن و شوهرها را، این بچه هاشان را، جوانهایی را که ازدواج می کنند - تامین کنند. گاهی ممکن است یک دلخوریهای پیش بیاید، پدر و مادرها که تجربه دارتر هستند، بزرگتر هستند، عاقل تر هستند، نگذارند که این دلخوریها به دلسردی زن و شوهر جوان از هم منتهی شود. (6)

ص: 128

1- خطبه عقد مورخه 1376/9/6

2- خطبه عقد مورخه 1375/2/17

3- خطبه عقد مورخه 1374/5/18

4- خطبه عقد مورخه 1377/8/11

5- خطبه عقد مورخه 1371/6/31

6- خطبه عقد مورخه 1380/12/9





دو جوان عزیز ما با هدف مشترک تکامل مادی و معنوی و با سرمایه عشق خدادادی، برای آغاز زندگی جدید خویش مهیا می شوند. خداوند حکیم، زن و شوهر را مکمل یکدیگر قرار داده است و متناسب با نیازهای گوناگون میدان زندگی، متفاوت آفریده است. در شکل گیری یک خانواده بالنده و موفق و یک زندگی شیرین، «هنر تقسیم کار» از اهمیت بالایی برخوردار است. هر یک باری را متناسب با توانایی خویش بردارند، و ضمن اهمیت دادن به نقش خویش به اهمیت و حساسیت نقش طرف مقابل هم ایمان داشته باشند و کاری را که به عهده می گیرند، با تمام توان خود و با سلیقه فراوان انجام دهند و هم زمان با همتای خود در تحقق نقش خاص او همفکری و همکاری نمایند.

در نحوه تقسیم کار و نقش مخصوص بانوی خانه در اداره امور داخلی و درجه اهمیت آن و نیز فعالیت و کار بیرون منزل دیدگاههای متفاوت و سؤالات فراوانی وجود دارد.

«مرشد حکیم» ما در این باره نیز نکته هایی نغز و راهگشا دارند:



وقتی دو نفر در کنار هم قرار می گیرند و همسر می شوند، بعضی از وظایف وجود دارد که بین اینها مشترک است. مانند کشیدن بارهای خانواده، همکاریهای گوناگونی که در راه بردن خانواده مؤثر است. اینها باید با هم همکاری کنند. این کارها بین زن و مرد مشترک است. حداکثر این است که تقسیم کار شود. گاهی تقسیم کار هم نمی کنند اما بهترش این است که تقسیم کار هم بشود. بخشی از کارها را زن انجام می دهد، بخشی از کارها را مرد انجام می دهد. مثل همه همکاریهایی که وجود دارد؛ مثل همه همسنگریها. (1)

در محیط خانواده، زن و شوهر با هم همکاری کنند. اگر شوهر يك مشکلی یا مضيقه ای دارد، زن با او بسازد، اگر زن داخل خانه یا در محیط کار یا هر جور که هست، دشواری دارد، شوهر باید به او کمک کند. خود را در سرنوشت همسر باید شريك بدانند، هر دوی آنها این را برای خاطر خدا انجام دهند. (2)

ص: 133

---

1- خطبة عقد مورخه 1378/12/22

2- خطبة عقد مورخه 1378/1/15

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند، نه. بلکه، یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل تری در جامعه برخورد دارند، زنها می توانند به آنها روحیه بدهند. می توانند خستگی آنها را از نشان بیرون کنند. به آنها تبسم کنند و به آنها دلخوشی دهند. اگر چنانچه خانمها هم کاری بیرون از خانه دارند، باز مرد به آنها کمک کند و او را تقویت نماید. (1)

مراد از همکاری، همکاری روحی است. اینکه زن ضرورتهای مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راههای نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدانهای زندگی تشویق کند و تحریص نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد، اینها مهم است. اینها وظیفه هایی است از طرف زن، از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورتهای زن را درک کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد. (2)

ص: 134

---

1- خطبه عقد مورخه 1378/1/15

2- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

پسر اگر می بیند دختر در راه انجام تکالیف اسلامی خودش، يك قدم خیری می خواهد بردارد، وسایل را برایش فراهم بکند و مانع تراشی نکند. بعضی دخترها هستند می خواهند فرض کنید ادامه تحصیل بدهند، درس دین بخوانند، با قرآن آشنا بشوند، کارهای خیر بکنند و در بعضی از امور خیریه شرکت داشته باشند. شوهرانشان گاهی نسبت به اینها بد اخلاقی می کنند که ما حوصله این کارها را نداریم! ما زن گرفته ایم که زندگی کنیم. نمی گذارند این دختر به کار خیر برسد. به عکس بعضی از مردها می خواهند صدقات جاریه بدهند، می خواهند شرکت در مسائل گوناگون داشته باشند دختر مانع می شود. (1)

ص: 135



بعضیها از ما می پرسند: شما موافقید زنها بروند کار کنند؟ ما می گوییم: البتّه، ما با بیکاری خانمها مخالفیم؛ زن اصلاً باید کار کند. البتّه کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است؛ اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد، خیلی هم خوب است. منتها يك شرط دارد، باید جوری باشد که این اشتغال - حتی در داخل خانه - به پیوند زن و شوهر لطمه ای نزد. بعضی از خانمها هستند که خودشان را از صبح تا شب می کشند بعد که مرد به خانه می آید، حوصله يك لبخند زدن به او را هم ندارند. این هم بد است. کار خانه را باید کرد اما نه آنقدری که این کار خانه به انهدام خانواده منتهی بشود. (1)

زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست. اما این وظیفه او نیست. این بر او واجب و لازم نیست. چیزی که بر او واجب است، عبارتست از حفظ فضای حیاتی برای مجموع این خانواده. (2)

ص: 136

---

1- خطبه عقد مورخه 1372/11/12

2- خطبه عقد مورخه 1381/3/8

در همهٔ احوال و اوضاع رعایت همدیگر را بکنید، به هم کمک کنید، عون و بازوی همدیگر باشید، بخصوص در راه خدا و در راه انجام وظیفه. چه پسر در راه خداست، دختر به او کمک کند. چه دختر در راه انجام وظیفه و در راه خداست، پسر به او کمک کند. هر کدام مجاهدت می کنند، آن دیگری به او کمک کند. (1)

اگر پسر در کار علم و در کار تلاش و مجاهدت در ارگانهای جمهوری اسلامی است، آن خانم با او همکاری کند که بتواند کارش را راحت انجام بدهد. مردها و پسرها به زنهایشان فرصت بدهند تا زنها هم بتوانند در این میدانهای مسابقه معنویت وارد شوند. اگر می خواهند تحصیل علم کنند، بتوانند. اگر هم می خواهند در کارهای اجتماعی وارد شوند، بتوانند. (2)

زن و شوهر کوشش کنند یکدیگر را به راه خدا هدایت کنند. یکدیگر را در راه مستقیم نگه دارند و حفظ کنند. این توأصوا بالحق و توأصوا بالصبر (3) را که خاصیت مسلمانی است و مهم ترین خصوصیت ایمان است، مدنظر داشته باشند. (4)

هر دو به یکدیگر نسبت به دیندار بودنشان و رعایت تقوا کمک کنند. یعنی مرد کمک کند که زنش بتواند دیندار باشد و رعایت تقوا را بکند. زن هم کمک کند که مرد بتواند دیندار باشد و بتواند پاکدامن بماند و بتواند با تقوا حرکت کند. (5)

منظور از کمک فقط شستن ظرف و... نیست، البته اینها هم کمک است ولی منظور بیشتر کمک روحی است. کمک معنوی و فکری است. در راه اسلام یکدیگر را ثابت قدم بدارند، همدیگر را توصیه به تقوی و صبر و توصیه به دینداری،

ص: 137

1- خطبه عقد مورخه 1374/5/11

2- خطبه عقد مورخه 1372/1/5

3- . سوره عصر، آیه 3

4- خطبه عقد مورخه 1374/5/8

5- خطبه عقد مورخه 1378/1/2

توصیه به عفاف، توصیه به قناعت، توصیه به ساده زیستی و... کنند. با هم همکاری کنند تا بتوانند ان شاءالله به بهترین وجهی بگذرانند.

[\(1\)](#)

ص: 138

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/12/13

کمک واقعی به دیگری، این است که دو نفر غمها را از دل هم برطرف کنند. هر کسی در دوره زندگی اش گرفتاری پیدا می کند، غمی پیدا می کند، مشکلی پیدا می کند، ابهامی پیدا می کند، تردیدی پیدا می کند. هر کدام از دو نفر، در چنین موقعیتی باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد، او را راهنمایی کند. اشتباه او را برطرف کند. اگر می بیند خطایی دارد از او سر می زند جلوی او را بگیرد. (1)

ص: 139

وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره می کند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پرزحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده انجام این کار بر می آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافتها را رعایت کند. (1)

زن توی خانه که بیکار نیست. یک عده ای خیال می کنند زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه، بیشترین و سخت ترین و ظریف ترین کارها را انجام می دهد. (2)

برخی فکر می کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست. بلکه مهم ترین کار برای زن این است که زندگی را سر پا نگهدارد. (3)

ص: 140

---

1- خطبه عقد مورخه 1381/6/6

2- خطبه عقد مورخه 1376/12/18

3- خطبه عقد مورخه 1381/3/8

بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. بچه داری از آن کارهای سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه داری در واقع آسان است. بچه داری هنر خیلی بزرگی است. مردها يك روز هم نمی توانند این کار را انجام دهند. زنها با دقت، با حوصله و با ظرافت این کار بزرگ را انجام می دهند. خدای متعال، در غریزه آنها این توان را قرار داده است. ولی همین بچه داری کار سختی است که انسان را فرسوده می کند و واقعاً از پا می اندازد. (1)

ص: 141

جوانانی که مشغول کاری در راه خدا هستند، با گرفتن همسر، با ازدواج، نباید کارشان را متوقف کنند. (1)

ما به مردها همیشه سفارش می کنیم وقتی کار دارند، اشتغال دارند، از خانه و زندگی قهر نکنند. بعضیها صبح اول وقت می روند بیرون تا ساعت 10 شب.

نه! ما معمولاً به کسانی که برایشان ممکن است سفارش می کنیم حتی ظهرها را بروند با زن و بچه شان باشند. در محیط خانوادگی، غذایشان را بخورند، یک ساعتی با هم باشند، بعد بیایند دنبال کارشان، باز حتماً در زمان مناسب، اول شب بروند بچه ها را ببینند، ملاقات خانوادگی حقیقی داشته باشند. (2)

ص: 142

---

1- خطبه عقد مورخه 1371/9/19

2- خطبه عقد مورخه 1376/6/18

## زن، قوی تر از مرد است!

این آقایان که می بینید ماشاءالله یال و کوپالی دارند، اینها همه اش ظاهر است، جسم قوی است، اما از لحاظ پیچیدگی ذهنی و در زمینه های احساسی و عاطفی، زن قوی تر از مرد است، قدرت تحملش زیاد است، راهها را بلد است... طبیعت زن این است. اغلب زنها، البته ممکن است بعضی از زنها هم این طور نباشند؛ غرض اینکه خانمها بهتر می توانند در این مصافِ دوستانه بر عواملِ سردی، فایق بیایند. با يك مقدار کوتاه آمدن، با يك مقدار خوش اخلاقی کردن، با ابزارهایی که هست این کار را بکنند. مرد را بکشاند به آن جایی که باید قرار بگیرد، تا ان شاءالله زندگی شیرین تر شود. (1)

ص: 143



این وضع زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) است از لحاظ سادگی مراسم ازدواج و بعد هم زندگی آن بزرگوار، آن زندگی فقیرانه و زاهدانه، آن اتاق آنچنانی، آن فرش که لابد همه شما شنیده اید. کار توی خانه، در مقابل تلاشهای فراوان و صبر بر شوهری مثل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در تمام مدت زندگیشان، حضرت مشغول کار و فعالیت بودند. یعنی هرچه جنگ بود، علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلوتر از همه بود. هرچه کار مهم بود اول از همه علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلودار بود. حدود ده سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجه می کنید؟ در ظرف این 10 سال شما ببینید که این شوهر جوان چقدر توانسته به زن و بچه اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی، صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آنچنان فرزندان تربیت کردن و آن فداکاریهای عظیمی که حضرت زهرا (علیها السلام) انجام دادند و شما هم مقداری از آنها را شنیده اید، همگی الگوست. حالا، دختران ما باید فاطمه (علیها السلام) را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا (علیها السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را الگو قرار دهند. (1)

ص: 144





در گرماگرم عشق نخستین، تفاوتها خود را نشان نمی دهند. دختر و پسر جوان، مجذوب یار خویشند و غرق دریای رؤیاهای شیرین، که هر يك در سیمای همسر عزیز خود، آرمانها و آرزوهای دیرین خود را می بینند و در آیینۀ محبوب، گویا به چهره خویش می نگرند. اما دیری نمی پاید که این وحدتِ رؤیایی و این همگونی عاشقانه، در مواجهه با واقعیات زندگی و شخصیت متفاوتِ همسر، رنگ می بازد. تفاوت سلیقه ها و دیدگاهها در رویارویی با مسائل گوناگونِ زندگی هر روز بیش از گذشته خود را نشان می دهند. بی تجربگی و بی توجهی همسرانِ جوان در مواجههٔ درست با واقعیتهای می تواند در همین روزهای آغازِ زندگی، آنان را با چالشهای فراوانی روبه رو کند. و گاه تبعات آن تا سالها باعث ناراحتی و رنجش طرفین شود. جوانانِ عزیزِ ما با کوتاه آمدن از ایده آلهای و پذیرش شخصیتِ واقعی همسر، با همهٔ تفاوتها و تقویت درك متقابل، می توانند بنیان زندگیِ مشترك خود را به مدد الهی هر روز محکم تر کنند. رهنمود پیر فرزانهٔ ما ره توشه دیگری برای راه پرفراز و نشیب زندگی است:

با هم بسازید...



## امام (ره) فرمودند: بروید با هم بسازید

من يك وقت خدمت امام رفتم. ایشان می خواستند خطبه عقدی را بخوانند، تا من را دیدند گفتند: شما بیا طرف عقد بشو! ایشان برخلاف ما که طول و تفصیل می دهیم و حرف می زنیم، عقد را اول می خواندند، بعد دو سه جمله ای کوتاه صحبت می کردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند:

«بروید با هم بسازید.»

من فکر کردم دیدم که ما این همه حرف می زنیم، اما کلام امام (ره) در همین يك جمله «بروید و با هم بسازید» خلاصه می شود! (1)

ص: 149

سعی شما این باشد که در تمام دوران زندگی، بخصوص سالهای اول، این چهار، پنج سال اول، با هم سازگاری داشته باشید. این طور نباشد که یکی اندکی ناسازگاری نشان داد، آن دیگری هم حتماً در مقابل او ناسازگاری نشان بدهد. نه! هر دو با هم سازگاری نشان بدهید و اگر دیدید همسرتان ناسازگاری کرد، شما سازگاری نشان دهید. این جا از آن جاهایی است که سازش و کوتاه آمدن خوب است. (1)

معنای سازگاری چیست؟ معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده آل اوست تا با او سازگار باشد؟ تا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر يك ذره این گوشه یا آن گوشه اش کج بود، قبول نیست. معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش بطور طبیعی انجام می گیرد و اراده شما را نمی خواهد. اینکه می گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می آید. خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است يك ناسازگاریهایی ببینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از يك خرده که گذشت، ممکن است يك ناسازگاریهایی حس کند، آیا باید این جا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری اش نمی شود کرد، خب با او بسازید. (2)

سازش کاری در محیط خانواده جزء واجبات است. نایستی

ص: 150

1- خطبه عقد مورخه 1376/4/31

2- خطبه عقد مورخه 1379/1/16

زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هرچه گفتند همان شود. آنچه خودشان می پسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین می کند همان بشود. نه، این طور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که با هم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمی شود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیایید. [\(1\)](#)

سازگاری در زندگی، اساس بقای زندگی است و همین است که محبت می آفریند. همین است که موجب برکات الهی می شود. همین است که دلها را به هم نزدیک کرده و پیوندها را مستحکم می کند. [\(2\)](#)

ص: 151

---

1- خطبه عقد مورخه 1378/4/9

2- خطبه عقد مورخه 1377/11/19



اصل مسأله ازدواج، عبارتست از تفاهم و انس و اتحاد دو موجود در زندگي با يكدیگر که این البته در اصل يك امر طبيعي است. لکن اسلام با پيرايه ها و تشریفات و آئينهايی که قرار داده و با احکامی که گذاشته برای ازدواج، يك استمرار و برکتی به آن داده است.

زن و شوهر باید يكدیگر را درك کنند و بفهمند. این يك تعبير اروپايي است ولی تعبير خوبی است... یعنی هر کسی درد و خواستههای طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیاید، به این می گویند درك کردن. یعنی به قول معروف در زندگي تفاهم و درك متقابل باشد. اینها محبت را زیاد می کند. (1)

ص: 152

## هیچ انسانی بی عیب نیست!

اگر دیدید که همسرتان يك نقطه عیبی دارد - هیچ انسانی بی عیب نیست - و مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم همزمان، دارد يك عیبی را از شما تحمل می کند. آدم عیب خودش را که نمی فهمد، عیب دیگری را می فهمد. پس بنا را بگذارید بر تحمل.

اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی شود کرد، با او بسازید. (1)

ص: 153

---

1- خطبه عقد مورخه 1378/4/9

اسلام در داخل خانواده ترتیبی داده که اختلاف درون خانواده به خودی خود حل شود. به مرد دستور داده که يك ملاحظاتی بکند. به زن هم دستور داده که يك ملاحظاتی بکند. مجموع این ملاحظات اگر انجام بگیرد، هیچ خانواده ای قاعداً متلاشی نخواهد شد و از بین نخواهد رفت. غالباً متلاشی شدن خانواده ها به خاطر این بی ملاحظگیهاست. مرد بلد نیست که رعایت کند؛ زن، بلد نیست که عقل به خرج بدهد، او تندی و خشونت بی حد می کند، این بی تحملی به خرج می دهد، همه اش ایراد دارد، خشونت او هم ایراد دارد، سرکشی این هم ایراد دارد. اگر او خشونت نکند، اگر يك وقتی اشتباه کرد، این سرکشی نکند، ملاحظه کنند، با همدیگر بسازند، هیچ خانواده ای تا آخر متلاشی نخواهد شد و خانواده باقی می ماند. (1)

ص: 154

در قدیم بیشتر می گفتند دختر باید سازگار باشد. برای پسر کانه (1) وظیفه سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمی گوید. اسلام می گوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند. هر دو باید بسازند. باید بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنانچه ان شاءالله این فراهم شد، که فراهم کردنش هم با تربیتهای اسلامی مشکل نیست، این خانواده همان خانواده سالمی خواهد بود که اسلام معتقد به اوست. (2)

ص: 155

---

1- . مثل اینکه

2- خطبه عقد مورخه 1374/5/11







طراوت و شیرینی زندگی، محصول مهارتها و رعایتهای زن و شوهر است. جوانان عزیز ما در آغاز راه زندگی، باید خود را نیازمند تمرین فراوان برای دستیابی به تواناییهای ذهنی و رفتاری لازم در صحنه زندگی مشترک بدانند. این گونه است که زندگی آنان هر روز با صفات و شیرین تر خواهد شد. در این رهنمود، مقتدای مهربانان راههای دست یابی به يك زندگی خواستنی را به عزیزانشان یادآوری می کنند:





شکر، فقط گفتن «الهی شکر» و سجده شکر کردن نیست. شکر نعمت این است که انسان نعمت را بشناسد. بداند که این نعمت را خدا به او داده و استفاده از آن نعمت و رفتار با آن نعمت را که خداوند می‌پسندد، انجام دهد. این معنای شکر نعمت است.

اگر چنانچه «شکرالله» بگویید اما دلتان با مفاهیمی که گفتم آشنا نباشد، این شکر نیست...

ازدواج هم يك نعمت خدادادی است. خدای متعال این همسر خوب را برای شما فراهم کرده است، پس باید به شایستگی شکر این نعمت را بجا آورید. (1)

ص: 161

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهرش را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان میهمانی و... راز همسرش را بازگو کند، حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگاه دارید تا زندگی ان شاء الله شیرین و مستحکم شود.

(1)

ص: 162

کمک واقعی این است که دو نفر غمها را از دل هم برطرف کنند. هر کسی در دوره زندگی، گرفتاری و مشکل و غمی پیدا می کند و ممکن است دچار ابهام و تردید بشود. آن دیگری در چنین موقعیتی، باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد. او را راهنمایی کند و اشتباه و خطای او را برطرف نماید. (1)

ص: 163

زندگی را ساده بردارید، البتّه ما خیلی هم اهل زهد و تقوا نیستیم. خیال نکنید. آن سادگی که ما می‌گوییم، آن سادگی زُهاد و عبّاد و اینها نیست. سادگی به نسبت این کارهایی است که مردم امروز می‌کنند. والا نه، سادگی ما را اگر چنانچه آن مردان خدا ببینند نگاه کنند شاید هزار تا ایراد هم به آنچه که ما سادگی می‌دانیم بگیرند. (1)

زندگیتان را بر پایه اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آن طوری که خدای متعال می‌پسندد قرار دهید و از طّیبات الهی بهره مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه روی و هم عدالت. یعنی ملاحظه انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطوری اند. خیلی بین خودتان و دیگران فاصله درست نکنید. (2)

یکی از موجبات سعادت خانواده‌ها و اشخاص، این است که تقیّدات زاید و تجمّلات زیادی و پرداختن بیش از اندازه لازم به امور مادی، از زندگیها دور شود. لاقلاً بخش اصلی زندگی محسوب نشود. یک چیز حاشیه‌ای، یک کنار باشد. زندگی را از اوّل باید ساده برداشت و محیط زندگی را باید محیط قابل تحمّلی کرد. (3)

ساده زندگی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد. آسایش هم که اصلاً در سایه ساده زندگی کردن است. (4)

ص: 164

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/5/11

2- خطبه عقد مورخه 1372/3/8

3- خطبه عقد مورخه 1372/3/8

4- خطبه عقد مورخه 1377/4/18

اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم چشمیها نشوید. خودتان را در دام مسابقه مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی شود. این ظواهر زرق و برق دار زندگی شخصی، اینها هیچ کدام انسان را نه خوشبخت می کند، نه دلشاد و راضی می کند. اصلاً انسان هرچه گیرش می آید، باز چیز بیشتری را می خواهد. در حسرت يك چیز بهتری است. در شرع مقدس هست - العفاف و الکفاف - به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد. این جور پیش ببرید. (1)

زندگی تشریفاتی، زندگی تجملاتی، زندگی اشراف منشی، زندگی پُرخرج و زندگی مصرفی، انسانها را بدبخت می کند. این خوب نیست. زندگی باید با کفاف و راحت بگذرد نه پُرخرج و مسرفانه. این دو تا را بعضیها چرا با هم اشتباه می کنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشند و بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچ کس. دلخوشی هم باید داشته باشند و الاً زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. اینها اصلاً راحتی نمی آورد. دلخوشی نمی آورد. (2)

اول زندگی را ساده بردارید، هرچه می توانید در این جهت سعی کنید. البته، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سخت گیریهای تنگ نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به يك حدی قانع باشند. (3)

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رها شدن از

ص: 165

1- خطبه عقد مورخه 1377/7/20

2- خطبه عقد مورخه 1378/1/2

3- خطبه عقد مورخه 1377/9/12

آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند می تواند. يك روزی بود که نمی شد، سخت بود. اگرچه بعضی به دست خودشان مشکل می کنند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجمّلاتشان، همه را بر خودشان سخت می کنند. (1)

ص: 166

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/10/13

به شما عرض می‌کنم: ما شما را دعوت نمی‌کنیم به زهد سلمان و ابوذر. بین امثال من و شما با سلمان و ابوذر فاصله خیلی زیاد است. ما هرگز - نه من و نه شما - طاقت آن چیزها را و آن علو و عروج و آن والایی را نداریم که بخواهیم خودمان را به آن چیزها برسانیم. یا مثلاً فرض کنید که آرزوی آن را حتی در دلمان بیاوریم. اما من این را عرض می‌کنم که اگر بین ما و آنها، زندگی ما و زندگی آنها، هزار درجه فاصله است، می‌شود این هزار درجه را، ده درجه، بیست درجه، صد درجه کم کرد. خودمان را به زندگی آنها نزدیک کنیم. (1)

فناعت کنید، از فناعت خجالت نکشید. بعضیها خیال می‌کنند که فناعت مال آدمهای تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست فناعت کند. نه، فناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند. (2)

توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است. (3)

سعیتان را بگذارید بر زندگی ساده و به دور از اشرافی‌گری، بر زندگی ای که منطبق باشد بر زندگی متوسط مردم. نمی‌گویم پایین‌ترین مردم، متوسط مردم، نگاه نکنید به مسابقه مادی‌گری. مسابقه هست. چنانکه در راه بهشت خدا مسابقه هست، در راه بهشت خیالی دنیا هم مسابقه هست. برای تجملاتش، برای مقام و قدرتش، برای اسم درآوردن و معروف شدنش، مسابقه هست. این مسابقه، مسابقه ناسالمی است... هرکدام که بخواهید به این مسابقه وارد شوید آن دیگری مانع شود و به عنوان یک

ص: 167

1- خطبه عقد مورخه 1379/11/17

2- خطبه عقد مورخه 1376/1/1

3- خطبه عقد مورخه 1379/12/21



ناصح باشما عمل کند. (1)

در همه مراحل بایستی میانه روی و قناعت و گرایش به روش متواضعانه و فقیرانه را فراموش نکرد که این نظر اسلام است. (2)

ص: 168

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/6/3

2- خطبه عقد مورخه 1380/9/22

در همهٔ امور زندگی‌تان سادگی را رعایت کنید. اولش هم از همین مراسم ازدواج است، از این جا شروع می‌شود. اگر ساده برگزار کردید، قدم بعدی اش هم می‌شود ساده و الا شما که رفتید آن مجلس کذایی مثل اعیان و اشرافهای زمان طاغوت را درست کردید، بعد دیگر نمی‌توانید بروید توی خانهٔ کوچکی مثلاً با وسایل مختصری زندگی کنید. این جور نمی‌شود دیگر. چون خراب شده و از دست رفته است. از اول، زندگی را پایه اش را براساس زندگی و ساده زیستی بگذارید تا زندگی بر خودتان، بر کسانتان و بر مردم جامعه ان شاءالله آسان شود.

(1)

ص: 169

## حال پدر و مادر را رعایت کنید

متأسفانه این پرداختن به تشریفات ازدواج و مهریه های گران و جهیزیه های سنگین و مجالس آنچنانی خیلی اخلاقها را فاسد کرده است! شما دخترها و پسرها که عروس و داماد می شوید، پیشقدم شوید. بگویید ما این جوری نمی خواهیم، به این زیادی نمی خواهیم. وقتی جامعه مشکل دارد وقتی در جامعه فقیر هست باید انسان ملاحظه کند. (1)

ما به دخترها و پسرها سفارش می کنیم اصرار نکنید. زیاد نخواهید. پدر و مادرها را زیر فشار قرار ندهید تا در رودربایستی بمانند... این چیزها را بریزید دور. اصل، يك حادثه انسانی است. آن چیست؟ زناشویی، انسانی ترین کارهای دنیاست. این را مادی و پولی نکنید، آلوده اش نکنید. (2)

اگر دختر و پسر اهل قناعت و ساده زیستی باشند، بزرگ ترها هم مجبور می شوند از آنها تبعیت کنند. (3)

ص: 170

1- خطبه عقد مورخه 1372/9/14

2- خطبه عقد مورخه 1372/11/8

3- خطبه عقد مورخه 1374/9/28

اسلام که راجع به حجاب حرف می زند، آیات قرآن که راجع به حجاب حرف می زند، راجع به حدود زن و مرد با یکدیگر دستور دارد، این به خاطر خود مردم است، به خاطر همین خانواده هاست. همین دخترهای جوان که شوهرشان را می خواهند از دست ندهند، این پسرهای جوان که زن محبوبشان را می خواهند از دست ندهند. این، بدون حجاب و بدون رعایت نمی شود، آیات قرآن این طور حکمت آمیز و عمیق است. (1)

این محرم و نامحرمها، این حجاب و حفظ زن، این قلِّ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلِّ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (2)، چشمه‌ایتان را به هر منظره‌ای باز نکنید، به هر چیزی نگاه نکنید تا به هر طرفی کشانده نشوید این برای چیست؟ این برای این است که این زن و شوهر به هم مهربان و وفادار بمانند. آن مردی و آن زنی که در جوامع فاسد دنیا به هر جا رسیدند، به هر گذرگاهی که رفتند، هر طور دلشان خواست سوءاستفاده کردند و اختلاط پیدا شد، دیگر برای آنها محیط خانوادگی چقدر اهمیت پیدا خواهد کرد؟ هیچ. اسمش را هم گذاشته اند آزادی که اگر این آزادی باشد، بزرگ ترین بلیه‌های بشر محسوب می شود. آن مردی که هر طور دلش بخواهد به هر طرف متمایل باشد به طرف زنها، عینانی ندارد، حفاظی ندارد و آن زنی که با حیا و عفاف و حجاب انسانی آراسته نیست، حفاظی ندارد، چنین زن و مردی برای زن خودشان، برای شوهر خودشان احترامی قائل نیستند. در اسلام، يك زن و مرد در مقابل هم مسئول هستند و به هم علاقه مندند. به هم محتاج

ص: 171

1- خطبه عقد مورخه 1375/5/11

2- . سورة نور، آیات 30 و 31

و وابسته اند. يك سلسلهٔ عظيم و طولانی كه از احكام ناشی می شود از چیست؟ از اینکه می خواهند خانواده محکم بماند و این زن و شوهر به هم خیانت نکنند و با هم باشند. (1)

ص: 172

---

1- خطبهٔ عقد مورخهٔ 1377/9/12





طراوت و شیرینی زندگی، محصول مهارتها و رعایت‌های زن و شوهر است. علی (علیه السلام) فرمودند: لکلّ شیء آفة (1) هر چیزی در این عالم آفتی دارد.

برای نگاهداری و بهره‌مندی شایسته از هر چیز خوب و باارزشی، باید اول آفات آن را شناسایی کرد. آنگاه با درایت و هوشمندی به مقاوم سازی و ایجاد صیانت همّت گماشت. این قاعده زندگی دنیاست. هرچه ارزش چیزی افزونتر باشد، آفات آن هم بیشتر و خطرناک تر است.

زندگی مشترك که با میثاق مقدّس ازدواج آغاز می شود، یکی از باارزش ترین نعمتهای الهی برای انسانهاست و از اتفاق در معرض آفتهای فراوان قرار دارد. چشم باز و مراقبت همسران جوان و شناخت درست از آسیبها، راه نجات از فتنه های شیطان است. راهنمای بیدار و خردمند ما در این باره هشدارهای مهمی دارند:

ص: 175





## حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید!

من همیشه به مردهای جوان توصیه می‌کنم، که شما در معاشرت با نامحرم و حتی محارم کاری نکنید و حرفی نزنید که زنان خود را وادار به حسادت کنید. به دختران جوان هم سفارش می‌کنم، که در برخوردشان با مردهای بیگانه، کاری نکنند و حرفی نزنند که حس حسادت و غیرت شوهرانشان را تحریک نمایند.

این حسادتها بدبینی می‌آورد و پایه‌های محبت را سست می‌کند و از ریشه می‌سوزاند. [\(1\)](#)

ص: 177

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/9/10

ظلم، تبعیض و اهانت، در هر حالی غلط است. اگر شما عالی ترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و... یک خانم کم سواد باشد، یا از یک خانواده پایینی باشد، شما حق کمترین ظلم و اهانتی را به او ندارید، زن همان زن است تا ابد. حق کمترین اهانتی را به او ندارید. این البته فقط مخصوص ما نیست. این اروپاییهای ادکلن زده اتوکشیده، گاهی خیلی بدتر از جوامع ما به این موجودات ظلم می کنند. مرد حق ندارد - ولو بالاتر از زن باشد - به زنش جفا کند.

زن هم همین طور، گاهی زن، یک خانم باسواد تحصیل کرده است که مثلاً حالا با یک مرد کارگری ازدواج کرده است. او هم حق ندارد مرد را تحقیر کند. مرد، باز هم برای او نقطه اتکابی است. باید به او تکیه کند. باید او را از لحاظ روحی چنان حفظ کند که بشود به او تکیه کرد. این، خانواده سالم است. اگر خانواده را این طوری تشکیل دادید، بدانید که یک رکن اساسی سعادت خودتان را تأمین کرده اید. (1)

ص: 178

دخترها و پسرها به دنبال ایده آل نباشند. در امر ازدواج، هیچ کس ایده آل نیست. انسان نمی تواند ایده آل خود را پیدا کند. باید بسازند و زندگی کنند. خداوند ان شاءالله زندگی را شیرین خواهد کرد و به آنها برکت خواهد داد و ان شاءالله مورد رضای الهی قرار خواهند گرفت.

(1)

آدم، اول که نگاه می کند، همه اش حُسن است. بعد که وارد می شود اخلاقیاتی هست، نقایص و کمبودهایی هست، ضعفهایی وجود دارد که به تدریج در یکدیگر کشف می کنند. اینها نباید موجب سردی بشود. باید با این کمبودها ساخت، چون بالاخره مرد ایده آل بی عیب و زن ایده آل بی عیب در هیچ کجای عالم پیدا نمی شود. (2)

ص: 179

---

1- خطبۀ عقد مورخه 1376/9/6

2- خطبۀ عقد مورخه 1378/1/24

آن آقایی که با زنان نامحرم سروکار دارد، دو جا برای او امکان اشباع غرایزش در سطوح مختلف وجود دارد، این دیگر به زن خودش آن جور پای بند نیست. مثل مردی که به هیچ زنی نگاه نمی‌کند نیست... اینکه می‌گویند زن باید خودش را در محیط‌های اجتماعی با نامحرم مخلوط نکند، برای این است که این زن، دلبستگی‌اش به مرد خودش باشد و الا اگر زن کارش به جایی رسید که مرد خودش برایش عادی شد، مثل وضعیتی که الآن در جوامع غربی می‌بینید که اصلاً این مرد برای زن اهمیتی ندارد، می‌گوید حالا شد، شد، نشد هم نشد. می‌گوید طلاق می‌گیریم، تمام می‌کنیم تو برو دنبال کارت، من هم می‌روم دنبال کارم. این بد است. بعضی از خانمها امروز تلاش می‌کنند که وضع زنان را این جور کنند. این به ضرر زن‌هاست به نفع زن‌ها نیست؛ چون این، بنیان خانواده را متلاشی می‌کند. (1)

ص: 180

مسأله محرم و نامحرم و حجاب و نگاه کردن و نگاه نکردن و معاشرتهای ناسالم و مضر، این چیزهایی که در اسلام این قدر تأکید شده و در بعضی از کشورها و جاهایی که از اسلام دورند، اینها رعایت نمی شود، اینها اگرچه يك محدودیتی برای زن و مرد به وجود می آورد، اما اینها را شارع مقدس برای حفظ خانواده، برای ماندگار شدن این بنای مهم تحکیم و تشریح کرده است که اگر در همین چیزها هر انسانی تدبیر کند و تأمل بکند، حکمتهای بسیار بزرگی را خواهد دید. (1)

اینکه شما می بینید در اسلام محرم و نامحرم و جدایی زن و مرد و اینها مطرح است، اینها مسائل ارتجاعی نیست. اینها جزو دقیق ترین مسائل انسانی و بشری است. یکی از مهم ترین آن، این است که بنیان خانواده مستحکم می ماند. چون زن و شوهر به هم احساس وفاداری می کنند، در موضع حسادت قرار نمی گیرند، این خیلی مسأله مهمی است. (2)

این حجایی که اسلام درست کرده است، این نگاهی که اسلام منع کرده است، این معاشرتی که اسلام ممنوع قرار داده است، برای این است که شما دلهایتان و محبتهایتان روی يك نقطه متمرکز شود. هم شما خانمها و هم شما آقایان. (3)

اینکه شما می بینید در اسلام، حجاب و روگیری و عدم معاشرت زن و مرد و این چیزها هست، و يك عده آدم کوتاه بین و کوتاه نظر خیال می کنند اینها يك حرفهای قشری است، نه! اینها عمیق است. این، برای این است که خانواده ها و دلهای زوجین، در جای خود بماند، این خانواده مستقر بماند. این برای اینهاست. محرم است، نامحرم است، نگاه نکن، معاشرت نکن، دست نده، نخند، جلوه گری نکن، جلوی دیگران آرایش

ص: 181

1- خطبه عقد مورخه 1377/12/11

2- خطبه عقد مورخه 1379/10/15

3- خطبه عقد مورخه 1379/3/30

نکن. این حرفهایی که اسلام می زند، دین می گوید، فقه به ما می گوید، این برای این است که اگر اینها را رعایت کردید، این خانواده کوچک شما، این کانون کوچکی که حالا به وجود آمده است، مستحکم خواهد ماند و از آن بلایا فارغ خواهد شد. زن و مرد احساس می کنند که سر و کارشان با یکدیگر است. با این خانواده است. زن احساس نمی کند که خانه برای او یک وسیله دست و پاگیر است. یا مرد احساس نمی کند که خانه و زن برای او یک وسیله مزاحم است. (1)

اینکه اسلام آن قدر گفته است که چشمتان را ببندید، به نامحرم نگاه نکنید. به زن یک جور گفته و به مرد یک جور دیگر گفته، برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت بخشی از سهم آن کسی که همسر شماست، آن طرف خواهد رفت. حالا چه شما مرد باشید و چه زن باشید فرقی نمی کند. یک قسمتی می رود آن جا. وقتی این جا کم گذاشتی، محبت ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، بنای خانوادگی متزلزل می شود. آن وقت آنچه که برای تو لازم است از دستت می رود و آنی که برایت مضر است به خیال خودت به دست آورده ای. (2)

ص: 182

---

1- خطبه عقد مورخه 1379/12/15

2- خطبه عقد مورخه 1375/2/17







از آفات بزرگی که در زندگی ما انسانها فراوان دیده می شود، آفت تکلف است. وقتی کاری را که می توان به راحتی و آسانی انجام داد، با مشقت و کلفت همراه می کنیم، در حقیقت خود و دیگران را به سختی انداخته ایم. تولید شرطهای خیالی و وهمی و کش دادن عرض و طول کارها، یعنی افتادن به دام خطرناک تکلف!

ما در جریان زندگی دنیایی خود به صورت طبیعی و معمول با گرفتاریهای فراوانی روبه رو هستیم. چقدر احمقانه است اگر خود نیز با عدم پای بندی به قواعد خرد، کار را بر خویش سخت تر کنیم!

و همگان به اندک تأملی درمی یابند که: انجام دقیق، مطمئن، منظم و با کیفیت هر کار، با پیچیده کردن، سخت کردن و تکلف، زمین تا آسمان متفاوت است.

تکلف، فرصت سوز است، عمر را بر باد می دهد؛ امکان موفقیت را کاهش می دهد، دلسردی و افسردگی را دامن می زند، سرمایه ها را نابود می کند و زندگی را به کام آدم تلخ می سازد. از همین روی خاتم پیامبران و افتخار مسلمانان و مؤمنان (صلی الله علیه و آله) از تکلف پیشگان اعلام بیزاری می کند. و صف خود را از آنان جدا می سازد: وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (1)

از جمله اموری که در جامعه ما در میان بسیاری از خانواده ها، به این آفت خطرناک (تکلف) مبتلا شده است، مساله مهم و سرنوشت ساز ازدواج است. به بهانه انجام آداب و رسوم، آبروداری، حفظ حیثیت و ارزش نهادن بر دختر و پسر و... این شیرین ترین حادثه زندگی جوانان را به کابوسی وحشتناک تبدیل کرده ایم. نتایج تلخ این نگاه بیمار، تعداد زیادی از جوانان

ص: 185

را از تشکیل زندگی ناامید کرده است. و تعداد فراوان دیگری را با مشکلات فراوانی در آغاز راه روبه رو کرده است.

خانواده های زیادی با نزدیک شدن به زمان ازدواج فرزندان، به جای جشن و شادی عزا می گیرند. آسیبهای فرهنگی، تربیتی و اخلاقی ناشی از تجرد طولانی مدت و تأخیر در ازدواج، غیرقابل محاسبه است. نتایج شوم يك شروع پر مشقت و پردردسر، چه بسیار کام جوانان را در آغاز زندگی تلخ می کند. در این آفت بزرگ اجتماعی، همه مقصد ریم و البته از همه بیشتر خانواده های متکلف باید در پیشگاه خداوند پاسخگو باشند! و در رفع این معضل خانمان سوز، همه باید به میدان بیایند و این سنت الهی و آسمانی را از قید و بند زنجیرهای جاهلی نجات بخشند و میدان زندگی را برای خوشبختی جوانان هموار سازند.

رد پای این سختگیریهای جاهلانه و رسوم نابخردانه را در جای جای این ناموس فطری و سنت اسلامی می توان دید:

در مرحله انتخاب همسر، شرایط عجیبی را که هرگز دخالتی در کفو بودن و همتایی دختر و پسر برای آغاز زندگی ندارند، به جای دین و تقوا و اخلاق قرار داده ایم! مهریه را - که هدیه ای است به نشان مهر و راستی و در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارزش مالی آن اصلاً مورد توجه نبوده است، بلکه کم بودن آن نشان شگون و خوش قدمی عروس شمرده شده است - به قیمت گذاری برای دختر تبدیل کرده ایم! جهیزیّه را که هدیه خانواده ها برای سهل کردن آغاز زندگی و نشان محبت و دوستی پدران و مادران در زندگی فرزندان عزیزشان است، به سدّ راه زندگی آنها و مصیبت بزرگ خانواده ها مبدل ساخته ایم! به نام «خرید عقد» چه هزینه های گزافی را به جوانان و خانواده ها تحمیل کرده ایم. و برای برگزاری مراسم عقد و عروسی که توصیه به شادمانی و سرور شده است، آن قدر تشریفات و تجملات و شرایط بافته ایم که پشت صحنه آن، چشمهای اشکبار و دلهای غم‌دیده فراوان را با کاروان زندگی بچه ها همراه می کند. و تا مدتها آثار منفی آن مثل پرندۀ شومی بر بام زندگی عزیزانمان چرخ می زند و...

ببینید! بین آنچه خداوند می خواهد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را راضی می کند و آنچه ما انجام می دهیم چقدر فاصله است؟! سوگمندانه باید اعتراف کنیم که هرچه شرع آنور بر انجام صمیمانه و آسان ازدواج تأکید کرده است، ما در مقابل بر

سخت کردن و انجام تکلف آمیز آن همّت ورزیده ایم. به راستی! پایان این رقابت و چشم و هم چشمی جاهلانه و شیطانی تا کجاست؟

در تصحیح این انحراف خطرناک و درمان این درد جانکاه اجتماعی به محضر «او» می شتاییم. «او» که حکیمانه درد را می شناسد. طیبانه نسخه شفابخش می دهد و مصلحانه می سوزد و همگان را به بازگشت به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) فرا می خواند:

ص: 187



**تشریفات ساده ازدواج اسلامی**

شما اگر نگاه کنید به تشریفات ازدواج در میان اقوام مختلف، خواهید دید در اسلام تشریفات ازدواج ساده است. البته جشن و سرور و اینها عیبی ندارد، هر کس هر مقداری که مایل است، اما اینها جزو دین و جزو تشریفات رسمی و دینی ازدواج نیست. هر کس خواست می تواند انجام بدهد، هر کس نخواست، نه. اینکه حتماً بایستی بروند در يك معبد و زانو بزنند جلوی کسی و چه بکنند، و مراسمی که در جاهای دیگر وجود دارد، در اسلام نیست. در اسلام، يك صیغه ای است شرعی که باید خوانده شود. البته در اسلام برای معاملات گوناگون، معاملاتی که اهمیتش کمتر از ازدواج است، شاهد می گیرند... حالا هم که مقررات ثبت است و درج در محاکم. مراکز ثبت رسمی است و هیچ تشریفات ندارد؛ می توانند خیلی راحت و بدون تشریفات این ازدواج را انجام دهند. (1)

ص: 189

در ازدواج، شرع مقدّس اسلام، قیود جاهلی و شرایط مرسوم بین جهّال را برطرف کرد و يك سلسله حرفها و شرایط جدید و سنّتهای تازه ای را پایه گذاری کرد. اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام ازاله کرده، دور و پاک باشد و به آن سنّتهایی که اسلام بنیان گذاری کرده است آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد براساس رضای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و رهبر عظیم الشان بشریت خواهد شد.

اگر خدای ناکرده آن چیزهایی را که اسلام ازاله کرد و ریخت بیرون، اینها را ما در عقد ازدواج بیاوریم، آن وقت عقد ما، عقد جاهلی خواهد شد. خودمان مسلمانییم، اسممان مسلمان است اما کارمان کار جاهلیت خواهد شد.

یا اگر آن چیزهایی را که اسلام بنا گذاشت در کار ازدواج، این را رعایت نکنیم، باز عقد، عقد اسلامی کامل نخواهد بود.

اگر عقد، اسلامی بود، به سبک سنّتهای قرآنی و بنیان گذاری شده به وسیله اسلام، زندگی شیرین می شود و زن و شوهر با هم خوب زندگی می کنند. (1)

ص: 190

جوانها وقتی صحبت می شود می گویند، اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ اینها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می گیرد. فرمود: **إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعِينَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (1)** یعنی خدای متعال اینها را کفایت خواهد کرد. ازدواج بکنید. ازدواج در وضع معیشت آنها دشواری خاصی به وجود نمی آورد. بلکه به عکس خداوند آنها را از فضلش غنی هم می کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف به جای خرج، بَرَج درست می کنیم. اضافه های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می آوریم. بله، البته مشکل پیش می آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می برند، سطوح خواهشها و توقعات و نیازهای کاذب را بالا می برند. بعد هم تقصیر بعضی از مسئولین است، که بالاخره باید بگویند. باید وسایل را فراهم کنند، فراهم نمی کنند. نمی خواهیم بگوییم که دولتها برای جوانها و برای ازدواجشان وظایفی ندارند. اما این باید برای جامعه اسلامی جا بیفتد که ازدواج يك ضرورت است، باید انجام بگیرد. باید تحقق پیدا کند. اینکه دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرفهای منطقی آنچنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، ما می بینیم که نه، جوانها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند. می فهمند. منتها این ازدواج يك مسئولیت پذیری هم هست. این حس گریز از مسئولیت، مقداری مانع می شود از اینکه این کار انجام شود. (2)

ص: 191

1- . سورة نور، آیه 32

2- خطبه عقد مورخه 1379/6/28



تجمّلات برای يك جامعه، مضرّ و بد است. آن کسانی که با تجمّلات مخالفت می کنند، معنایش این نیست که از لذّتها و خوشیهایش بی اطلاعند، نه! آن را کاری مضر برای جامعه می دانند. مثل يك دارو یا خوراکی مضر. با تجمّلات زیادی، جامعه زیان می کند. البتّه در حد معقول و متداول ایرادی ندارد. امّا وقتی که همین طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حدّ خودش تجاوز می کند و به جاهای دیگر می رود. (1)

برخی، اسراف می کنند. می ریزند و می پاشند. در این روزگار که فقرایی در جامعه هستند، کسانی هستند که اوّلیات زندگی هم درست در اختیارشان نیست، این کارها اسراف است، زیادی است، بی خود است. هر کس بکند خلاف است. (2)

بعضی از مردم با این کاری که می شود با آن ثواب برد، گناه می برند. با اسرافهایی که می کنند، با خلافهایی که انجام می دهند، با آمیختن این عمل حسن و حسنه به کارهای حرامی که انجام می دهند. حرام همه اش هم این نیست که محرم و نامحرم و این چیزها باشد. آنها هم البتّه حرام است، امّا ریخت و پاش زیادی هم حرام است. اسراف حرام است. سوزاندن دل مردمی که ندارند در مواردی واقعاً حرام است. زیاده روی کردن، حرام و حلال کردن برای اینکه بتواند جهیزیه دخترش را فراهم کند، اینها حرام است. (3)

بنده راضی نیستم از کسانی که با خرجهای سنگین و با اسراف در امر ازدواج، کار را بر دیگران مشکل می کنند. البتّه با جشن و شادی و میهمانی موافقیم ولی با اسراف مخالفیم. (4)

چقدر دخترها و پسرها که اگر ازدواج هم می کنند به خاطر بی بند و باری پولدارها، احساس کمبود می کنند. احساس غصّه می کنند. احساس عقده می کنند. فکر می کنند چیزی کم دارند. احساس سرکوفت می کنند. (5)

1- خطبه عقد مورخه 1370/4/20

2- خطبه عقد مورخه 1372/6/11

3- خطبه عقد مورخه 1376/11/9

4- خطبه عقد مورخه 1374/5/24

5- خطبه عقد مورخه 1375/10/5

این هتلهای و سالنها و جشنهای پرخرج را رها کنید. البته ممکن است توی يك سالنی هم کسی جشن بگذارد اما ساده، مانعی ندارد. من نمی خواهم بگویم حتماً، چون بعضی خانه هایشان جا ندارد یا امکاناتش را ندارند ولی اسراف نکنید. شادی و میهمانی و دعوت کردن از دوستان و نزدیکان و خویشاوندان و رفقا خوب است اما اسراف بد است. شأن ملت مسلمان ما نیست. (1)

عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم برای دختر مکرّمه خودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زنها دست زدند و خوشی کردند. اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و اینها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسرافها همین مجالس عقد و عروسی گران قیمت است. در هتلهای، در این سالنهای گران قیمت مجالس درست می کنند. مبالغ زیادی شیرینی و میوه و خوراکی حرام می شود، از بین می رود، روی زمین ریخته می شود و ضایع می گردد. برای چه؟ برای چشم و هم چشمی؟! برای عقب نماندن از قافله اسراف؟! (2)

اسراف نباید بشود. اسراف اگر شد هم به خودتان ضرر زده اید هم به مردم دیگر. هم به جوانها و دخترها و پسرها ضرر زده اید و هم خودتان را از چشم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) انداخته اید. از چشم امام زمان (علیه السلام) انداخته اید. این اسراف و زیاده روی، کار خلاف محسوب می شود. (3)

عروسی شیرین، آن عروسی ای نیست که توی آن خیلی خرج می شود و اسراف زیاد در آن می شود. عروسی شیرین، عروسی صمیمانه است. صمیمانه که بود، عروسی شیرین می شود. ولو مختصر باشد. يك اتاق دو اتاق توی خانه، قوم و

ص: 193

1- خطبه عقد مورخه 1373/10/27

2- خطبه عقد مورخه 1372/1/5

3- خطبه عقد مورخه 1371/11/1

خویش، دوست و آشنا و رفیق دور هم بنشینند، این می شود عروسی. این میهمانیهای مفصل و سالنهای آنچنانی یا توی هتلها، خرجهای زیاد، جنسهای گران برای میهمانی، اینها هیچ مناسب نیست. نمی گویم ازدواج را باطل می کند، نه! ازدواج درست است. اما اینها محیط جامعه و محیط زندگی را تلخ می کند. (1)

مگر سابق که این سالنها نبود، این چیزها نبود، توی دو تا اتاق کوچک جشن می گرفتند، میهمانها می آمدند شیرینی می خوردند، ازدواجها بی برکت تر از امروز بود؟ عزت دخترها مگر کمتر از امروز بود، که حالا- باید حتماً بروند توی این سالنهای بزرگ. عیبی ندارد، من مخالفتی نمی کنم با این سالنها. من با «تشریفات» مخالفم. حالا بعضی می روند توی هتل، از آن کارهای غلط است که لزومی ندارد. (2)

هرچه مراسم را کمتر و ساده تر بگیریم بهتر است. بگذارید آن کسانی که ندارند به ازدواج تشویق شوند و آن کسانی که ندارند مأیوس نشوند. (3)

ص: 194

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/9/12

2- خطبه عقد مورخه 1376/7/30

3- خطبه عقد مورخه 1371/9/24

اینکه حالا- معلوم شده که توی باشگاههای چین و چنان و توی هتلها میهمانی می گیرند، اینها اصلاً مناسب شأن اهل علم نیست؛ مناسب شأن مردمان پرهیزگار و مؤمن نیست. اینها هم مال همان قدیمیهاست.

متأسفانه بعضی امروز اشتباه می کنند. چون که سابق مسئولین کشور و سردمداران آن طور رفتار می کردند، حالا هم که اینها شدند سردمدار، خیال می کنند باید از این کارها بکنند. نه آقا، آنها طاغوتی بودند، آنها اهل دنیا بودند. ما روحانی هستیم، آنهایی هم که روحانی نیستند، اهل دین هستند. ما زندگیمان جور دیگر است. رفتارمان جور دیگر است. منشمان جور دیگر است. اخلاقمان جور دیگر است. هدفمان اصلاً با آنها فرق دارد. نباید از آنها تقلید کنیم. ما باید کاری بکنیم که مردم از ما تقلید کنند. (1)

ص: 195

بعضی خیال می کنند که تشریفات و توی هتل چین و چنان رفتن، سالنهای گران گرفتن، خرجهای زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می کند. نخیر عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوا و پاکدامنی و بلندنظری آنهاست، نه به این چیزها... (1)

بدانید! ساده برگزار کردن ازدواج، چه در مهریه، چه در جهیزیه و چه در مجلس عروسی، ننگ نیست که بعضی خیال می کنند اگر ما عروسی را برای دخترمان ساده برگزار کنیم دختر ما سرشکسته خواهد شد. نه! سرشکسته نخواهد شد. این اشتباه شماست. (2)

ما به آنهایی که ندارند نصیحت می کنیم که به عرب و عجم متوسل نشوند که پول قرض کنند برای اینکه آبرویشان را به قول خودشان بخرند! آبرو چیست! این آبرو است؟ اگر چشم را باز کنیم، این آبرو نیست. بعضیها خودشان را قرض دار می کنند. برای اینکه بتوانند مثلاً آبرومند از آب دریاورند! بیخود و بی جهت. (3)

ص: 196

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/5/11

2- خطبه عقد مورخه 1375/9/18

3- خطبه عقد مورخه 1375/10/5

من به همه مردم در سراسر کشور توصیه می‌کنم که ازدواجها را آسان نکنند. بعضیها ازدواج را مشکل می‌کنند. مهریه های گران و جهیزیه های سنگین ازدواج را مشکل می‌کند... خانواده پسرها توقع جهیزیه های سنگین بکنند؟ خانواده دخترها برای چشم و هم چشمی دیگران جهیزیه ها را و تشریفات را و مجالس عقد و عروسی را رنگین تر بکنند؟ چرا؟ اثر این را می‌دانید چیست؟ اثر این کارها این است که دخترها و پسرها بدون ازدواج در خانه ها می‌مانند، کسی جرأت نمی‌کند به ازدواج نزدیک شود. (1)

مگر کسانی که با تجمل عروس و داماد می‌شوند از کسانی که ساده عروس و داماد می‌شوند خوشبخت ترند؟ چه کسی می‌تواند چنین چیزی را ادعا کند؟ این کارها جز اینکه يك عده جوان را، يك عده دختر را حسرت به دل کند و زندگی را بر اینها تلخ نماید، اگر نتوانستند آن جور آنها هم عروسی بگیرند تا ابد حسرت به دل بمانند یا اصلاً نتوانند عروسی بگیرند. چیز دیگری نیست... تا آمدند دخترش را بگیرند، چون دستش خالی است، این دختر بماند توی خانه. این پسر دانشجو یا کارگر یا کاسب ضعیف، همین طور غیرمتأهل بماند. (2)

من گمان می‌کنم آن کسانی که با مجالس و محافل سنگین، با مهریه ها و جهیزیه های سنگین کار را بر دیگران مشکل می‌کنند، حسابشان پیش خدا خیلی سخت است. نمی‌شود بگویند که آقا ما پول داریم، می‌خواهیم بکنیم، چون داریم. این از آن حرفهای غلط روزگار است. داریم که دلیل نشد. انسان وقتی «دارد»، کاری بکند که دیگران نتوانند هیچ اقدامی بکنند، این درست است؟ جوانها جرأت نکنند بروند طرف ازدواج. نباید کاری بشود افرادی که نمی‌توانند، افرادی که دلشان نمی‌خواهد، خلاف فکرشان هست، خلاف تئیشان هست، نتوانند ازدواج کنند. (3)

ص: 197

1- خطبه عقد مورخه 1373/9/2

2- خطبه عقد مورخه 1373/9/23

3- خطبه عقد مورخه 1374/5/24

اسرافکاری و زیاده روی و... این کارها را نکنید، به مصلحت نیست. شارع مقدّس هم راضی نیست. شما هم يك زحمت بیخودی به خودت می دهی. عوض این همه خرج کردن، يك دهمش را به يك مستحقّی بده، يك عالم ثواب ببر. مگر دیوانه اند اینهایی که این همه خرج می کنند بدون ثواب، بدون اجر، بدون رضای الهی. حتّی بدون رضای مردم. مردم همه راضی نمی شوند از آدم... خدا را راضی کنید. (1)

اگر چنانچه در میهمانیها، در نمی دانم فلان هتل ریخت و پاش کنید، میوه نوبر بیاورید و... میهمانی شما سر و صورت و رونقی پیدا می کند؟ البتّه اجر الهی هم هیچ ندارد. این را بدانید هیچ اجر الهی ندارد. اسراف کردن اگر گناه نباشد که گناه است، البتّه اگر صورتی باشد که گناه ندارد، قطعاً ثواب ندارد. اما صدها دختر و پسر جوان دیگر را از داشتن میهمانی عروسی محروم می کنید؛ چون نگاه می کنند و می خواهند با شما چشم هم چشمی بکنند. نمی توانند، کار عقب می افتد. (2)

ص: 198

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/2/19

2- خطبه عقد مورخه 1376/8/22

بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا (علیها السلام) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود. ببینید اینها چگونه ازدواج کردند؟

هزاران جوان زیبا و بااصل و نسب و قدرتمند و محبوب به يك تار موی علی بن ابیطالب (علیه السلام) نمی ارزند. هزاران دختر زیبا و بااصل و نسب هم به يك تار موی حضرت زهرا (علیها السلام) نمی ارزند. آنهایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. رئیس جامعه اسلامی. حاکم مطلق. او هم که سردار درجه يك اسلام بود. ببینید چطوری ازدواج کردند؟ چه جور مهریه کم، چه جور جهیزیه کم. همه چیز با نام خدا و با یاد او. اینها برای ما الگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود مثلاً هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بالاتر بودند؟ از آنها تقلید نکنید. از دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) تقلید کنید، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تقلید کنید. (1)

ص: 199



بعضیها لباس عروس گران قیمت می خرند. نه! چه لزومی دارد. حالا لباس عروس می خواهند، بعضیها لباس عروس را می روند کرایه می کنند. چه مانعی دارد؟ ننگ دارد؟ نه! چه ننگی؟ چه مانعی دارد؟ بعضیها این را ننگ می دانند. ننگ این است که انسان يك پول گزافی بدهد، يك چیزی بخرد که يك بار آن را مصرف کند، بعد بیندازد دور. يك بار مصرف! آن هم با این وضعی که بعضی مردم دارند، بعضیها واقعاً نیاز دارند. (1)

ص: 200

## ب: مهریه، نشان ارادت یا قیمت گذاری؟

### پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سنت مهریه جاهلی را شکست

خود آن کسی که مشرّع مهر است - که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد - که از همه کائنات بالاتر است و دختر مطهره و عزیزه او که از همه زنان عالم از اولین و آخرین بالاتر است و شوهر او که امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد که از جمیع خلائق از اولین و آخرین بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بالاتر است، برای این دو نفر که جوان بودند، زیبا بودند، عنوان داشتند، محترم بودند، اول شخص مدینه بودند، دیدید پیغمبر چقدر مهر قرار داد؟ (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد همه اینها را شکست، برای اینکه مانع ازدواج می شود. اینها مانع از ازدواج دخترها و پسرها می شود. گفت این چیزها را رها کنید. ازدواج شروع آسان است. از لحاظ شرایط مادی، سهل ترین است، آنچه که در ازدواج مهم است رعایت‌های بشری و انسانی است. (2)

خیال نکنید آن وقتها مهریه زیاد و سنگین یا جهیزیّه زیاد سرشان نمی شد. چرا آقا! آن وقتها هم بعضی، از این بی عقلیها مثل بی عقلیهای زمان ما را داشتند که مثلاً یک میلیون مثقال طلا مهریه دخترشان بکنند. درست مثل همین بی عقلیهایی که امروزه بعضیها دارند. این کارهای مبالغه آمیز این طوری اصلاً کار جهّال است. اسلام آمد همه اینها را به هم ریخت. نه اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بلد نبودند بگویند دختر من هزار شتر سرخ موی با فلان شرایط باید مهریه اش باشد. چرا می شد؛ منتها اسلام همه را به هم ریخت. (3)

مهریه سنگین مال دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

ص: 201

1- خطبه عقد مورخه 1371/9/24

2- خطبه عقد مورخه 1372/10/6

3- خطبه عقد مورخه 1372/11/12

آن را منسوخ کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از يك خانواده اعیانی است. خانواده پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، تقریباً اعیانی ترین خانواده قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه است. چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را سیده النساء العالمین قرار داد من الاولین و الآخین با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است می خواهند ازدواج کنند، مهریه ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه کم را قرار دادند که اسمش مهر السنه (1) است. (2)

من گمان می کنم اینکه در جهیزیه حضرت زهرا (علیها السلام) این قدر سادگی رعایت شد و در مهریه ایشان و همه اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن مهر کم، مهر السنه مقید بودند، در حالی که همه قبول داشتند که بیش از مهر السنه هم جایز است، اما این حد را حفظ کردند. این يك جنبه نمادین داشت. برای اینکه بین مردم مبنا و پایه ای باشد برای عمل به آن، تا دچار این مشکلاتی که بر اثر زیاده رویها پیش می آید، نشوند. (3) 7

ص: 202

---

1- . کافی، ج 5، السنه فی المهمورف ص 375، حدیث 7

2- خطبه عقد مورخه 1374/2/28

3- خطبه عقد مورخه 1377/4/18

اینکه می بینید ما گفتیم 14 سکه بیشتر را عقد نمی کنیم، نه برای این است که چهارده سکه بیشتر اشکالی در ازدواج ایجاد می کند. خیر. چهارده هزار سکه هم باشد، ازدواج اشکالی ندارد. فرقی ندارد. این برای این است که آن جنبه معنوی ازدواج، غلبه پیدا کند بر جنبه مادی. مثل يك تجارت و معامله نباشد. داد و ستد مادی نباشد. اگر تشریفات را کم کردید، جنبه معنوی تقویت خواهد شد. (1)

مهریه هرچه کمتر باشد، به طبیعت ازدواج نزدیکتر است، چون طبیعت ازدواج معامله که نیست، خرید و فروش که نیست، اجاره دادن که نیست، زندگی دو انسان است. این ارتباطی به مسائل مالی ندارد. ولی شارع مقدس يك مهریه ای را معین کرده که باید يك چیزی باشد. اما نباید سنگین باشد. بایستی عادی باشد جوری باشد که همه بتوانند انجام دهند. (2)

در ازدواج، آنچه که اتفاق می افتد، يك حادثه و پیوند انسانی است، نه يك معامله پولی و مالی، اگرچه يك مالی هم در بین هست در شرع مقدس اسلام، آن مال جنبه نمادین دارد. جنبه رمزی دارد. خرید و فروش و بده بستان نیست. (3)

ص: 203

---

1- خطبه عقد مورخه 1372/10/26

2- خطبه عقد مورخه 1374/5/18

3- خطبه عقد مورخه 1371/1/5

اگر کسی برای دختر خود اهمیت قائل است، یا دختری برای خود ارزش قائل است، راهش این نیست که بگوید باید مهریه ما را زیاد کنید. مهریه هر چقدر کمتر باشد، جنبه انسانی این پیوند بیشتر است. (1)

هیچ پولی، هیچ ثروتی، معادل يك انسان نمی شود، نه هیچ مهریه ای می تواند قیمت سر انگشت يك زن مسلمان باشد و نه هیچ درآمدی برای يك مرد یا زن می تواند معادل با شخصیت او باشد. کسانی که مهریه های دخترشان را برای احترام به دخترشان بالا می برند، اشتباه می کنند. این احترام نیست. این بی احترامی است. برای اینکه با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله انسانی را، یعنی یکی از دو جنس معامله انسانی را - چون هر دو در مقابل هم هستند - تنزل می دهید به حدّ يك کالا و يك متاع. می گوید دختر من آنقدر می ارزد. نه آقا! دختر شما اصلاً با پول قابل مقایسه نیست...

این مهریه يك سنت اسلامی و الهی است. برای این نیست که در مقابل این موجود شریف عزیز انسانی، انسان بخواهد يك چیزی بدهد.

(2)

ص: 204

---

1- خطبه عقد مورخه 1374/5/24

2- خطبه عقد مورخه 1377/8/11

گاهی اوقات مرد آنچنان است که زن هر چقدر هم مهریه داشته باشد می گوید: مهرم حلال، جانم خلاص. مهریه که کسی را خوشبخت نمی کند... روش شرعی، انسانها را خوشبخت می کند.

محبت هم به این چیزها بستگی ندارد. هر چقدر که پول در این طور مسائل کمتر باشد، عنصر مادی بیرون بشود، عنصر انسانی تقویت می شود؛ محبت بیشتر می شود. (1)

بعضی خیال می کنند مهریه سنگین به حفظ پیوند زناشویی کمک می کند. این خطاست. اشتباه است. اگر خدای ناکرده این زن و شوهر نااهل باشند، مهریه سنگین هیچ معجزه ای نمی تواند بکند. (2)

بعضی از خانواده های طرف عروس می گویند که ما مهریه آن قدر بالا نمی خواهیم ولی خانواده داماد برای پزدادن و تفاخر می گویند نه نمی شود! چند میلیون یا فلان قدر. خب اینها همه دوری از اسلام است. هیچ کس با مهریه بالا خوشبخت نشد. اینهایی که خیال می کنند اگر مهریه نباشد ازدواج دخترشان متزلزل خواهد شد، اینها اشتباه می کنند. ازدواج اگر چنانچه بامحبت بود، با وضعیت درست بود، بی مهریه هم متزلزل نمی شود. ولی اگر چنانچه بر مبنای خباثت و زرنگی و کلاهبرداری و فریب و این چیزها بود، مهریه هر چقدر هم که زیاد باشد، مرد بدجنس زورگو، کاری خواهد کرد که بتواند از زیر بار این مهریه هم فرار کند. (3)

بعضیها می گویند ما مهریه را سنگین می کنیم برای اینکه مانع طلاق بشویم. این خیلی خطای بزرگی است. هیچ مهریه سنگینی مانع از طلاق نمی شود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق می شود، اخلاق و رفتار است. رعایت موازین اسلامی است. (4)

ص: 205

1- خطبه عقد مورخه 1375/2/10

2- خطبه عقد مورخه 1375/5/11

3- خطبه عقد مورخه 1375/9/4

4- خطبه عقد مورخه 1373/9/2

کسانی که مهریه بالا برای خانمشان قرار می دهند، به جامعه ضرر می زنند. خیلی از دخترها توی خانه می مانند، خیلی از پسرهای زن می مانند، به خاطر اینکه این چیزها وقتی در جامعه رسم شد، سنت و عادت شد، به جای «مهر الشَّهَّة»، به جای اینکه مهر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سنت باشد، وقتی مهر جاهلی سنت شد، اوضاع، اوضاع جاهلی خواهد شد. (1)

اگر چنانچه در ازدواج بحث مادیات عمده شد، این معامله عاطفی و روحی و انسانی تبدیل خواهد شد به معامله مادی. این معامله های گران، این جهیزیه های سنگین، این چشم و هم چشمیها و این به رخ کشیدن ثروتها و پولها - که برخی از افراد غافل و بی خبر می کنند - ازدواج را در واقع خراب می کنند. لذاست که در شرع مقدس مستحب است مهریه کم گرفته شود که «مهر الشَّهَّة» موردنظر است. (2)

اگر مهریه سنگین شد، ازدواجها مشکل خواهد شد، پسرها و دخترهای بی خانمان خواهند ماند. هرچه آسان تر بگیرید بهتر است. (3)

من از مردم سراسر کشور خواش می کنم که آن قدر مهریه ها را زیاد نکنند. این سنت جاهلی است. این کاری است که خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) در این زمان بخصوص، از آن راضی نیستند. نمی گوئیم حرام است. نمی گوئیم ازدواج باطل است. اما خلاف سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اولاد ایشان و ائمه هدی (علیه السلام) و بزرگان اسلام است. خلاف روش اینهاست و بخصوص در زمان ما که کشور احتیاج دارد به اینکه همه کارهای صحیح، آسان شود، هیچ مصلحت نیست که بعضی ازدواجها را این طور مشکل کنند. (4)

ص: 206

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/8/11

2- خطبه عقد مورخه 1377/12/13

3- خطبه عقد مورخه 1372/12/22

4- خطبه عقد مورخه 1373/9/2

## عزت دختر به اخلاق است نه جهیزیه

جهیزیه برای دختر مایه عزت نیست. عزت دختر به اخلاق او و به رفتار و شخصیت خود اوست.

بعضی از خانواده های عروس، خودشان را اذیت می کنند و به زحمت می اندازند و اگر پول هم ندارند به زحمت پول تهیه می کنند. اگر پول دارند خرج زیادی می کنند، برای اینکه يك جهیزیه مفصل پرزرق و برقی را مثلاً در اختیار دخترشان بگذارند. (1)

مهریه و جهیزیه زیاد، هیچ دختری را خوشبخت نمی کند و هیچ خانواده ای را به آن آرامش و سکون و اعتماد لازم نمی رساند. اینها زوایای زندگی است. فضول (2) زندگی است و جز دردسر و اسباب زحمت و اسباب مشکل فایده ای ندارد. (3)

مبادا بروید پول قرض کنید، جهیزیه درست کنید. مبادا خودتان را به زحمت بیندازید. مبادا خانواده تان را به زحمت بیندازید. مبادا خیال کنید که دخترتان اگر جهیزیه اش کمتر از دختر همسایه و قوم و خویش بود، این سرشکستگی است. نه این سرشکستگی نیست. (4)

ص: 207

---

1- خطبه عقد مورخه 1377/12/28

2- . زیادی

3- خطبه عقد مورخه 1375/9/18

4- خطبه عقد مورخه 1381/3/29



خانواده‌ها روی چشم و هم چشمی، جهیزیه را برای خودشان يك معضل می‌کنند. بعد که این معضل را خودشان به يك نحوی تحمّل کردند، تازه نوبت دیگران است که رنج این معضل را ببرند. برای خاطر اینکه وقتی شما در جهیزیه دخترتان این همه وسایل درست کردید، بعد کسانی که دیدند، تکلیف آنها چیست؟ این چشم و هم چشمیها آخر به کجا خواهد رسید؟ این همان مشکلاتی است که درست خواهد شد. اسلام می‌خواهد اینها نباشد. (1)

بعضیها سعی می‌کنند که برای جهیزیه بزنند روی دست همه قوم و خویشها و همسایه‌ها و دوست و آشناها که این هم غلط است... باید نگاه کنید ببینید که چه چیزی درست است، چه چیزی حق است آن را انجام بدهید. چه چیزی حق است؟ يك خانواده دو نفره يك وسایلی لازم دارند که يك زندگی ساده ای داشته باشند. (2)

انواع و اقسام ریخت و پاشها، زیاده رویها، کارهای غلط، جهیزیه‌های سنگین. همه جور چیزی را حتماً باید بخرند، بیاورند توی جهیزیه بگذارند، که اقلایك چیز بیشتر از آن دخترخاله اش، یا نمی‌دانم خواهرش، یا آن همسایه‌شان یا آن همکلاسی‌شان داشته باشد. اینها از آن غلطهای بسیار مودی و آزاردهنده است، برای خود انسان و برای مردم. خیلی از دخترها نمی‌توانند به خانه بخت بروند، خیلی از پسرها نمی‌توانند ازدواج کنند، به خاطر همین چیزها. به خاطر همین گرفتاریها. اگر ازدواج آسان بود، اگر مردم آن قدر سخت‌گیری نکرده بودند، بعضیها اگر مهریه‌شان سنگین نبود، اگر این جهیزیه‌های جاهلانه نبود و پدر و مادرها به خیال خودشان برای اینکه مبادا

ص: 208

---

1- خطبه عقد مورخه 1373/3/16

2- خطبه عقد مورخه 1379/8/3

دل دخترشان بشکند، خودشان را به آب و آتش نمی زدند، این گرفتاریها برای خیلی از خانواده ها پیش نمی آمد. (1)

از اول، بعضیها، همه ریز و درشت لازم و غیر لازم را برای دخترشان به عنوان جهیزیّه فراهم می کنند که مبادا از دختر فلانی، از نمی دانم دخترعمویش، یا از خواهرش یا از جاری اش مثلاً، کمتر باشد. اینها درست نیست. این کارها غلط است. اسباب زحمت شماس است. آن هم زحمتی که هیچ اجری پیش خدا ندارد، مایه تشکر هم نمی شود. (2)

ص: 209

---

1- خطبه عقد مورخه 1371/11/1

2- خطبه عقد مورخه 1378/9/2

از بعضیها وقتی می پرسیم که شما چرا برای دو نفری که می خواهند زندگی بکنند، بازار را می خواهید خالی کنید که جهیزیّه برای دخترتان درست کنید؟ می گویند: خب ما داریم. چون داریم می خواهیم بکنیم. آیا این استدلال، کافی است؟ چون داریم! نه. این استدلال به هیچ وجه کافی نیست. استدلال غلطی است. در يك جامعه همه جور انسان زندگی می کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند بتواند والا این جهیزیّه ای که شما دارید برای دخترتان درست می کنید، این مهریه ای که شما دارید به عروستان می دهید، این دیگر در ازدواج را برای دیگران خواهد بست... این روش انسانی نیست. این روش اسلامی نیست.

(1)

ص: 210

شما نگاه کنید به دختر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، بهترین دخترهای عالم، فاطمه زهرا (علیها السلام) بود. بهترین زنهای اولین و آخرین، فاطمه زهرا (علیها السلام) بود. هرگز دختری و زنی به آن خوبی، به آن شرافت و به آن عظمت نیامده است. همه زنهای عالم از اول تا آخر در مقابل او مثل خدمت کارهایی هستند. مثل ذراتی هستند در مقابل خورشید جهان افروز. شوهرش هم امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بهترین مردان عالم. اگر چنانچه همه فضائل و مکارمشان را جمع کنیم. همه مردان عالم به یک ناخن او هم نمی رسند؛ این دو مظهر عظمت، مظهر زیبایی و فضیلت، با همدیگر ازدواج کردند. جهیزیه شان همان چند قلم ارزان قیمتی بود که در کتابها نوشته اند و ضبط کرده اند: یک تگه حصیر، یک تگه لیف خرما، یک دست رختخواب و یک دستاس، یک کوزه، یک کاسه. (1) همه اش را اگر چنانچه به پول امروز روی همدیگر بگذارند، معلوم نیست که چند هزار تومان مختصری بیشتر بشود. همان مهریه را از امیرالمؤمنین (علیه السلام) گرفتند و پولش را دادند جهیزیه مختصری را فراهم کردند و بردند خانه شوهر. حالا ما نمی گوئیم دخترهای ما مثل فاطمه زهرا (علیها السلام) جهیزیه بگیرند. نه دخترهای ما مثل فاطمه زهرا (علیها السلام) هستند و نه خود ماها مثل پدر ایشان هستیم و نه پسرهای ما مثل امیرمؤمنان (علیه السلام)، شوهر فاطمه زهرا. ما کجا و آنها کجا؟! زمین تا آسمان با هم فرق داریم. اما معلوم می شود راه، آن راه است. جهت، آن جهت است. جهیزیه را مختصر بگیرد. به این و آن نگاه نکنید، خرج زیادی نکنید. کار را برای کسانی که ندارند مشکل نکنید.

(2)

جهیزیه فاطمه زهرا (علیها السلام)، به قدری بود که شاید دو نفر

ص: 211

1- بحار الانوار، ج 43، باب 5، ص 94

2- خطبه عقد مورخه 1372/1/5

آدم با دست می توانستند از این خانه بردارند ببرند آن خانه. ببینید افتخار اینهاست. ارزش اینهاست. آیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی توانستند يك جهیزیه مفصل تشکیل دهند؟ اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره ای می کردند، این مسلمانانی که در اطراف ایشان بودند، بعضیهایشان هم آدمهای متمکّنی بودند، پول هم داشتند، از خدا می خواستند که بیايند يك هديه ای بدهند، کمکی بکنند. نکردند. چرا نکردند؟ این برای این است که من و شما یاد بگیریم. والا بنشینیم و تعریف کنیم و خوشمان بیاید و بعد هم یاد بگیریم، چه فایده ای دارد؟ استفاده اش را نمی بریم. نسخه طیب را که انسان نباید بگذارد روی طاقچه تماشا کند. باید عمل کنیم تا بهره اش را ببریم. رژیم غذایی را باید عمل کنید تا فایده اش را ببرید. اینها رژیم غذایی روح است، رژیم غذایی صحت جامعه است. صحت خانواده است. باید عمل شود. ساده برگزار کنید. (1)

ص: 212

---

1- خطبه عقد مورخه 1375/9/5

نگذارید جهیزیّه ها را سنگین کنند. دخترها نگذارند. عروسها، شما نگذارید. پدر و مادرها هم اگر می خواهند، شما نگذارید. این همه جنس گران را می خواهید چه کنید؟ (1)

مادرهای عروسها در تهیه جهیزیّه دست نگره دارند، خیلی افراط و اسراف نکنند. نگویند حالا مثلاً دخترمان است، دلش می شکند. نه. دخترها خوبند. دخترها نمی خواهند. ما بیخود نباید دل آنها را بکشانیم به این سمت که هر چیز قشنگ و لوکس و... حتماً باید برایش تهیه شود. (2)

این دخترخانمها که می خواهند جهیزیّه درست کنند، برای خرید اسباب سر عقد و جهیزیّه، توی این دکانهای گران قیمت بعضی از جاهای تهران، آن محلات گران قیمت که معروف است - نمی خواهم البتّه اسم بیاورم - من می شناسم کجاهاست که دکانهای معروف است به جنس گران، اصلاً طرف آنها پا نگذارند. بروند آن جاهایی که معروف به گرانی نیست. این طور نباشد که داماد بیچاره را دنبالشان راه بیندازند برای خرید عروس و خرید عقد. متأسفانه از این کارها می کنند. (3)

ص: 213

1- خطبه عقد مورخه 1373/9/23

2- خطبه عقد مورخه 1379/11/16

3- خطبه عقد مورخه 1372/3/19



سخن آخر

اشاره

ص: 215





اینجا نقطه آغاز يك پیوند مقدس است، خوشا به حالشان. چشمها در هم گره می خورند. «ان شاءالله مبارك باشد!» و دوباره سرود صلوات است که مجلس زمینیان را با عرشیان همنا می کند. و این دستهای پر مهر «سید» است که در محضر خدای مهربان به دعا و امید برداشته می شود و آرزوهای پدران ای است که از صمیم قلب برای فرزندان به هم پیوسته به آستان لطف کریم مهربان بنده نواز عرضه می شود:

«پروردگارا! دلهای اینها را همیشه به هم مهربان و بامحبت بدار.

پروردگارا! فرزندان و ذریه طیب و طاهری به آنها عنایت کن.

پروردگارا! آنها را موفق بدار که آنچه رضای تو و اولیای توست بر طبق آن عمل کنند.

پروردگارا! کسانی را که مسبب این کارهای نیک می شوند، از طرف خود اجر و مزد شایسته ای عنایت کن.»

چه مجلس پرفیضی و چه ضیافت پربرکتی!... چقدر زود تمام شد....

آقا برمی خیزند. مجلس از جا می کند. و لحظاتی بعد این عروسهای جوانند که با حسرت دامادها را در آغوش گرم رهبر مهربان مشاهده می کنند. و «آقا» با این کلمات آنان را تا دروازه بهشت خوشبختی بدرقه می کند:

«خداوند ان شاءالله مبارك کند، خداوند ان شاءالله شماها را به پای هم پیرتان کند. خداوند دلهایتان را شاد کند. ان شاءالله بتوانید برای خودتان، برای خانواده تان، برای کشورتان و برای دنیای اسلام مایه عزت و افتخار باشید.»

و ما همچنان سرمست از عنایات ویژه بانوی زمین و آسمان و سرور نیکان و صالحان و مادر اولیا و معصومان عرضه می داریم: ای کوثر اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ای فاطمه بزرگ و ای زهراى اطهر (علیها السلام) در این راه پرفراز و نشیب یاورشان باش!

والسّلام

ص: 218

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

